

مسائل بین المللی

مجله تفویک و اطلاعاتی

شماره ۴ (۸۸)

مرداد - شهریور سال ۱۳۵۶

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
«مسائل صلح و وساطت» از نمایندگان احزاب
کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:
اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، آسیای
اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال
آلمان، اندونزی، اردو کورته، ایالات متحده
امریکا، ایتالیا، ایران، ایرلند، برزیل، بریتانیای
کبیر، بلغارستان، بلجیم، پاراگوئه، پاناما،
پرتغال، پسر، چکسلواکی، دانمارک، رومانی،
ژاپن، سنگال، سوریه، سوئد، سوئد، هیلن، عراق،
فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس، کانادا، کلمبیا،
کولمبیا، لبنان، لوکزامبورگ، لهستان،
مجارستان، مکزیک، مکزیک، ورونلا،
هندوراس، هندوستان، یونان.

فهرست مقالات این شماره :

۶۰ سال پیکار در راه صلح و خوشبختی

جامعه بشری

ایش هونگر

دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست
متحد آلمان
مدر شورای دولتی جمهوری دموکراتیک
آلمان

۱

صلح و خوشبختی • این دو آید آل زد پیرا افکار مردم جهان را که تاریخ سالهای نسبتاً کم زندگی صلح آمیز نیمی‌شان کرده • میخورد مشغول داشته است • هر دو جنبه جهانی که آمریکا لیست هاغلی قسرن مات حمل کردند • همپزه ویران کننده بود • این واقعیت هر چه بدیسی تر میگردد که مسأله صلح و راههای حل آنها با موجودیت • منافع و مبارزه نیقات ارتباط بسیار نزدیکی دارد •
انقلابیکبر سوسیالیستی اکثر سرآغاز «سرتار» اید رها رزه در راه صلح و در تاریخ جامعه بشری بطور کلی بود • این انقلابی « نخستین پیروزی را بر ناپود ساختن جنگها » (۱) دلالت میکند • کارگران و دهقانان روسیه با سرنگون ساختن نظام بورژوازی - مملکی و برقرار کردن حاکمیت شوروی در یک ششم از سیاره ما • نخستین شکست عظیم را در سیستم جهانی آمریکا لیست ایجاد کردند • همین اکثر برای خلقها سرشقی شد که چگونگی توان به جنگها خاتمه پیدا کنند • راه رسیدن بدین هدف از این مبارزه انقلابی بود • هر چه پیروزیها را کمیست - لنینیش طبقه کارگراست •
تحت تاثیر اکثر سرخ و استحکام قدرت سوسیالیست در جهان • پیکار اجتماعی بنفای سرخها در گرفت پیرو سه پدید تغییرات بنیادین آغاز گردید که گواهی بر این است که خلقها با اطمنان هر چه بیشتری سگان تاریخ را بدست خود میگردند • آمریکا لیست موقعت حاکم خیر را در جهان به رویا زکشت ناپذیر از دست داد • اگر چه امروز هنوز هم نیروی شانس لیل قابل توجهی در اختیار دارد که از آن بمنظور جلوگیری از ترقیستی استناد میکند •

استحکام نیروهای سوسیالیست و اعتدالی جنبش خلقها در راه آزاد ملی و اجتماعی به پدید آیش تغییرات تازه در اوضاع جهان منجر میگردد • این امر با روشنی ویژه اید در رشد نیروهای صلح و موقعت های آنها نمایان میشود •
مردم این راه رگرترا مو تر نخواهند کرد که از همان نخستین روزهای پدید آیش کشور شوروی مهمترین وظیفه سیاست خارجی آن تا همین صلح بود • و هست •

نویسندگان مقاله ها

عنوان

صفحه

۱ - ۲	شصت سال پیکار در راه صلح و خوشبختی جامعه بشری	ایش هونگر
۱۰ - ۲۱	وحدت کمونیست ها راه واقعی موقعت در راه صلح و سوسیالیست است	یوری سونوما یسنا
۲۲ - ۲۷	موضع نیقاتی حزب واپور تو نسیم	گس هال
۲۸ - ۳۶	در راه صلح • امنیت • همکاری و ترقی اجتماعی	هرمان آگسن
۳۷	کنفرانس بین المللی علمی و شوریه	-
۳۸ - ۴۴	منشور سوسیالیست پیشرفته	ک • کاراسفا
۴۵ - ۵۰	گسترش دانه مبارزه بر ضد انحصارها	پسی یس باگی
۵۱ - ۵۳	چرا ما با کمونیست ها هستیم	از نامه های رسیده
۵۴ - ۵۸	به توره • تغییر و فشار بایسد پایان داده شود	-
۵۹ - ۶۲	کارگران خارجی در شرایط بحران	آمار و اطلاعات

کاهش تشنج سیاسی با کاهش تشنج در عرصه نظامی است - جمهوری موزکاتیک آلمان یاد رنظر گرفتن تمام اینها در تدارک کفایت سبکگرد که در آن نیز از همان خط منی پیروی خواهد کرد که امروز پیش گرفته سهم خود را ان میکند -

امول همینستى سلامت آویز پایه و اساس آند شده از اقدامات کشور سوسیالیستی ما را تشکیل میدهد که برای عادی کردن مناسبات میان جمهوری موزکاتیک آلمان و رورند را ل آلمان بود استفاده و فراموشی کرد - مجموعه قرارداد های اروپا که هم قرارداد ها و ناموافقنامه ها با جمهوری رند را ل آلمان و هم موافقتنامه چهار جانبه درباره برلن غیر از جمله آنها است - پایه ای را بدست یافتن به نتایج مهمی بود که بسود صلح و امنیت آند - یاد آونده نیز میگوئیم که در راه عادی کردن مناسبات با گامها و تازه وسازند و ایورد ایم لازم این کار در عین حال بر خورده عاقلانه و اظهار تمایل از جانب رند یگراست - اما میتوان این اراد را پسند گرفت که درست در همین اواخر جمهوری رند را ل آلمان عرصه بیشتر است با قدماتی میزند که با شرف و روح قرار داد هاتی که در وقت نام بردیم و هم سند نهائی کفایت سبکگردی در تضاد است - چنین اقداماتی مانع بسود و گسترش مناسبات میان دو دولت آلمان و دولت آلمان در جهت است که در قرارداد های پیشین شده است - همین یک از کمترین که واقع بنامه ای اند یکنند و استواری صلح و کاهش تشنج را کرامی میدارند نمیتوانند در چنین چیزی بیفایده باشند -

برای سالم ساختن هر چه بیشتر فضای سیاسی اروپا و احترام خد شه ناید بیه حقا کفایت - مرزهای کشورهای تاجیک ارضی و عدم دخالت در بارود داخلی یکدیگر ضروری است - تصور بوم با اصطلاح وحدت آلمان که از نظر جمهوری رند را ل آلمان با رها عنوان کردید - نوعا لئامه غیر واقعی است و در آخرین تحلیل تمام دستاوردهای را که در جهت بهبود روابط میان جمهوری موزکاتیک آلمان و جمهوری رند را ل آلمان حاصل شده است نیز فکرت سؤال قرار میدهد - حقوق بین المللی را نمیتوان با حقوق دولتی داخلی جمهوری رند را ل آلمان عوض کرد - تصور بوم که با نظر نشان ما سختی به کاهش تشنج زیا نبر سامانده - در باره تلاشها و جمهوری رند را ل آلمان و شخصین آن و شخصوناناید که گرفتن قرارداد چهار جانبه مربوط به برلن غیر از همین را بعنوان گفت و اعلاویه محسوب درلندن در باره برلن هم - بطور مثال - گواه بازاری بوجود آمدن تمهیل تلاشها است -

سیاست خارجی ما ارتباط بسیار نزدیکی با سیاست اجتماعی دارد که از نظر فکرت نیم حزب سوسیالیست متحد آلمان شبیه و در عین شده است - ساختن جامعه سوسیالیستی پیشرفته در جمهوری موزکاتیک آلمان و ایجاد شرایط بسیار مهم و بعد مانی برای گذارت از این بحرانها به عظیم کار صلح آویز با طمس سعادت انسانها و برای اینک بخت مردم است - ما با توجه به چشم انداز یاد تدرت اقتصاد و کموریان را بسط و تکامل میدهد و این تضمین تحققت ابر سوسیالیسم - اجتماعی است که نتیجه آن بهبود شرایط زندگی زحمتکاران و تمسک و گسترش هر چه بیشتر موزکاتیک سوسیالیستی است - تمام برنامه های ما تابع این سیاست هد است -

ایجاد مساعدترین شرایط برای بسط و تکامل سوسیالیسم و تاجیح صلح و ترقی در تمام جهان از وظایف درجه اول سیاست خارجی ما است - بر این رسیدن به این مقصد ما به استحکام بیشتر اتحاد براد رانه با اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی اهمیت تعیین کننده قائلیم - ما مشترکا با آنها با همکاری متقابل نزد یک بدون ترس از تضاد مناسبتی سلامت آویز ما - کشورهای اتحاد را نظام اجتماعی متفاوت - پیروی حکیم -

تحقیق چشم اندازهای طبیعی که امروز دیگر با خطر بیفرمت و تکیختن خلقها پدید آید و نیاز نیست اختلافات و نیروهای است که با این مسئله هلاکتند - چه که قرار از حزب کمونیست و کارگری در درجه

اول میتواند نباید حل این وظیفه را بعهده بگیرد ؟ ما باید انهم که این احزاب بسیار همتگ طیفه کارگر بگیرند تنه جباران راه و منابع و هد فنی و ترقی جامعه بشری و بهترین و انقلابی ترین نیروی دوران ما هستند - اهمیت کفایت احزاب کمونیست و کارگری اروپا در برلن و دیگر پدید آرمای بین المللی احزاب براد رانه و دیمسار زیاد میدارند است که امکانات این تهر اقدامات مشترک را افزایش دادند -

امروز و یکسال از کفایت سبکگرد برلن - فطیلت اهمیت آری اینها و نتیجه گیریها یه تدرین همدسه وسیله کمونیست های اروپا که در سندن کفایت آید و آنگار تردید - میشود - پیشروی نیروهای انقلابی بجلو نشدند یه دیگرهای طبقاتی - جباران سوسیالیست و ایدئولوژیک در عرصه بین المللی - نقش فرایند و همسنگی بین المللی - همگاری و تمایز نیروهای ضد امپریالیستی - همه از جمله این آری اینها و نتیجه گیریها است - منبع این هوشنگی خصلت تازه همرايطی است که جباران در راه حل و فصل مسائل حیاتی و اقتصادی جامعه بشری در آن انجام می یابند - این خصلت عبارت از گسترش فرایند و دانسته این شرایط به تقویات جهانی است - کافی است ما از چنین مسائل جهانی مانند مبرطرق مساختن فقیهاندگی اقتصاد یکی که به گناه امپریالیسم اکثریت انسانها هستوز آزان رنج میزند - ازین برودن گرسنگی و فقر انبوهی از بردم جهان و حفظ و بهبود شرایط محیط زیست را نام ببریم - ما با مقصد بهره ریز حفظ صلح در سراسر جهان نیازمند تمامی مشترک است -

یکی از مسائل حیاتی نیز باره در راه پایان دادن به مصایقه تسلیحاتی است که ناتو در رشد پسند آن میگوید - در عین حال تحققت ابر مبرغی نیز از خلع سلاح نیز از مسائل عمده و درجه اول است - این مسائل بدون تردید - از ضروری ترین وظایف در دوران معاصر است - زیرا تا این صلح استوار و همگانی وابسته بد آنها است - حل این مسائل و مسائل عظیم ما در روز سبک گرد تسلیحاتی مبرسد و سرمایه انحصاریه جهان تحویل میکند - آزادی مساخت - این مسائل میتواندست برای اعلامی و آفرای ترقی خلقها - پیروزه در ستمبره ها و کشورهای خستیده - سابق بود استفاده - قرار گیرد -

فقط یک دم از هزینه ای که تا نوصرفه صلحا عمیکند کافی است تا طی ۴۰ سال ۲۵۰ میلیون کودک را که هم اکنون از کم غذا فی در رنج و ضعیف آند - با تمام آنچه بود نیاز آنها است تا مین کشم - تحسین پیشنها اتحاد جماهیر شوروی در باره کاهش ۱۰ درصد از بودجه نظامی کشورهای که اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل متحد آند - استفاده و اینکشی از وسائلی که بدین ترتیب آزاد میشود - برای کمک به کشورهای در حال رشد - کام بسیار مهمی در این جهت میبود -

برای کشورهای سوسیالیستی باید گفت آنها با امروز ناچارند بقاد بریزند و برای استقلال و تاجیح در تمام اعطیان بخش از دستاوردها و کار صلح آویز خلقها ی خود میسر فرسایند - در حقیقت این کشورهای ما هستند که پیگیزتر از همه در راه رسیدن به قرارداد آید درباره خلع سلاح جباره میکنند -

کشورهای ناتو طی سالهای اخیر بطور ستمبره هزینه های نظامی خود افزوده آند - از آنجا که هزینه های تسلیحاتی بسیار گران شایع شود - با ابر عیق نیازند برای سایر رشته های اقتصاد - مبلغ هر چه کسری باقی میماند - طبق محاسبه بولتن - اکونومیک " - که در نوبورک به چاپ میرسد - هابیک میبازد دلاری که از هزینه های نظامی صرفه جویی میشود - میتوان بحساب ایجاد ده اوس ۵۰ هزار - به حساب ساختن آنها ای اجتناب ۲۶ هزار - و به حساب گسترش شبکه خدمات ۱۳۲ هزار فرصت کار فراهم آورد - اما در عوض اینها حالا به افزایش مصایقه هزینه های نظامی و نیرو هوسیم که به برکت آنها ما حیان مناصح نظامی سود های کلانی به جیب میزنند - این افزایش هزینه های نظامی در جهان سرمایه انحصاری را افزایش میدهد تا مین اجتماعی زحمتکاران همراه است -

اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بارها پیشنها د های مشخصی برای انجام مذاکرات

بخطورتانین صلح وثبوت کاهش تشنج سیاسی از طریق اتحاد آذربایجان در محدود ساختن تسلیحات و انجام خلق حاکم ارائه کرده اند و همین روش خود ادامه میدهد . اما در ضمن ما نمیتوانیم نینیم کسبه ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای عضو ناتو بودیم بر همه جمهوریهای رال آلمان سالهاست هزینه های نظامی خود میافزایند و چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمیتی پتانسیل نظامی خود را بیشتر و کارگزاران میباشند . سپس از ایالات متحده آمریکا که چند پیش کسب بود چه ستانود چه بسیاریه نظار آذربایجان هر ۱۸ ایلبارد دارند که دولت پیشگام کرده . این هزینه ها طی سال جاری هم ۵۰ میلیارد مارک خواهد رسید . در ضمن همین تسلیحات میبکند . این هزینه ها طی سال جاری هم ۵۰ میلیارد مارک خواهد رسید . در ضمن همین جمهوریهای رال آلمان نسبت به تمام کشورهای اروپائی عضو ناتو بالاترین میزان هزینه ها در نظامی را به نسبت سرانه اهالی دارا میباشد . از سال ۱۹۵۶ به اینطرف در جمهوریهای رال آلمان به محاسبه بر خواتواند و کارگروها کارمند ۴۸ هزار مارک خرج تسلیحات میشود .

چنانکه میدانیم در اجلاس اخیر شورای امنیت در لندن تشکیل گردید قرارید پاره پاره تسلیحات و تشدید رشد تسلیحات اتحاد نمیشود یعنی میسر نمیشود . کمیکه در سیاست خارجی خود برای تسلیحات از جهت فاسل معهود وضع بین المللی را بیشتر محدود و ممانعت از تسلیحات در خارج خود برای تسلیحات از جهت فاسل هر سیاست عادلانه را بپذیرد و با برداشتن کامیابیها در خارج و تسلیحات از جهت فاسل در خارج خود برای تسلیحات از جهت فاسل میآورند و به پیشرفت از خلق صلح طبق اصلانیت برابر برای همه و پانوجه به ممانعت تمام کشورهای اروپائی کمک میکنند . جمهوریهای رال آلمان در انجام این وظیفه در آیند نیز بطور فعال سهم خود را در خواهد کرد .

خلق صلح تضمین های تازه ای برای قاع و استحکام استقلال ملی کشورهای مستعمره و وابسته سابق فراهم میآورد . برای نیروهای ضد امپریالیستی و شرقی در کشورهای سرمایه داری با کانات تازه تری و بیگسار برای تعیین خواستهای دموکراتیک و اجتماعی و سیاسی و تضعیف قدرت مطلقه انحصارها و ایجاد تحولات بنیادین دموکراتیک بوجود میآورد . ما نفع نخواهد بود اگر گفته شود که همینها در راه خلق صلح بوشن نشان دهد که ممانعت جمیع های نظامی - صنعتی با ممانعت جامعه بشری تا چه حد در تضاد است .

در اعلامیه کشورهای عضویمان در ووهو که در نوامبر سال ۱۹۷۶ از طرف کمیته سیاسی شورای در بخارست بتصویب رسید گفته میشود : " کشورهای عیاضی با نون مین مسایقت تسلیحاتی اند و اعلام میدارند که علاقمندند و آماده اند بطور فعال سازند به تمام کشورهای در حال فصل این مسئله مهم که در برابر جامعه بشری قرار دارند و همکاری میکنند " .

بنیادین های کشورهای عضویمان در ووهو از جمله اظهاریه بود به مسائل سیاسی و ادان به مسایقت تسلیحاتی و خلق صلح که بر پایه برنامه های تازه در راه صلح موجودیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و تنظیم گردیده و نیز با اعلامیه فوقی مطابقت دارند . طرح موافقت نامه جهانی درباره اجتناب از نگاه کردن زور در دنیا سیاست بین المللی که اتحاد شوروی به اجلاس اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه دادیم عضو حاضر اهمیت بسیار است .

برای هر آورد و شدن این آرزوی انسانها که تا بن صلح استوار است اقدامات فراوانی بعمل آسبند و وقتیانها میسازد داده شده است . با اینهمه امروزها هنوز نمیتوانیم بگوئیم که پروسه سالم ساختن دنیا سیاست بین المللی دیگر از گشت نایب برنده است . هنوز در جهان کانونهای یوغات و تشنج کسبه میخوانند بنشاه خطرات جدی میباشند و وجود دارد . خطر جنگ جهانی تازه هنوز بر تع نشده است . نیروها عیاضا تفکاهن تشنج و صلح اکنون فعالیت های خود را بر ضد سیاست هزینه تشنج میسالت میهنو خلق صلح تشدید میکنند . آنها میگویند کاهش تشنج را بر هم زدن و کارها را به بجاری جنگ سرد اندازند .

بهمین سببهم لازم است در آیند و نیز سعی فراوانی بکنار آورده شود تا صلح بالاخره به شکل طبیعی زندگی خلقها بعد گردد .

بطوریکه میدانیم در اطرارها سیاست هزینه تشنج مسالمت آمیز و ماهیت و مضون و چشم انداز آن جزر و محشده میدارد و حرکت گواه این امر این واقعیت است که در دست در حال حاضر در کشورهای سرمایه داری مقاومت در برابر کاهش تشنج از طرف کارگزاران زمین نیروها افزایش مییابد . حتی جان محافظی که واقع بینانانه تکلیف میکنند بر دوش دنیا بگیری و چشم میخورند . از طرف معلوم نیروهای عیاضی از نمایان رسیدن جنگ سرد و از کاهش تشنج کاملا چیز دیگر نا متظر داشتند . آنها میگویند در بدین حاصل کنند که سوسیالیسم به نون بین المللی خود میافزاید و آنرا استحکام میبخشد و جنبش کمونیستی و کارگری و نیروهای جنبشهای پیش ملی و مبارزان راه صلح در سراسر جهان مواضع تازه و تازه تری دست میآورند .

تعدادی نیست که هیچ آتش کمونیسم کوشش که در درجه اول بر ضد اتحاد شوروی است و در لحظه ای تشدید میگردد که اندیشه های کاهش تشنج و خلق صلح که سوسیالیسم آنها میدهد و بعد آنها الهام میدهد یا حسن استقبال هر چه بیشتر خلقها رو به پیشرفت و احیای سوسیالیسم شکست هائی را تحمل گردید که بی آمد های آنها اهمیت استراتژیک دارند . بورژوازی بزرگ در کشورهای خود با جنبش ضد انحصار میروست که حرکت کنندگان در آن در شرایط بحران با احزاب و ابرام هر چه بیشتری خواستار درگرونیها میباشند و جماعسی میگردند . تمام اینها کوا بر میهمونگی تلاشها یا مبرای سوسیالیسم برای میرون جستن از وضع دنیای تاریخی است که اکنون در آن قرار گرفته است .

کاهش تشنج قوانین عینی مبارزه طبقاتی را تشویق نمیدهد و نمیتواند تشویق دهد . یاد ر نظر گرفتن این واقعیت است که ما سیاست سازند و خود را تعیین کرده و میبزرگیم . کاهش تشنج در واقع هم همانطور که رقیب تر گفتگفته و ما با آن کاملا موافقیم . مقدم بر هر چیز نایب آمدن بر جنگ سرد و گذار به مسالمت عادی و برابری حقوق جهان کشورهای تشنج . تشنج زدائی این یاد کی راه که اختلافات و مسائل مورد نیاز به رانه با افعال قهر نه بانه تشدید و هل من مبارز تولید ن بلکه با وسائل صلح آمیز و روش مذبذگرا ت باید حل نمود . در هر یک از تشنج زدائی یعنی اندازه یعنی اعتماد و مستعد بودن بر برای در نظر گرفتن ضایع قانونی یکدیگر نیز هست .

مسالمت اتحاد شوروی و امپریالیسم سرمایه داری مجموعه پیشرفت جهانی نیروی برای حل مسائل خلق صلح اهمیت قاطع دارند . مذاکرات آنها برای تجدید مسالمت و اتحاد استراتژیک بحق در مرکز توجه افکار عمومی قرار گرفته است . ما سیاسی اتحاد شوروی با خاطر عادی کردن هر چه بیشتر مسالمت با ایالات متحده آمریکا و انعقاد قرارداد نونین که بر اساس موافقت نامه های اولاد پوستک در نظر گرفته شده است و عیاضا تایید میکنیم . ما به این اعتقاد را بخ داریم که با در نظر گرفتن مصالح صلح روزین چنانچه طرف دیگر از گوشه سیاسی غیر واقع بینانه صرف نظر کند و خطا میسوزدیک چانه ناهد . میتوان نتایج مثبتی دست آورد . شصت سالگی از صد و نونین در راه صلح گذشته با نجات رسانده اند که صلح و تنگنخی جامعه بشری با بوفیت های سوسیالیسم و مبارزه خلقها برای آزادی ملی و اجتماعی پیوند ناگسستن دارند . در آیند هم دست یافتن یکا میایی هائی در راه این هدفهای بزرگ و و الا نقطه در دیگر رشد امپریالیستس میسر است .

قرن ما با پروتستواره سرخی که اکثر بزرگه انورخته روشن شده و نیروی میرونیهای آن درگون سازند و جهان است . در چنین فعالیتهای انقلابی خود ملها و تحت رهبری طبقه کارگرو احزاب کمونیستی - لنینیستی آن هدفهای اول و آمانیهای سرخه که در گذشته آرزوی پیش نبود . اینک روزی روزی به واقعیت بدل میشود .

وحلت کمونیست‌ها راه واقعی موفقیت در

امر صلح و سوسیالیسم است

پروفسور پونوماریف

عضو سابق ویرجوری سپاس کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی ، دپیر
کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد
شوروی

جنبش کمونیستی مرحله بسیار مهم و پرسرولیمی را در تاریخ خود میگذراند . مرحله کنونی پیشرفت آن مقدم بر هر چیز یا تغییر کیفی نقش واقعی کما مرز کمونیست‌ها در تعیین سرنوشت جامعه بشری ایفا میکند شخصی میگردد . صفوف جنبش کمونیستی گسترش بیشتری یافته مواضع آن استوارتر گردیده و تاثیر آن روی جریان و خصلت رویداد های جهان افزایش می یابد . این روزها مسئله مهم حیاتی سیاست جهانی کموتان آنرا بدون در نظر گرفتن موضع جنبش کمونیستی حل کرد ، وجود ندارد .

مسئله دیگری هم با این امر ارتباطی بسیار نزدیک دارد . بسیاری از رویداد های بین المللی نه فقط در چشم اندازهای جنبش مابطور کلی موثر واقع میشوند ، بلکه بطور کامل مستقیم روی فعالیت برخی از احزاب براد تاثیر میکنند . مسائل بین المللی در مبارزه و فعالیت تمام احزاب کمونیست بدوین استثناء جای هر چه بیشتری را بخود اختصاص میدهند و مهر و نشان خود را از جمله در تعیین تاکتیک و استراتژی ملی آنها باقی میگذراند . اهمیت روز افزون تلفیق مسئولیت بین المللی و ملی خود از طرف کمونیست‌ها هم علاوه بر این امر جلوتر میسرود .

بالاخره به یک جنبه مهم دیگر قضیه اشاره میکنیم . اکنون ، هنگامیکه در عرصه بین المللی چنین تغییر کیفی عمیقی روی داده ، زندگی بشکل بسیار مقتضی با ثبات میرساند که میزان تاثیر متقابل احزاب کمونیست و کارگری به یکی از عناصر مشترک بسیار مهم تغییرات بسیار مهم صلح و سوسیالیسم تبدیل میگردد . همسنگی انترناسیونالیستی کمونیست‌ها عامل سیاسی مهم متوقف ساختن محافل تجار و کارامبروالیسم ، حفظ و افزایش دستاوردهای بزرگ طبقه کارگر و حرکتشان و پیش از شروط لازم و اساسی بسط و تکامل هر چه بیشتر پروسه های مثبت در جهان است . طی سالهای اخیر روابط و همکاری میان احزاب برادر و ریزر زمانه با پی افزایش یافته و متنوع تر گردیده است . این احزاب در عرصه بین المللی بشدت همکاری میکنند . تماس های سیاسی کثرت برای بررسی مسائل روز از خصوصیات تپهیک و مشترک تمامیهای میان احزاب بوده است .

هدفها و سمت گیریهای مشترک ، مبارز مشترک که در دایره های بین المللی منطقه ای و چند جانبه سالهای اخیر مطرح گردیده ، بطوریکه تجربه سالهای اخیر پیوسته نشان میدهد ، به کمونیست‌ها کمک میکند تا از امکانات خود و شرایط مساعد بین المللی بسود زحمتکشان با موفقیت بیشتر و بیشتر بخشن تر استفاده میکنند .

۱

مهمترین وجالب توجهترین نتیجه مبارزه ای که طی سال پس از جنگ جهانی دوم نیروهای صلح و سوسیالیسم در عرصه بین المللی دنبال میکنند این بود که در راه رسیدن به چرخش از جنگ سرد " به کاهش تشنج و تثبیت اصول همزیستی مسالمت آمیز زندگی بین المللی موفقیت حاصل شد . این چرخش نتیجه تغییر کیفی در تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه جهانی و سیاست صلحجویانه کشورهای سوسیالیستی برادر بود .

بنیامین امین تغییر بطور کثرت در چه چیزی خود را نشان داد ؟

نخست ، در استواری بدون وقفه و مستمر سوسیالیسم جهانی .

سوسیالیسم موجود کنونی تکیه گاه طبقه کارگر رسوا سر جهان بوده و هست . موجود بیست و استحکام آن امکانات بسیاری برای نوسازی اجتماع از راههایی که بطور قطع در بسیاری از موارد آسان تر از راههای مابطور بود که خلفای کشورهای سوسیالیستی مجبور به طی آن بودند ، میگذراند . سوسیالیسم موجود کنونی نقش برجسته ای در تعیین موفقیت جنبش آزاد پیخشی ملی ایفا کرد . موجودیت ، کمک و پشتیبانی آن اینک به کشورهای که استقلال سیاسی بدست آوردند و امید به پیشروی در راکتیب استقلال اقتصاد داری خواهد کرد . بالاخره سوسیالیسم موجود کنونی راهی جامعه بشری از جنگ جهانی را بر زمینه عملی قرار داد . علاوه بر این ، سوسیالیسم بطور قاطع موجبات چنان دگر سازی مناسبات بین المللی را فراهم کرد که با منافع تمام خلقها و تمام نیروهای دموکراتیک سازگار است .

کشورهای سوسیالیستی با دفاع از صلح و امنیت خلقها ابتکار در سیاست خارجی را در دست خود دارند . آنچه در اینجا تازه است ، این است که کشورهای سوسیالیستی امروز با اتکا به تغییرات کیفی در تناسب نیروها در عرصه جهانی چنان حل و فصل مسائل بین المللی را با موفقیت مطالبه میکنند که با منافع صلح و امنیت خلقها ، جنبش کارگری ، تمام زحمتکشان و با منافع استقلال ملی سازگار است .

دوم اینکه ، طی سالهای اخیر ، طبقه کارگر در بخش غیر سوسیالیست جهان بحزله نیروی رهبری کننده و ترقی اجتماعی پیش از پیش تثبیت گردید .

طبقه کارگر مابصرا اینک نسبت به نقش که پیش از جنگ جهانی دوم در نخستین سالها پس از جنگ جهانی دوم ایفا میکرد ، نقش بسیار روزین تری را ایفا میکند . این طبقه از امکانات واقعی بسیاری تاثیر هر چه شریختر در حل و فصل مسائل جنگ و صلح برخوردار است . بدین صابیت نمیتوان با داور نشد که برخی از احزاب سوسیال دموکرات هم از برخی از مواضع سابق خویش عدول کرد و آزادی خود را برای همکاری با کشورهای سوسیالیست و کمونیست‌ها در مسائلی که مقدم بر هر چیز مربوط به دفاع از صلح و مبارزه برضد ارتجاع است ، نشان میدهند .

بسیاری از احزاب کمونیست ، مواضع خود را در کشورهای خویش استحکام بخشیده اند . آنچه در اینجا تازه ای دارد این است که برخی از آنها طی سالهای اخیر چنان مواضعی بدست آوردند و امید که علاوه بر مقابل آنها مسائل مربوط به امکان اشتراک در دولت مطرح میشود . این جریان به آنها

امکان میدهند که همین امروز برخی از موارد بویژه رازی را چنان تحت فشار قرار دهند که محافل حاکمیه کشورهای مورد نظر هنگام تهیه و تدوین و تحقق بخشیدن به سیاست داخلی و خارجی خود، نسبتاً آزاد نظر نگینند.

سوم اینکه در منطقه جنبش آزاد بخش ملی هم تغییرات اصولی روی داده است. آنچه در اینجا تا رگی در این است که القای سیاست استعماری با شکل کینه آن عملاً بقاخر میسر است. اما امپریالیسم جهانی مصرا میگوید از این پروسه جلوگیری کند و گویا همانز حفظ و خاتم و تشنج اوضاع بطور مصنوعی در رخا ورتزید یک اوضاع جنوب افریقا و همچنین رویداد های ژنیوا است. اما چنانکه زندگی تأیید میکند امپریالیسم دیگری قادر به برگرداندن جریان جنبش آزاد بخش ملی نیست.

اگرچه در برخی از نواحی هنوز قادر به عوارض ساختن ضربه مقابل است. کشورهای که استقلال سیاسی بدست آورده اند، بدست در راه برقراری نظم اقتصادی بدوین تمهید وفات امپریالیستی در مسایات بین المللی فعالیت میکنند. روسیالیستی را برگزیده اند، برای ایجاد احزاب پیشرو انقلابی تدابیری اتخاذ میکنند و بسود بسط و تکامل همکاری و فعالیت مقابل با جنبش کمونیستی اظهار نظر میکنند.

بدیهی است که در زمین یادآوری موفقیت های جدی کمونیست ها و تا پیشروهای که بر علیه جنگ و درواغ های امنیتی ترقی اجتماعی خلقها فعالیت میکنند با مساعی مشترک بدست آورده اند. نمیتوان این را از نظر رد داشت که هیچچیز تا موانع از سر راه برداشته نشده است، تمام مسائل حل نگردیده و خطر جنگ تازه ای اگرچه تضعیف شده، هیچچیز ازین برده نشده است. این را نیز نباید از نظر رد داشت که امپریالیسم کما جار شده است تغییراتی را که در اوضاع جهان بدست آمده مورد توجه قرار دهد میگوید از استحکام بیشتر مواضع نیروهای صلح و موکراسی و سوسیالیسم معانیت بعمل آورد و در صورت امکان انتقام بگیرد و جریان رویداد ها را در عرصه بین المللی بعقب برگرداند.

این امر امپریالیست های کشورهای مختلف را بدان و امیدارد که برای هماهنگ ساختن مساعی خود بقضای جهانی تلاش کنند. صرفنآ را اینکه حادث شدن بحران امپریالیسم ناگزیر به تشدید سیاست و رقابت، برخورد و تضاد میان کشورهای سرمایه داری، بزرگترین انحصارها و گروههای مختلف انحصارها و ارجله انحصارها ی چند طبقه منجر میشود. امپریالیسم جهانی میگوید آنجا که سخن بر سر مبارزه با نیروهای انقلابی، آزاد بخش و آتش در بر بر سیاست مخالفت با سابقه تسلیحاتی و تا مین واقعی امنیت خلقها است متحد و یکپارچه عمل کند.

سالمای اخیر دلائل فراوان قانع کننده ای در اثبات این نکته عرضه داشتند که دشمن طبقاتی ما برای هماهنگی و تطابق استراتژی ضد کمونیستی خود بقضای جهانی هرجه بیشتر اهمیت قائل میشود. از آنجمله است تشدید فعالیت مکانیسم های نظیر نوتویا و ارشترک اروپا، جلسات مشاوره نظام روسای دولتها و وزرای امور خارجه بمنظور حفظ مواضع سرمایه بین المللی و تهیه خط مشی مشترک نسبت به کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد، افزایش در اهرای سیاستاران در سطوح گوناگون برای بررسی و تدقیق استراتژی و تاکتیک مشترک در مبارزه برضد طبقه کارگر و زورمندان کشورهای خویش. بنظر ما در چنین شرایطی، اینک تحکیم همبستگی انترناسیونالیستی و اقدامات جمعی احزاب کمونیست و کارگری که بر حسب سرشت، جهان بینی و موقعیت خود در ساختار سیاسی جامعه معاشران قلمین اندیشه های انترناسیونالیسم و همبستگی اند، اهمیت ویژه ای کسب میکند.

این امر بویژه از آن لحاظ اهمیت بیشتری دارد است که مسائل همی که در سالهای آینده در عرصه بین المللی برای کمونیست ها بدید خواهد آمد از جهات بسیاری خصلت تازه ای کسب میکند. ویژگی های مرحله کنونی مبارزه در راه تحقق، تحکیم و تعمیق کا هشت تشنج بین المللی عبارت از این است که اینک سخن بر سر رسیدن به توافق های هر چه کثرت تر بر مسائل مهم حیاتی میان کشورهای است که به سمت های متضاد اجتماعی - اقتصادی تملوق دارند. خود همین مسئله در شرایطی خاص مخصوص بخود ایجاد میکند.

اماد شوریه های عمده از جای دیگری ناشی میشود. سرچشمه آنها مقاومت روز افزون امپریالیسم در برابر پروسه کا هشت تشنج، مقدم بر همدم رخصت نظامی و تلاش آن برای جلوگیری از مهار کردن مسابقه تسلیحاتی است و این خود چیزی دیگری غیر از تارک زمینهای جنگ نیست. امپریالیسم بجز از هر زمان دیگری بمسابقه تسلیحاتی دامن میزند و میزبان بمسابقه ای آنسرا گسترش میدهد. در جنبه این مسابقه تسلیحاتی در جهان معا صری نظیر است. یکی از آنها افزایش عظیم قدرتش و ایجاد انواع وسیعتر های تازه سلاح کشتار جمعی و دی وسیع باارظیم اقتصاد است که امپریالیسم در زمان صلح بجامه متحمل میکند.

یادآوری اینکه اصولی دیگر هم جایز اهمیت است. امپریالیسم باتشددید مسابقه تسلیحاتی فقط نه در تلاش آنست که گرایش به تغییرات سبب نیروهای رخصت جهانی شود صلح و سوسیالیسم را به عقب برگرداند و برتری نظامی را بخود بازگرداند، بلکه مسابقه تسلیحاتی را وسیله ای برای اعمال فشار نظامی - سیاسی بر کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد بشمار میآورد. امپریالیسم از مسابقه تسلیحاتی برای متوقف ساختن پیشرفت اقتصاد سوسیالیستی و بنابراین کند کردن آهنگ پیشروی کشورهای برادر روسی و سوسیالیسم هم استفاده میکند. بالاخره مسابقه تسلیحاتی یکی از مظاهر هرصده گرایش بمصلحت پروری کردن زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است که مخصوص سرمایه داری است و در زمین حال وسیله تحکیم مواضع اجتماعی و سیاسی نیروهای ارتجاعی و تجار و کاروکی از سوا قتل بدست آوردن سود اضافی از طبقه کارگر، سایر قشرهای زحمتکش جامعه و عامل تشدید بحران سرمایه داری می باشد.

بعکس، مبارزه بگنیم برضد تمام اشکال امپریالیسم بخش جدی ناپذیر بر مسائل طبقه کارگر است. لنین، تقریباً ۷۰ سال پیش از ترقی طعنانه کنگره اشتوگارت انترناسیونال دوم در باره مبارزه برضد امپریالیسم بطور جدی پشتیبانی کرد. در این تظلمانه گفته میشود: "طبقه کارگر که بطور صد سرمایه داری وجهه میدهد و گذشت های مادی را هم بطور عمد متحمل میشود بخصوص دشمن طبیعی جنگ است، زیرا جنگها با هدفی که این طبقه دارد در تضاد است. هدف طبقه کارگر ایجاد نظام اقتصادی بر پایه اصل سوسیالیستی است و آنرا همبستگی خلقها علیه تلاش خلق خواهد بخشید" (۱).

مبارزه برضد مسابقه تسلیحاتی و تعمیق کا هشت تشنج یکی از مسائل اصلی بگانه فقط در عرصه سیاست بلکه در عرصه ایدئولوژی است. هدف اساسی آن بنظر ما عبارت از این است که توده های مردم:

- خطور روز افزون مسابقه تسلیحاتی را درک کنند (و باید گفت که درک این خطورلی سالمای اخیر در برخی از نقاط روضعف نهاده است)؛
- طرز نشانی حمله توتور سیاسی امپریالیستی را فریاد بگیرند و ماهیت مانورهای آزاد را بین مردم درک کنند؛

۱ - لنین: مجموعه کامل آثار، (بزبان روسی)، جلد ۱۷، صفحه ۱۸۸.

این را که ما برای خود روشن کنند که امپریالیسم مقصود واقعی مسابقه تسلیحاتی و ملیت‌پرستانه است.

اینها که بیشتر در هم بخصوص از جهت ضروری است که در ضمن طبقاتی تمام کوشش خود را با یکبار میرد تا مستولیت را بعهده کشورهای سوسیالیستی گذارد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی دفاع از صلح و جلوگیری از جنگ هسته ای و مبارزه بر ضد مسابقه تسلیحاتی را وظیفه مسئولیت انترناسیونالیستی خود دانسته و امروز هم همین نظر را دارد. طبیعی است، مسابقه تسلیحاتی که امپریالیسم اعمال میکند اتحاد شوروی را هم وادار به صرف وسایل فراوانی برای تحکیم قدرت دفاعی خویش میکند. ولی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کشور شوروی همواره از مدد و ساختن مسابقه تسلیحاتی برپایه عادلانه برای هر دو طرف پشتیبانی کرده اند و پشتیبانی نمیکنند.

اگرچنانکه باید از کوشش تجار و کارکنان محافل امپریالیسم برای گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی جلوگیری نشود، همانطور که رفیق برژنف تأکید کرده "خطر جنگ از نوافزایش خواهد یافت. چنین مشی برای خلقهای شرق و غرب بیک اندازه خطرناک است. اتحاد شوروی با تمام مسائل ممکن با چنین خط مشی مخالفت خواهد کرد و ماهیت خطرناک آنرا افشا خواهد ساخت."

۵

تشدید بحران سرمایه داری هم، به نظر ما یک سلسله مسائل کلی انترناسیونالیستی را مطرح میسازد، زیرا این بحران، به طوریکه اکنون اغلب اعتراف میکنند، از بسیاری جهات در شوارتس و خطرناکتر از بحران‌های پیشین، برای نظام سرمایه داری است. امروز با قطعیت کامل از بحران سیستم اقتصادی سرمایه داری جهانی و بحران سیاست نوآشناماری میتوان سخن گفت. از خطرات روشن و آشکارا محسوس کنونی تکانه‌های شدید بحران خصلت بین‌المللی آنها است.

حالا در بررسی از کشورهای اندک رونق شرایط اقتصادی چشم میخورد. اما این بدان معنی نیست که اقتصاد سرمایه داری بحران را از سرگذاشته است. بیگاری روزافزون، تورم و دیگر پروسه‌های بحران برای امرگوهی میدهند. اختلاف میان نیازند بسیار است و هاسویان ارضاء این نیازند بسیار بطور مستقیم افزایش مییابد و ناتوانی وند جلا تده محافل حاکمه به توجه به محدودیت دردهای هرچه بیشتر آشکار میگردد و تضاد های اجتماعی هرچه بیشتر بروز میکند. بدین ترتیب نه فقط طبقاتی اجتماعی - سیاسی، بلکه طلق اقتصادی هم که زحمتکشان را به دفاع صراحت از منافع خویش بر میانگیزد همچنان بقوت خود باقی است. در نتیجه، قشرهای تازه اجتماعی به این جنبش پرتحرک می پیوندند. اشکال مبارزه طبقاتی متنوع تر میشود و همزمان هم مبارزه اقتصادی با مبارزه سیاسی پیوسته نزدیکتری یافته و بطور ارگانیک بهمی آمیزند.

احزاب برادردرجهان سرمایه داری این وظیفه را در برابر خود نهاده اند تا مانع از آن شوند که موقعیت‌هایی را که زحمتکشان در جریان مبارزه طبقاتی شدید سالهایی پراچندگ حاصل کرده اند از دستشان خارج سازند. آنها میگویند مبارزه بر علیه بحران را با مبارزه بر ضد سلطه مطلق انحصارها و انبساط در راه درگسارهای عقب اجتماعی - اقتصادی و نوسازی و موزکاتیک تمام عرصه‌های زندگی در راه منافع طبقه کارگر و هد فهای سوسیالیستی در هم آمیزند. احزاب کمونیست توجه خود را بدین مسئله هم معطوف داشته اند که مبارزه بر ضد پدیده‌های بحران و بین آمد های آنها برای زحمتکشان را با مبارزه در راه هاش تشنج که امکانات گسترده ای برای پیشرفت همکاری اقتصادی کشورهای با نامهای اجتماعی مختلف فراهم آورد، توأم سازند.

نتیجه اساسی این تلوژیک سیاسی تشدید کنونی بحران سرمایه داری این است که برای هر چه بیشتر آن بهای یک سیستم اجتماعی در نظر توده‌های انبوه مردم است. یکی از مهم‌ترین علل اینکته در جهان مبارزه گسترده، همگی را بد تلوژیک و سیاسی میان نیروهای صلح و سوسیالیسم و نیروهای امپریالیسم، تجار و ارتجاع هرچه بیشتر شعله‌ور میشود، نیز در همین است. در نقطه غیر سوسیالیستی جهان توده‌های انبوه عظیم مردم به حرکت درآمده اند. اینها که با یاد یکال شدن آشکار آنها و پیوسته منافع مردم ضروری زحمتکشان خواستار پاسخگویی به این مسائل حاد و و ران معاصر است که بر میسریم: - راه خروج از بحران را که تمام سیستم سرمایه داری، اقتصاد، سیاست، ایدئولوژی و اخلاق آنرا فرا گرفته است چگونه و از چه طریق باید یافت که با منافع اقتصاد و سیاسی توده‌های زحمتکش توافقی داشته باشد.

- خطر مستقیم جنگ را چگونه باید در ورکرد. نعتنها چگونه باید در ورکرد، بلکه چگونه صلح بین واقعا استوار و واقعا دموکراتیک و عادلانه باید موجود آورد، چگونه به مسابقه تسلیحاتی باید پایان داد که مسائل عظیمی را که نمیتوانست برای بهبود زندگی زحمتکشان مورد استفاده قرار گیرد بکام خود فرو میرد.

- چگونه از نبرش‌های جامعه نوک وجود آنها وسیله تمام پارتیک سوسیالیسم با ثبات رسیده، برای تاسین پیروزی‌های بیشتر اندیشه‌های سوسیالیستی، باید استفاده کرد، چگونه امکانات عینی را که نیرومندی و اعتبار سوسیالیسم معاصر را اختیار جنبش‌گرگاری و آزاد بخش قرار میدهد، باید مورد استفاده قرار داد.

بهین سبب، تضاد فی نیست که سیاستمداران، ایدئولوگ‌ها و نظریه‌پردازان محافل حاکمه امپریالیسم میگویند به وسیله که ممکن است مانع از آن شوند که توده‌ها این نکته را درک کنند که بگانه راه خروج واقعی و دارای چشم انداز (پرسیکتیو) در گسار سوسیالیستی جامعه است. امروزه همین مسئله که راه سوسیالیستی میتواند قشرهای تازه‌ای از زحمتکشان را بخود جلب کند سرمایه داری را وحشت زده میکند.

تمام اینها مسائل حاکمه امپریالیسم را بر آن داشته که به تاشیرویی توده‌های انبوه در کشورهای غیر سوسیالیستی و در درجه اول روی زحمتکشان با استفاده از تبلیغات و وسائل روانی ضد کمونیستی و ضد شوروی و توجه ویژه ای میدول دارند. روی این موضوع بطور اساسی اصرار میورند که شاید بتوانند آرمانهای بزرگ سوسیالیسم را باین ارج و اعتبار سازند و نسبت به کشورهای دیگر این آرمانها را به پیوسته است عدم اعتقاد بوجود آوردند. گردانندگان امپریالیسم بهین منظور در و ران اخیر تبلیغات شدید گسترده آنتی کمونیستی و ضد شوروی دست زدند. امپریالیسم دستگاه واقعا بیسابقه ای از لحاظ مقیاس و اندازمان، برای خرابکاری ایدئولوژیک بر علیه کشورهای سوسیالیستی بوجود آورده است. اینکلهی از دستبندی اقدامات دولت تازه آمریکا عبارت از این بود که برای ایجاد ۱۱ فرستنده قوی تازه برای تبلیغات خرابکارانه بر علیه سوسیالیسم واقعی موجود اعتبار تاقا شد، خود نمونه معلوم و مشخص کننده این نیت است.

تبلیغات پر دامنه ضد شوروی آنتی کمونیستی که اینک مقیاس به مسابقه ای یافته است، به نظرها نیشخندی شگرف بر عقل سلیم است. سرمایه داری، یعنی نظام اجتماعی که طی ۶۰ سال گذشته تمام نیروی خود را برای از بین بردن سوسیالیسم بکار برده است، حالا بمنزله طرفدار این سیستم بخشیدن بدان... به میدان می‌آید! اما در حقیقت امر نه طرفدار این سیستم بخشیدن بدان، بلکه بر علیه سوسیالیسم است. اینک سرمایه داری حقیسوق انسانهارا به بتابه کالای صادراتی خود برگزیده و خند قارواست. زیرا میدانیم که سرمایه داری در واقع امر چیزی بگری غیر از این حقوق میلیونها

انسان نیست .

اما این مسئله حائز اهمیت است که تبلیغات گسترده ای که با این گروه انداخته اند مانند تفهیم سربازان بروی ملین و دست اندرکاران آن بازگردند . زحمتکشان و سازمانهای مترقی آنها هیچ ناپسندگان محافل حاکم جهان سرمایه داری را با اصطلاح معروف "سربازان میگردند" و احساق حقوق خود را خواستار میشوند . این محافل همچنان روند رانجامی دستوپاکند و حتی در زمانهای مبینی تا حد ویدی از شدت این تبلیغات بکا خندند . حزب کمونیست اتحاد شوروی برای فعالیت و رفقای ما ، کمونیست ها در روی مرزهای اتحاد شوروی که منظور افشای تبلیغات و تشریح حقایق در برابر حقوق انسانها در کشورهای سوسیالیستی برای توده های مردم روزانه و در شرایط بخرنج انجام میگردد ، ارزش فراوان قائل است .

طبوعات انحصاری مایل به عطف توجه بدین موضوع نیست که در کشورهای جهان با اصطلاح آزاد هرروزه در هوا صد ها تن افراد بیگناه را برزند آن میکنند ، شکنجه ترور میکنند و در بسیاری از این کشورهای بروی اعتصاب کنندگان و کمانی که در تظاهرات مختلف شرکت میکنند آتش گشودند و آنها را شرباران میکنند . در عوض این طبوعات ، وقتی در اتحاد شوروی و یا کشورهای سوسیالیستی دیگری برخی افراد طبقاتی که قانون محبت اقدامات ضد سوسیالیستی شان که برخلاف منافع مردم است ، مجازات میشوند ، در صورتی که غیر قابل تفسیر را میمانند .

بنیامین تبلیغات کونی بر علیه کشورهای سوسیالیستی بجه دلیل زیر شعار قلابی و ناع از حقوق انسانها براه انداخته شده است ؟

مقدم بر هر چیز بنیان علت که امروز قیامه وسیع و با اصطلاح سراسر جبهه ای اوضاع در جهان سرمایه با موفقیت هائی که کشورهای سوسیالیستی در اقتصاد ، در پیشرفت دانشها ، تکنیک و فرهنگ و تامین رشد سطح زندگی زحمتکشان حاصل کرده اند نبود امپریالیسم نیست . حالا درباره مانور اید تلوویژن و روزوازی محدود است . برتریهای سوسیالیسم بکجا و بیکجا چه بحدی روشن است کسه (بویژه در قیامه با بحرانی که جهان سرمایه داری را فرا گرفته است) چنین قیامه ای نظمام سوسیالیستی را برای توده های مردم مجاز ترمی ساخت .

از این گذشته ، بدین جهت که مسئله حقوق انسانها در جهان روزوازی یک معضل واقعی است که منافع و احساسات مردمی ارتباط پیدا میکند که حقوقشان را سرمایه با مال میکند و این میبورد . در نتیجه تبلیغات روزوازی هم طبق معمول : "با انداختن گناه بگردن دیگران " با گنای افتند . زیرا "س" استفاده از احساسات مردمی به این پان شخص انسان میدهد که با احساسات افراد بازی شود ، جامعه به بیجان آورد ، شود و توجیه توده های مردم از مفهوم اجتماعی روند های منفی که در کشورهای امپریالیسم بگذرد و از نواقص و بیاریهای آن منحرف گردد .

بدین مناسبت میخواهیم دروغ محض و قبیح و بیبای کامل تبلیغات بورژوازی را در اطراف اصطلاح افراد ناراضی در کشورهای سوسیالیستی ، مشخص و نمایان سازیم . این ها اشخاصی هستند که وسیله اساسی مبارزه بر علیه نظام سوسیالیستی را ، دعوت مستقیم کشورهای امپریالیستی به تشدید فشار اقتصادی و حتی نظامی بر کشورهای سوسیالیستی ، برگزیده اند . این ها یک مشت افراد ناچیز ، منفرد ، بدون اهمیت و جد الزم مردم اند که بعکس آنچه طبوعات امپریالیستی میکوشند جلوه دهد ، اید توجهی به سرنوشت سوسیالیسم ندارند . انتقاد "ناراضیان" از سوسیالیسم ، انتقاد و کلام خصمانه است . در واقع امر این یک شکل مبارزه بانظام سوسیالیستی و کمونیسم است . این نیز کلاما قانونمندانه است که پرازانکه آنها را کشورهای سوسیالیستی خارج میشوند شعارهای

هوا میفرساند اید قاع از آزادی میدهد و آشکارا جلوه خود را به دشمنان سؤگند خورد و مخلصهای خود و بیعتنندگان مارک و دارا رجوع بین المللی ابراز میدارند .

استفاده امپریالیسم از ناع صرفا سد و وامانده مهاجر برای هد نهایی کمونیستی ضد شوروی خود چیز تازه ای نیست . پیش ازین پیش ، زمانیکه مذاخلمگران امپریالیست و گروههای یگارد سفید در جنگ داخلی مغلوب شدند ، بسیاری از اینان مغرب رفتند . در سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۲ یک میلیون یانصد هزار ضد انقلابی فعال را برین ، استانبول و سایر پایتخت های کشورهای روزوازی را برگرداند و از آنجا بجزیره خود با کشتورواها دادند . اما حزب ما و احزاب کمونیست جسون کشورهای سرمایه داری در مقابل این حمله استنادی بخرج ندادند و باید اری افتخار آمیزی نشان دادند و در نتیجه تمام دارد سته گارد سفید تا و ما را شد . معلوم است که حالا وضع از بیخ و بن عوض شده است . "ناراضیان" کونی افرادی انگشت شمارند . ولی امپریالیست ها با توجه بوجود افراد بی تجربه از همین تعداد قلیل ، به مذاق ساختن گوه از گاه ، میکوشند افسانه های تبلیغاتی در باره این میلیون در کشورها سازند .

تبلیغات ضد ضد شوروی و ضد سوسیالیستی جنبه دیگری دارد . صحبت بر سر تلاش رجال دولتی غرب برای مدخله در امور داخلی اتحاد شوروی است . این قبیل تلاشها ، البته در سیاست داخلی مائاشوری نمیکند ، ولی بدون تردید محیط بین المللی را از هر آلوده میسازد . حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی این حملات را دفع کرده و در آینده هم با قاطعیت دفع خواهند کرد .

ماهیت تبلیغات گسترده ضد سوسیالیستی کونی برای هراسانان مطلع و باخبر از سیاست روشن و آشکار است . امپریالیسم ، مانند همیشه لیبرالیسم را بسوی احزاب کمونیستی سوسیالیستی میبرد تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی معطوف میدارد . در این تبلیغات کوشش برای تحمیل تغییرات بنیادی در سیستم سیاسی بشکوه های سوسیالیستی بعنوان شرط ادامه پروسه کاهش تشنج واقع است . از طرف دیگر ، از کشورهای سوسیالیستی و از تمام قصبه "ناراضی ها" بطور آشکار برای عقب انداختن گامهای تازه در راه کاهش تشنج و برای من گذاری در راه بازسازی مناسبات بین المللی بر پایه همزیستی مسالمت آمیز استفاده میشود .

تجزیه و تحلیل فعالیت های تبلیغاتی کشورهای فریب نشان میدهد که در پروسه وفق دادن این فعالیت ها با واقع تازه ای که پیش آمد و عناصر تازه ای در اشکال و شیوه های تاشوروی افکار عمومی پیدا آمده است . تبلیغات بورژوازی تحریک بیشتری پیدا کرده ، میکوشد روی هدف های کمتری با نتیجه تیراندازی کند تا نتیجه بیشتری بدست آورد . این نکته را بویژه باید خاطر نشان کرد که این تبلیغات نه فقط بحقیق سطلی ، بلکه بحقیق بین المللی هم بدقت برنامه ریزی و هماهنگ میشود . در چنین شرایطی حزب ما برای تشدید مقاومت و برابرتبلیغات گسترده اید تلوویژن و سیاسی

که امپریالیسم بر علیه سوسیالیسم جهانی ، جنبش کمونیستی جهانی و بر علیه احزاب جداگانه آغاز کرده ، اهمیت ویژه ای قائل است . بهمن جنب حزب کمونیست اتحاد شوروی هماهنگ ساختن بیشتر کار خود با کار سایر احزاب برادر راد مرحله اید تلوویژن بر علیه امپریالیسم ، افشای ماهیت ضد خلقی و طبیلی آن و در تشریح برتریهای نظام سوسیالیستی امری پراهمیت تلقی میکند .

۳

پراتیک تاریخی تمام شصت ساله کار روز روزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه گذشته بطسور انگار تا باری بدی با شبات رسانده که امپریالیسم هوا را از تنی سوتیمم بمنزله سلاح اساسی در مبارزه خود بر ضد جنبش کمونیستی و بر علیه تمام نیرو های مترقی استفاده میکند . هدف از خطه هائی که بر علیه

گرفتن د تعلقه یو ککرت عوامل د اخلی و خارجي پيښرت پروسه انقلابي ه پافتن شويښخ ترين شيوه های ارتباط دان د هند نهای مستقیم بازاره طبقاتی با بازاره دروا ه چشم انداز (پوسه کتو) سوسیا لیستی .
 احزاب کونیت مسائل تیرا با توجه به تمام جوانب آنها مطرح میکنند ؛ چگونه به تحکیم عرصه بیشتر صنوف حزبی بر پایه اصولی و مارکسیستی - لنینیستی دست یابند ه چگونه نوزاد و رابطه کارگر - افزایش و گسترش د هند و در همین حال این کار را با بسط و تکامل اتحاد های طبقاتی گسترده ه توأم سازند ه چگونه مسئولیت سیاسی روز افزون حزبی کونیت د چهار چوب سوسیالیستی ملی را با ایفای نقش خود بمنزله بخشی از جنبش کونیتی جهانی که نقش مسئولیت آن د درجهای بسیار مرتباً افزایش یابد ه تعلق نمایند .
 مسائل زیاد هم د زمینه تمهید تجربه ای که کشورها د آرنند ه سنگری سوسیا لیستی گرد آورد ه اند مطرح میگرد .

از کسی ینها ن نیست که د برخی مسائل مشخص سیاسی واید تلوونیک میان احزاب کونیت نظریات متفاوت وجود دارد . لنینیم برکس پوشید ه نیست که امونیا لیست ها اید و از روز حسابها ی خویش را با جدید تمهید اختلاف عقاید د در جنبش کونیتی ینها ن میکنند . اینها با تمام قوا میگویند این اختلافها را بسزگی جلوه د هند و از آنها بسود منافع طبقاتی خویش استفاده ه کند . درجهای ن این امر هم آنها به تضعیف وحدت د در جنبش کونیتی و قرار داد ن احزاب کونیت کشورها ی سرمایه داری د نقطه مقابل احزاب کونیت کشورها ی سوسیا لیستی د لیسته اند .

بهین منظور هم کوشش بعمل میاید تا نظریه واکه احزاب کونیت با توجه به ویژگیهای ملی د بسازه آیند ه سوسیا لیستی کشور خود پیدا میکنند د نقطه مقابل سوسیا لیستی که هم اکنون بطور واقعی (پال) ه وجود دارد ه قرار دهند .

حزبها بدین عقیده نبود ه تویت که سوسیا لیسم موجود کونی حالاً د یگوه بالاترین نقاط آرمان اجتماعی مادست یافته است ه د تغییر این صورت د یگزونی نداشت که برنامه گذا ینه کونیتسم را مطرح سازیم و همین علت هم که شده ه انتقاد سوسیا لیسم موجود از برخی مواضع انتزاعی نادرست است . بعکس د دست آورد های انگارنا پذیر تاریخی کشورها ی سوسیا لیستی میتواند پشتیبان خوبی برای بازاره در راه ترقی اجتماعی و سوسیا لیسم د مناطق مختلف جهان باهد .

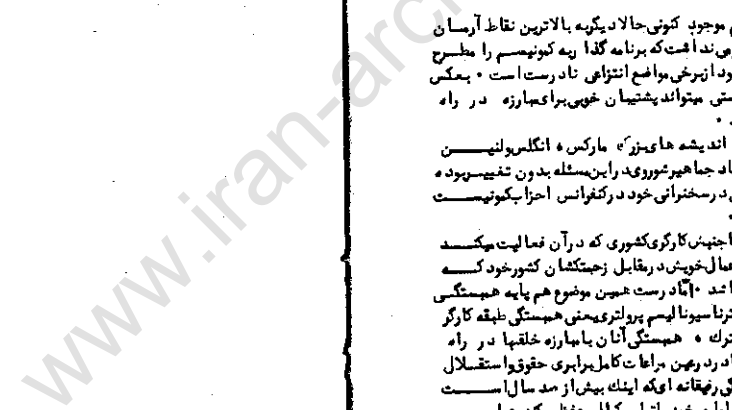
ضرورت حیاتی همکاری انترناسیونالیستی بر پایه اندیشه های بزرگ مارکس ه انگلس و لنینیسم د در جنبش کونیتی مورد قبول همگان است . موضع اتحاد جماهیر شوروی د این مسئله بدین تغییس بوده ه وهست . این موضع گیری ما را از رفیق پرزفین بطور کامل و کافی د در دستخوردن خود د در کنفرانس احزاب کونیت و کارگری که سال پیش د برلین برگزار شد ه بیان د ایت .

رفیق پرزفین انبوع گفت : " هر حزبی کونیتی را جنبش کارگری کشور ی که در آن فعالیت میکند بوجود آورد ه است . هر حزبی هم بقدم برعهه بخمساً طراعال خویش د در مقابل زحمتکشان کشور خود کسه انضام عشان د دفاع میکند و یها نگر منافع آنهاست مسئولیتها شد . اما د درست همین موضوع هم پایه همبستگی بین المللی کونیت ما را بوجود میاورد د باره انترناسیونالیسم پرولتری یعنی همبستگی طبقه کارگر و کونیت های تمام کشورها د بازاره در راه هدفهای مشترک ه همبستگی آنان با بازاره خلقها در راه آزاد عملی و ترقی اجتماعی ه همکاری و وظایهانه احزاب ابراد د در همین براعات کامل برابری حقوق و استقلال هر یک از آنها عقیده ما این است که ؛ چنین همبستگی رفیقا نه ای که اینک پیش از مد سال است کونیت ها برچند آران اند د در دوران ما نیز اهمیت فراوان خود را تمام و کمال حفظ میکند . ایسن همبستگی سلاح نیرومند و آزمایش شد ه احزاب کونیت و جنبش کارگری و بطور کلی بوده وهست . "

این موضوع را تجربه ای که هر یک از احزاب ابراد ریبا جمیع جنبش ما گرد آورد ه اند بطرز قانع کننده د

تایید میکند . این تجربه چنین میاورد ؛ موفقیت د امر صلح و سوسیا لیسم و پیشروی تمام احزاب کونیت و هر یک از آنها بطور جدی گانه با وحدت و درجه تاثیر متقابل کونیت ها هنگام حل و فصل مسائل انترناسیونالی ارتباط ناگسستی دارد . همین تجربه با زیبا میاورد ؛ تضعیف چنین تاثیر متقابلسی میتواند زیانهای زیاد یه خود پروسه کاهش تشنج ه به امربازاره واقعی بر علیه خطر جنگه و همجنین بمنافع طبقاتی جنبش کارگری انقلابی وارد آورد .

حزب ما بوسیله قرارهای بیست و پنجمین کنگره خود د آیند ه نیز بطور پیگیری رراه شدید همکاری برادرانه و تاثیر متقابل احزاب کونیت و کارگری د عرصه بین المللی ه در راه استحکام عرصه بیشتر وحدت د جنبش کونیتی بین المللی بر پایه اصولی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بازاره خواهد کرد .



موضع طبقاتی حزب و اپورتونیسیم

کس حال

د بررکل حزب کمونیست
ایالات متحده آمریکا

برخورد طبقاتی با پیش طبقاتی را باقی‌مانده طبقاتی الزام میکند. تا هنگامیکه جامعه و طبقات آشتی ناپذیر تقسیم شده اند، ابتدائی‌ترین مقتضای روز این است که به تمام مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی وایدیولوژیک از موضع طبقاتی بنگریم. بی‌اعتنائی به برخورد طبقاتی وارد آن معنی گام برداشتن برخلاف واقعیت و قطع ارتباط با برخورد علمی بهنگام بررسی و فراگرفتن واقعیت است.

اگرچه هزینه‌های نهوشه‌اشم ذرات اولیه ماده و بارهای الکتریکی متضاد یکی که ویژه آنهاست، امتناع نماید، برخوردی غیرطبیعی مسئله خواهد داشت. چنین برخوردی را نمی‌توانیم نامید. برخورد طبقاتی بررسی "اتم هائی" را الزام میکند که جامعه طبقاتی را تشکیل میدهند. اسپن برخورد باوضوح حقیقی وینی امورد جامعه سرمایه داری مطابقت میکند. نفی آن بمنزله نفی ماهیت آنرا کوششی و طبقاتی سرمایه داری است.

بدین مناسبت میخواهیم برخی از نتیجه گیریهای حزب ما را از جمله تجربه مبارزه با برادریسم و تجاری را که رهنمود فعالیت‌های آنست، مورد ملاحظه و نظر قرار دهیم. عقید ما این است که صرف نظر کردن از برخورد طبقاتی معنی از دست دادن صفت اصلی فرد مبارز راه امر طبقه‌گرایی یگانه طبقه انقلابی بپذیرد رجبان معاصر است. این معنی ندیده گرفتن مبارزه طبقاتی است. این تسلیم بدون قید و شرط و امتناع از مبارزه است.

صرف نظر کردن از برخورد طبقاتی معنی انحراف از موضع اصولی وارد دست دادن راه ناموسبت عده است. نتیجه‌نهایی چنین اقدامی سرگردانی از یک موضع ذهنی پراگماتیک به موضع ذهنی پراگماتیک دیگر است. صرف نظر کردن از برخورد طبقاتی در ماهیت امر حقیقی معنی امتناع از کوشش برای نیروی رهبری پیشتاز انقلابی بودن است. نظریه‌ی نیروی پیشتاز انقلابی بودن از نقش ویژه ای که تاریخ برای طبقه کارگر قائل گردیده‌اند بی‌نیاید. اگر حزب از برخورد طبقاتی در کار خود صرف نظر کند مدت درازی نمیتواند در مواضع رهبری باقی بماند، زیرا با بی‌توجهی به نیروهای طبقاتی که به پیکار جلب شده اند و عامل ایجاد درگروهیهای بنیادی اند، مبارزه جدی در راه درگروهیهای انقلابی غیرممکن است.

تاریخ سرمایه داری تنها تاریخ مبارزه طبقاتی نیست. این تاریخ، در همین حال تاریخ نفسی مبارزه طبقاتی بمنزله محور خود موجودیت سرمایه داری نیز هست. این قبیل نفی و انکارها در رهبر دروسی مرتزبه‌های مشاهده میگردد، ولی با اینکه آنها زجر و طرف‌ناشی میشود و مل و انگیزه‌های

مقاومت دارند. چنین نفی برای سرمایه داری به مثابه شکلی از اشکال استوار است. وسیله ای بسوای گمراه کردن طبقه کارگر است. این نفی هیچگاه راهنمائی برای اقدامات شخصی سرمایه داران نیست. موضع طبقاتی آنها در هر گامی که بر می‌آورد بروز میکند. برخورد طبقاتی بپذیریم تمام مسائل از مناسبت سرمایه انحصاری است. چنین نفی در جنبش کارگری با زتاب اپورتونیسیم است. این گذشت و عقب نشینی در مقابل فشار طبقه مخالف است. این نفی عمل تسلیم طلبی و حیانت بهمنافع طبقه کارگر را مشخص میکند. مسکوت نهادن مسائل طبقاتی هم شکل دیگر همان اپورتونیسیم است.

ضمیمه بپذیرفت سرمایه داری ایالات متحده آمریکا تا پهرسه کنونی دولتی - انحصاری آن در رهبر دوره ای سرشت طبقاتی آنرا هرچه پرسررصد انحصارانه تر کند یب نفی میکند. جمله ای که بشکسل ضرب المثل قدیمی و کلاسیک پرسرزیانها افتاده بود انحصار میداشت که: "هرچه برای جنرال موتر" خوب است، برای امریکا خوب است". حال میگویند: "هرچه برای جنرال موتر" خوب است، برای تمام دنیا خوب است". این است جمله کلاسیک نمونه سال ۱۹۷۷، که از آن پرزیدنت تسارزه این کهنای است: "کسب و تجارت آزاد، سیستم همکاری است نه مبارزه طبقاتی". "بردی کس" باخت دیگری نیست. هر دو سوی برنده "بزد" برای پرزیدنت "جنرال موتر" از حقیق سالانه ملیونها دلاری آقا میسود. "جنرال موتر" فخران راهم نمیکند که از برخورد طبقاتی خود صرف نظر کنند. امتناع از برخورد طبقاتی در حرح هم خود بخود پراست.

کوششهایی که برای وادار کردن کارگران و جنبش کارگری به امتناع از برخورد طبقاتی شان بعمل می‌آید بدون وقفه ادامه دارد. در جنبش کارگری هیچکس در ملا عام کسستن پیوند خود با برخورد طبقاتی را اعلام نمیکند. این کار هیچوقت بطور آشکار صورت نمیگیرد. این فساد تدبیری و کندی است که از تجربه حزبمان بدان یقین حاصل کردیم. طی سالهای زیادی در حزب بطور نامرئی پروسه ای آغاز شده که در آخرین تحطیل سسی سال پیش به "اپورتونیسیم برادری" کاملاً رشد یافته ای منجر گردید. قطع ارتباط با برخورد طبقاتی طوری صورت گرفت که کسی متوجه آن نبود. اما بالاخره برهنگان آشکار گردید. هنگامی که این دمل بالاخره سرباز کرد و یگرمرد "اپورتونیسیم برادری" دشوار نبود.

کسی بعد برادری را بطور واضح با رعیت میدکند که: "تشرهای سرنوشت سازی از سرمایه داران ایالات متحده آمریکا از سیاست سابق ارتجاعی و داشته و امهرالیسم دست برداشته و طوری میگویند خود را با جنبش دموکراتیک سازگار کنند". از اینهم اینطور نتیجه میگرفت که کمونیست‌ها آماده اند پس از جنگ از سرمایه داری در ایالات متحده آمریکا که با منافع مردم سازگار است مسائل حیاتی آنها را در نظر بگیرد پشتیبانی بعمل آورند". این آخرین نتیجه حاصل اپورتونیسیم بود. برادری بر خسود طبقاتی وارد میگردد. در جهان فانتزی او ظواهری انحصاری به چه گریه بی‌آزاریه سرمایه داری کسه "مسائل حیاتی مردم را در نظر میگیرد" مبدل شدند.

اما پیش از آنکه برادری را بطور اپورتونیسیم غوطه بردند، عوارض این پروسه خود را نشان میدادند. بدون هیچ دستور ظاهری از درآمد های عظیم انحصارها، استتار سرمایه داری، سیاست امهرالیستی، نزاد پرستی، تشدد کار و نظار بر اینها کمتر یاد میکردند. فراخواندن به اقدامات دسته جمعی مردم هرچه گسترشده، میشد و از این قبیل اقدامات هر چه گسترش یافته میگردند. خود نظریه مبارزه طبقاتی هم به مسئله درجه دوی مبدل شده بود. از سوسیالیسم هر چه گسترش یافته میگردند. مفهوم سوسیالیسم با جملات تجریدی نظیر "جامعه نو" و "ساختن اجتماع تازه" تمسح شده بود. راه درست مبارزه بخاطر آنکه راه را برای گذار مساله آیزه سوسیالیسم بگشاید با نظریه گذار از طریق تحلی بدون تضاد های آشتی ناپذیر طبقاتی و مبارزه تمسح گردید. البته، این فقط استتار امتناع از مبارزه و حتی

ارتباطی میسولیم بود . " ملت " و اندیشه های " وحدت ملی " بحدی ارتقا داده شد که گویا طبقات دیگر ازین رفتند . از منافع طبقات جداگانه و تضاد های طبقاتی سخنی هم در میان نبود . هر جا که منافع طبقاتی با یکدیگر برخورد پیدا میکرد قسب نشینی میکردند و با وضعی که پیش آمده بود سازگار میشدند . برخورد طبقاتی به دست فراموشی سپرده شده بود و شکفتن نیست که برآورد میگفت " مزبندی های طبقاتی و آنگره بند پهبای سیاسی حالا اهمیتی ندارد " .

چرخش برآورد رسمی اپورتونیسیم را نمیشد از نظر نظر یک تشریح و تاثیر کرد . بهین سبب او به تجدید نظر در روشی و با ساختن نظریه های " نئی " دست زد که گویا " شرایط تاریخی تازه در ایالات متحد امریکا " توافقی دارد . او در تشریح خود میگوید : " ما برای نخستین بار با مسائل سیاسی سروکار داریم که برای حل آنها نه نمونه ای در تاریخ وجود دارد ، نه فرمولی کلاسیک ها که بنا بر اساس آن رایج بود . در عین اینکه به شاگرد لنین بودن فخر و باهات میکنیم ، ما در عمل با سرمایه های همگامی میکنیم و با قاطعیت کسانی را که ما را به جنبه طبقاتی با سرمایه ایالات متحد امریکا فرامیخوانند ، افسا " . از دست فراموشی سپردن برخورد طبقاتی تا محکوم ساختن آن فاصله زیادی وجود ندارد .

بدین ترتیب اپورتونیسیم برآورد در آخرین تحلیل معنی قطع ارتباط کامل با برخورد طبقاتی ، مبارزه طبقاتی و طبقاً با منافع طبقه کارگری بود . برآورد به سراسیمه کوپیده شده اپورتونیسیم افشاد تفاوت نظر در کشور مسائل مشخص ویژه آن بود .

برخورد طبقاتی ، از خصائص جدائی ناپذیر روشی و متحد لژی و بیخ اساسی ترکیب برخورد مارکسیستی - لنینیستی به تمام پدیده های اجتماعی است . علم نه فقط در فهم دورک آنها بسا کمک میکند ، بلکه فهم این است که مایه آمیزد که چگونه آنها را بررسی کرده و فرا بگیریم . برخورد طبقاتی برای شیوه شناخت ما اهمیت دارد ، زیرا این شیوه شناخت با سرشت واقعی اشیا توافقی دارد . پهری از مارکسیسم - لنینیسم معنی " وصل کردن " برخورد طبقاتی " به همه چیز نیست ، عیب نقص باگه و بیگانه یکا بردن کلمات " یا " مبارزه طبقاتی " یا " برخورد طبقاتی " بر طرف نمیشود . بررسی پدیده ها از موضع طبقاتی معنی بریدن به ماهیت آنها است . برخورد طبقاتی نمیشود چیز فرضی و درجه دوی باشد . آزمائشها در برخورد کلمی بمسائل حل کرد ، برآورد برای مدلل ساختن امتناع از برخورد طبقاتی در سیاست داخلی به اوضاع بین المللی استناد میکند . او میگفت مبارزه جهانی شد فاشیستی سرشت سرمایه داری را به شکل معینی تغییر داده است . در نتیجه در ایالات متحده امریکا " وضع تازه ای پیش آمده است " ، بهین دلیل گویا برخورد طبقاتی کینه شده است .

برخورد طبقاتی وارد کردن یک عنصر منصفانه است . بیکس این بازنظرب دقیق واقعبیت است . صرف نظر کردن از آن بمنزله دوی جستن از واقعبیت است . عدم پذیرش آن معنی وارد کردن چیزی غیر واقعی و منتهوی در درک ما از واقعبیت است . برخورد طبقاتی معنی در نظر گرفتن جنبه طبقاتی فقط وین توجهی به تمام عوامل و تاثیرهای دیگر و این اعترافی بدانها نیست . برخورد طبقاتی هیچ وجه متسرک با سکتاریسم ندارد .

اکثرت و یا بعضی بزرگی از مردم از استشاریست سرمایه انحصاری در برنج و ذاب است . اکثریت مردم باین یا آن شکل قربانی بیداد و ستم انحصارها هستند . بهین سبب است که انقلابها و جنبشهای ضد انحصاری میثوند مورد پشتیبانی قشرهای گوناگون اهالی قرار گیرد . باید در راه گذرش همچنانچه این نقطه اتکا تلاش کرد . اما آیا این بدان معنی است که ما از برخورد طبقاتی و مبارزه ضد انحصاری می توانیم صرف نظر کنیم ؟ خیر ! زیرا این یک اشتباه جبران ناپذیر میباید . بخاطر مبارزه ضد انحصاری

مدگانی این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که اصل مسئله در استعمار طبقاتی و مبارزه طبقاتی است و نخستین قربانیهای انحصارها کارگران اند که انحصار هانه امری تضاد فی وجدلی ارتقا داده معضلی ، بلکه عسرا جتباب ناپذیر پیشرفت سرمایه داری اند . ماسمی میکنیم این حقیقت را تمام شرکت کنندگان در مبارزه فراگیرند . آن جنبش های ضد انحصاری شرحش شرازه است که کارگران در آنها بمنزله نیروی متشکل اشتراک دارند .

خصلت سازگار شدن با محیط اپورتونیسیت های برخورد آتش چوانه بانزاد گزائی می انجامد . بطور مثال ، حزب مادردوران برآورد رسم در مسئله نژاد گزائی تحت تاثیر فشارهای سرمایه انحصاری واقع شد . نژاد گزائی (راسیسم) مبارست از جناحی مستقیم تر پیله نژادها ، ملت ها و گروههای ملی . ستم نژادی مرزهای طبقاتی را هم در می نوردد . ماکونیسیت ها با آنهاستیم هستیم که فیر انسانی بودن ، بیداد و هفایرت نژاد گزائی با اخلاق را می بینند . مبارزه بانزاد گزائی برای کمونیسیت هایک امر اصولی است . ماد رتورتور خود طبقاتی در نژاد گزائی سلاح ایدئولوژیک امپریالیسم در فرجه بین المللی راسی بینیم که در نژاد خانه آن جای مهم مرکزی دارد . ماد رتورتور خود طبقاتی خود در نژاد گزائی ، سلاح استعاره حد اعلی و چونکه آوردن سدهای اضافی و جنبی در کشورهای سرمایه داری را می بینیم . بهین سبب میتوان مبارزه بانزاد گزائی را با مبارزه بر طبقه امپریالیسم و انحصارها ارتباط داد . جدا از مبارزه بانزاد گزائی ، از مبارزه با امپریالیسم ، وحدت طبقه کارگری و انترناسیونالیسم پرولتری نمیتوان سخن گفت .

ماکونیسیتها با ضروری ضرورت برخورد طبقاتی در فعالیت خود مان ، آنرا بمنزله شرط اجباری برای تمام شرکت کنندگان در جنبش های گسترده تر مطرح نمیکند . این سبب ویژه ایست که حزب طبقه کارگر اد میکند . این سؤال پیش میآید که آیا برخورد طبقاتی دایره جنبش های گسترده را تنگ میکند ؟ پاسخ این است که قطع در حالت برخورد سکتاریستی به امور جنبی چیزی ممکن است .

برخورد طبقاتی در جنگ قیام و اندیشه ها از روش قاطع وصل کننده دارد که در جنبه ایدئولوژیک " سرزمین بیطرف " وجود ندارد . نقطه ای " هر مبارزه ای این است که از قوا عسادی که خصم میفرمیکند پهری نشود . مبارزه طبقه قوادسی کدشن وضع کرده بدین معنی است که هنوز پیش از آغاز مبارزه خود را محکوم بشکست سازیم . سرمایه داری نقاط مختلف جبهه ایدئولوژیک را برای حمله بادقت انتخاب میکند . موضوع هائی را ترجیح میدهد که امکان میدهند بواسطه راه بیداد و بدین دلیل ویران یا ارائه فاکت ها با بحث های کلی سروجه کار را بر می آورد . " دموکراسی " یکی از موضوع های مورد علاقه آنست . تبلیغات بر اساسی میدتل و قابل استوار است . سرمایه داری همواره سعی کسوکسد مسورتطها بر جامعه دموکراتیک را بدین آنکه در واقع امر حاکمیت را به مردم واگذارد کند ، بچوچد آورد . در سوسیالیسم بطوریکه میدانیم برخلاف این ، حاکمیت خلقها بر تمام آنچه موسم و حیاتی است تا بنین شده است .

بحث مسائل مربوط به دموکراسی بطور تجزیه ای معنی پذیرفتن نواعدی است که سرمایه داران وضع کرده اند . دموکراسی حرکت آزاد در خلا نیست . بیا به هائی که دموکراسی مجرد (آبیستره) را اعلام میدارند ، از طرف هر کس که مبادر شده باشند ، دروغ است . این بدان معنیانده که از کار بردن اثری هستی ای بطور مجرد ، بدین آنکه معلوم کنیم صحبت بر سر آن کتر هسته ای یا بیه هسته ایست ، پشتیبانی کنیم . دموکراسی جز " لاینگ سبازیه " است . در جامعه طبقاتی ، دموکراسی از مبارزه طبقاتی جدا نیست .

برخورد طبقاتی در حقیقت ، برخورد حزبی و دفاع از منافع این یا آن طبقه مشخص است . مبارزه

در اطراف مفهوم دموکراسی را از این موضع نباید جدا کرد. ما دموکریست ها برخلاف دیگران بدین موضوع با صد اقت اعتراف میکنیم. حزبی بودن ما در خدمت به طبقه کارگر است. ایدئولوگ های سرمایه داری به تمام مسائل و زنجیره مسئله دموکراسی اصلا از موضع کاملاً پیگیر حزبی و طبقاتی برخورد میکنند، اگر چه بدین نکته اعتراف نمیکنند. آنها قادر نیستند به این نکته اعتراف کنند، زیرا طبقه ای که از آن قاع میبندند طبقه اشرافی است. تاریخ از این طبقه روگردان شده است. ما طرفداران منافع طبقه کارگر و متوسطانیم. آنها کار را بر برخورد طبقاتی خود صحبت کنیم، زیرا طبقه ما هر چند ارتزاقی جامعه بشری است. برخورد حزبی ما در عین حال هم به طبقه ما هم به جامعه بشری بصورتی خدمت میکند. ما از این مواضع گسترده و در راه دموکراسی مبارزه میکنیم. تنگ نظری و زمندی ما برخورد حزبی ما بیگانه است. به همین سبب، ما شاعرانه میگوییم: جنرال موتر "رأد میکنیم که اشعار میدارد: "هر چه برای گمراهی مذهب است، برای امریکا خوب است". بجای این شعار ما این حقیقت را یاد آور میشویم که: "هر چه برای طبقه کارگر خوب است، و زنجیره درک ما از دموکراسی، برای تمام مردم خوب است". با بیان حقیقت در باره تناسب دموکراسی با مبارزه طبقاتی ما به مبارزه در راه دموکراسی از موضع طبقاتی برخورد میکنیم. ما از آن صرف در دموکراسی هستیم که با منافع طبقه کارگر ارتزاقی اجتماعی عمومی توافق دارد. سرمایه انحصاری با سرمایه فاعلیتی است که میکشند مبارزه و حقوق اکثریت را محدود کند.

ایدئولوگ های بهرژواشی از بررسی دموکراسی و نظریات دموکراتیک در ارتشیا طشان با مسائل واقعی، مبارزه واقعی و ترقی اجتماعی امتناع میورزند زیرا در این زمینه علمانی آنها آشکارا میکند.

ما طرفدار این حقد موکراتیک هستیم که هر کس هر چه دلش میخواهد بکند، چنین اظهاراتی تقلبند و فظایری است. بگذار کارگران به میوسات جنرال موتر دست درازی و جبار و کنند. آنوقت ما خواهیم دید حقیق دموکراتیک آنها با چه سرعتی محدود خواهد شد.

خود این فاکت که انسان همواره ناچار است به این یا بدان اندازه خود را با محیط اجتماعی سازگار نماید، نادروستی این قبیل اظهارات را عارض میبازد. ماهیت هر مبارزه ای را، و زنجیره مبارزه طبقاتی را، محدود و ساختن، در تنگنا قرار دادن و وضع اقدامات دشمن تشکیل میدهد. و ده دادن که در جامعه آینده محدودیت برقرار خواهد بود و چشمه های مردی وجود نخواهد داشت یعنی تقلب و ظلمکاری است. دشمن ما یعنی سرمایه انحصاری اجازه میدهد که "هر کس هر آنچه را دلخواه اوست انجام دهد". اندیشه های فاشیستی و نژادگرایانه، اندیشه های طبقاتی و سلاحتهای طبقاتی اند. محدود ساختن تبلیغ این قبیل افکار و اندیشهها یعنی محدود ساختن دایره عمل این طبقه است. چنین محدود و دیتجانی دادگراانه و سروری اند. آنها از خصائص دانشی و لازمه مبارزه طبقاتی اند.

بدون مبارزه ترقی وجود ندارد. مبارزه ای هم نمیتواند وجود داشته باشد که بمسئله دموکراسی دست نزنند و ایران تاغیر نکند. مبارزه و مقابله برخاستن و حمله نکردن بمنزله تسلیم شدن بدون قید و شرط است.

بسیار نسبت که پروسه گذار انقلابی گسترش مییابد، جای هر چه کمتری برای پاسیف بودن و بیطرفی در مبارزه طبقاتی باقی میماند. سرمایه داری مانع بیطرف ماندن و عدم فعالیت است. سرمایه داری، هیجوقت اسلحه را زمین نمیگذارد. سرمایه داری خواه در تلاش خود برای بدست آوردن سود و پیوسته و خواه در عرصه ایدئولوژیک هیچوقت از فشار خود نمیکاهد. از گانهای تبلیغ جمعی آن در تمام شبانه روز مشغول بکارند. آنها با روح میگویند، تبلیغ و تهییج میکنند و شهنمت پراکنی میکنند. آنها ارتشش بزرگی از افراد متخصص در اختیار دارند که همواره آماده انداز کوچکترین ضعف سیاسی و اشخصی در محیط درگیری استفاده میکنند. آنها استادان در روح و تربیت و جلب افراد بسوی سرمایه داری اند. حمله انسان

را بدون پاسخ گذاشتن و با حمله مقابل دست نزنن بمنزله تسلیم شدن بدون قید و شرط وارد ستاد دشمن مواضع است.

د زبیر شد باید طولی که هم همانطور که نمیتوان در برابر طوفان و اسلحه عکس العمل نشان داد، نمیتوان پاسیف و بیطرف ماند. در این اندیشه بودن که چنین کاری ممکن و بیسراست یعنی خیالپروری و تصورات باطل برداختن است.

رشد و پیشرفت آگاهی طبقاتی مهمترین نقش را در راههای انقلابی ایفا میکند. این یک پروسه خود بخودی نیست. درسی که بر یاد ریسم بیا داده مبارات از این است که حزب طبقه کارگری که از برخورد طبقاتی صرف نظر کرده باشد نمیتواند عامل رشد و پیشرفت آگاهی طبقاتی باشد، زیرا در چنین حالتی خود آن حزب دیگر ترقی طبقاتی آگاهی نیست. جنبش انقلابی باید با نیروها و واقعی سرکسار داشته باشد. درد و ران ما هیچ چیز اندازه وجود حقیقت و مبارزه طبقاتی واقعی نیست. بیگانه برخورد علمی و حقیقی به چنین واقمیتی، برخورد طبقاتی است.

دو راه صلح، امنیت، همکاری و ترقی اجتماعی

هرمان آگس

عضو پوری سیاستن کمیته مرکزی حزب
سوسیالیست متحد آلمان

رویداد هائی وجود دارند که اهمیت تاریخی آنها با گذشت زمان هرچه بیشتر متجلی میگردد. کنفرانس پیتسده حزب کمونیست و کارگری اروپا که روزهای ۲۱ و ۳۰ ژوئن سال ۱۹۲۷ در برلن برگزار گردید بدون تردید از جمله چنین رویداد هائی است. نخست آنکه کنفرانس برلن امید هائی را که طایفه کارگر و خلقهای اروپا بدان بسته بود ندر بر آورد. کرد. این کنفرانس بیانیه سیصد و شصت و یکم حزبی را تصویب کرد و در آن به انجام رسید. این سند هم شامل ارزیابی اوضاعی است که پس از کنفرانس هلنسکی در اروپا بوجود آمده که هم کارپاریه (پلانفورم) مشخص بود و یک سلسله اقدامات در مبارزه بخاطر استحکام و گسترش پیرویه تشنج زدانی و تقلیل نیروهای مسلح و خلع سلاح و همکاری ترقی اجتماعی را پیشنهاد و مطرح میکند.

اگر کنفرانس هرمان ۳۰ کشور و هلنسکی با تصویب سند نهائی پایه خوبی برای توفیق راه امنیست و همکاری در اروپا ایجاد کرد. احزاب کمونیست و کارگری اروپا گام تازه دیگری در این سمت برداشتند. سند نهائی این کنفرانس بر تامل و وسیع واقع گرایانه است که خلقها را به مبارزه در راه تحقق تصویبات کنفرانس هلنسکی و پیروی از سیاست همیشگی پیروی سوسیالیست اروپا صلح باید از ترقی اجتماعی هدایت میکند.

احزاب کمونیست و کارگری اروپا این اقدام نه فقط در مبارزه بخاطر صلح و امنیت ابتکار تاریخی بزرگ تازه ای از خود نشان دادند. بلکه این مبارزه را بر مرحله عالی تری ارتقا دادند و وظائف آنها را برآیند و راطور مشخص تعیین کردند. بدین ترتیب احزاب کمونیست و کارگری اروپا دیگر سالت تاریخی خود را به اثبات رسانیدند. خلقها در مبارزه بخاطر صلح و ترقی نباید نبودند.

سند کنفرانس برلن گواهی روشن تازه دیگری بر این است که کمونیست ها هیچ حدی را در اعتراضات خود به طایفه کارگر و خلق متباخلف نمیدانند. تمام قوت نیست که اگر آنها میسر مییازد احزاب شرکت کنند. در کار این کنفرانس بدین مناسبت ارزش هائی بدان دادند.

مثلا در قطعنامه ششم ژوئیه سال ۱۹۲۷ پوری سیاستن کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه گفتیم: "حزب کمونیست شرکت کند و در کار کنفرانس ضمن تأیید این طایفه که در مبارزه بخاطر صلح و خلع سلاح و همکاری زمین المللی نقش بیگناهیگه را ایفا میکند با احساس مسئولیت کامل مشترکانه هدفهای تاریخی را تعیین کرد که تحقق آنها برآید است آوردن در موقعیت هائی تازه در امر و خامت زدانی در اروپا امکان فراهم میگردد" (۱)

۱ - "اوپنایت" ۸ ژوئیه ۱۹۲۷

کنفرانس هلنسکی با کامیابی تاریخی امر صلح به انجام رسید. این کنفرانس اصول امنیت و همکاری در مناسبت میان دوله اروپا و نظامهای خصمانه متفاوت را تثبیت نمود. و این موفقیت بزرگ و حتی خیلی بزرگ است. اما طبیعی است که وظیفه ارزیابی طبقاتی اوضاع اروپا با در نظر گرفتن جوانب بیخبر چرخش از جنگ سرد به و خامت زدانی از وظایف تعیین کنفرانس دولتی نمیتوانست باشد. این وظیفه را احزاب کمونیست و کارگری انجام دادند که در نتیجه کاری جمعی، سند نهائی کنفرانس برلن را تصویب نمودند. اکنون کسب حاصل اجتماعی جهان با مبارزه ای که باید باشد خاص پیروان مفهوم پیروان محتوی خامت زدانی در گرفته زور و هستند. سند کنفرانس برلن برای طبقه کارگر و همه نیروها عد و بزرگتیک قاره ما به نفع قطب شمالی روز بروز جنبه حادث و مهم تر مییابد.

دوم اینکه کنفرانس برلن وسیعترین گرد هم آئی احزاب کمونیست و کارگری اروپا بود. چنانکه بعد اینم در کنفرانس کارلویواری در سال ۱۹۲۷ و ۲۴ حزب شرکت داشتند که در حزب زانها حزب کمونیست ایرلند شمالی و حزب کارگری ایرلند پانزدهم مارس ۱۹۲۰ متحد شده و حزب کمونیست ایرلند را تشکیل دادند. در کنفرانس برلن ۶ حزب بیشتر از کنفرانس کارلویواری شرکت جست بود. زیرا در این کنفرانس احزاب اتحاد کمونیستها میونخ و سولاری، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست هلند، حزب کمونیست نروژ، حزب کمونیست ترکیه و حزب کمونیستهای صوفی هم که در کنفرانس کارلویواری میخوان تا نظر حضور داشتند از حقهای کارلویواری برخوردار نبودند.

علاوه بر اینها موفقیت ایتر کار کنفرانس کفایتی است که نتیجه اش تصویب سند نهائی "در راه صلح و امنیت و همکاری ترقی اجتماعی در اروپا" به اتفاق آراء بود بعنوان بند سوم پیوسته باید خلعت در موکراتیک و جمعی داشتن مباحثات و همکاری در جریان تدارک و برگزاری آنها را خاطر نشان ساخت. کنفرانس پس از دستاورد کارجد میوشرک و تبادل نظر و تبادل تجربه بر سر موضوع آن که در ملاقات شورتی و شوپهورد توافق قرار گرفته بود. انجام گرفت. شیوه و موکراتیک و جمعی بحث بر سر شیوه شرک کردند. در آن امکان داد که در مورد مسائل بعدی دستور و کنفرانس به نظر مشترک برسند که این مطلب بدست نهائی کنفرانس بازتاب یافت.

این امر گواهی روشنی بر وجه رشد و بلوغ جنبش کمونیستی و توانائی آن در کار بست پیگیری و خلاقیت عالم عام و کارکن و انگلین بدین نظر گرفتن شرایط متفاوتی است که احزاب اتحاد گانه در آن مبارزه میکنند. مساوی بر پایه این کار با استفاده از این شیوه و وظائف صوری مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی را تعیین کرد و هماهنگ سازند.

پلوم کمیته مرکزی حزب کمونیست بلژیک با خاطر نشان کردن در این جنبه کار کنفرانس تذکره کرد که احزاب کمونیست و کارگری متحدان خود را در "ایجاد سنتز عقاید مختلف و متنوع نمایند دادند. در جریان این کار هم عدد مشترک را نباید لحاظ کردند و آن: تأمین پیروی سوسیالیست صلح، مبارزه با خلقها در مبارزه علیه حیاست بحرانی سرمایه بزرگ، مساعدت به پیروزی ترقی و آزادی، استقلال روزه و پیروزی خلقها بود" (۱)

سزا انجام باید گرفت تدارک جمعی و دو موکراتیک و موفقیت کنفرانس برلن میزان شایان توجهی به امر استحکام وحدت عمل احزاب کمونیست و کارگری اروپا مساعدت کرد. خود تشکیل کنفرانس گرایش نبودند و حاکم در مبارزه با جنبه وحدت عمل را تأیید کرد و در پیافاد هم برجسته واحدی از جنبه کمونیستهای قاره اروپا در آمد گوناگونی شرایطی که احزاب اتحاد گانه در آن مبارزه میکنند بیپیوجه به مانع بخاطر فساد بی در راه فعالیت مشترک نزدیک و رفقا و در مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی تبدیل نشد. از این نقطه نظر کنفرانس برلن

باز هم به برهان انکارناپذیر آن بود که تأیید اجزای کمونیست و کارگر همه تعالیهت مشترک بهایه اهداند اف
 روزگ اشغوا قیامه جسمی بطوریهی در وطن واقعیات با بارزه طبقاتی انترنا سیمونا لیستی نهفته شد و از تمام
 تالیهای غیره آنگانه و عنیان غیقاتی نهرونده تراست . کنفرانس برلن مشهور ازوی همسنگی انترنا مسو-
 نا لیستی وحی مسئولیت مشترک خلیبر همه اجزای کمونیست و کارگر در شمال سرزوش اروپا بود . همه ایسن
 عوامل جدید قدرت جنبش کمونیستی ماوتشن آو مشابه متفکرترین نیروی سیاسی دوران ما است (۱) .

پایه و خاسته زد ائی : یک سال با بارزه شد

بهنیم سهرخواستار اروپا و سراسر جهان پس از کنفرانس برلن اجزای کمونیست و کارگر اروپا چگونه
 بود ؟ آیا نتیجه گریه های این کنفرانس تأیید گردید ؟ کنفرانس برلن پیشرفت های عمده تعالی را که در عرصه
 جهان نوری داد و چشم اندازهای وسیع در زمینه همکاری و همفکری میان همکوشان اروپا و استحکام بیشتر
 مانی ملج و امنیت را که پس از کنفرانس هلمسنگی بدیده آمد بود . و خاطر نشان ساخت . در وجه حال اجزای
 شرکت کنند و در کنفرانس برلن هشد ارد اند که و خاسته زد ائی هنوز قابل با رنگت نشده و " در راه امنیت
 انستیان بخش و همکاری هنوز مانع جدی وجود دارد " (۲) .

واقعیات ۱۴ ما ۱۹۳۰ اخیراً این واقع گرایانه یعنی وجود تضاد در پیروم و خاسته زد ائی در اروپا را
 پنجگوا بل تأیید کرد ، چرخش از " جنگ سرد " به و خاسته زد ائی برگزین عمده سیاست جهانی تبدیل
 شد . خلفها ی اروپا اکنون ۳۲ سال است که در محیط ملج پایدار سر میزند . در مناقبات بین المللی
 آن عوامل نقش نموده اند که در سنده کنفرانس برلن با خصلت در اروپا ن اهمیت طابع برای تغییر متساوی
 نیروی برخسوی و خاسته زد ائی مشخص شده اند که عبارتند از : افزایش قدرت و نفوذ بین المللی کشورهای
 سوسیالیستی و همچنین اغلی جنبش بعد اروپا لیستی که در کشورهای سرمایه داری و در کشورهای رحال
 رشد

پس از کنفرانس هلمسنگی دست یافتن بجد دبه شیوه های " جنگ سرد " بطور آشکار و مقیاس وسیع
 بر اعصاب فلجناور کار کشورهای عضو ناتو آشکارا عوارثشده . خلفها بودنند می آید های تثبیت سیاست
 همزیستی مسالمت آمیزا احاساس میکنند و نه به ازیا ب برد با این پس آید ها بلکه به استحکام و گسترش
 آنها در پیروم افند .

از جانب دیگر باید با چشم بصیرت به واقعیات و تکریست توجه بود که کنفرانس هلمسنگی با ایجاب
 پایهای می بری برای ای خیت هنوز خود امنیت را ایجاب نکرد است .

و خاسته زد ائی " گزین عمده است اما هنوز استوار نیست . نیوان این دلبر انکار کرد که در نتیجه
 حسلات جدید سیاست محافل ارتجاعی اروپا لیستی سیاست همزیستی مسالمت آمیزه و پیگانه در
 پیشرفت پیروم و خاسته زد ائی کند های میمنی بوجود آمد . اروپا لیسم نخواستار با شکستها و عدم موفقیت
 های خود سازگار شود . اروپا لیسم بیچوجه حاضر نمیشود به محدودیت بیشتر دیره نفوذ تن در دهده
 سپهین علت اروپا لیست در سراسر جهان با احاساب تقیز ازاد خانه وسیع وسائل کهنه و نوباره خود را بیکار
 میگرد و بیج مسالمت خود در باره ضلع نفوذت و نیروها علیه اروپا لیستی در این یان جنبه بارزه اروپا لیستی
 مختلفاً بیوسائل ستاد میکند ، مثلا در رخواستور و جنوبیاً ایفا اروپا لیسم بیستقیماً به نیروی نظامی متوسل
 میشود . تالی میکند با عملیات تنهایی آشکارا پیشرفت ترقی آشکارا جلوگیری بعمل آورد . اروپا لیسم به نیروهای
 ضد انقلابی وید اخلال کرد و راتین و دیگر کشورهای ایفا و آسپا که راه استقلال ملی و ترقیات اجتماعی را بیستش
 گرفته اند ای میروساند . اروپا لیسم ایالات متحد و امریکا و امریکای لاتین تالی در با انکا به رزمیهای

فانیست . نظای بارزه رهائی بخشن خلقها را خفته کند . محافل جا که ایالات متحد و امریکا تالی در انسد
 به کت به اصطلاح " کمسیون سجانیه " ضمن توسعه نقش هژمونی خود نیروها و اقدامات ایالات متحد و
 امریکا به کشورهای عضو " یا زار مشترک " رزاین رابد رجأت بیشتر می آید . آنگه سازند و از این نیروها علیه
 جنبش کارگر کشورهای دیگر است و در کشورهای سرمایه داری هم چنین رهائی بخش ملی طور
 نویسنده استند و کنند . ملاقات اخیر سران کشورهای عده اروپا لیستی در لندن و " اجلاس شورای اتانو
 در بروکسل و کوشش در اول اروپا لیستی در کنفرانس پاریس و " شمال جنوب " بنظرسور و سخن تفسی
 تا زینوا مستشاری اگرچه فراخ نروبانند هائی درازتر ، برای کشورهای در حال رشد و همه این تلاشها
 و واقعیات بسیار بزرگوا و بزرگوش سرستاده سرمایه انحصاری جهانی برای جلوگیری از پیشرفت پیروم و خاست
 زدی است . تغییرید آن در صورت امکان با بزرگد اندن این پیروم به قهر است .

حالات مقابل تجارزگارترین محافل اروپا لیستی بر ضد کاهش تشنج در اروپا مقدم بر هر چیز در
 تشدید مسابقت سلحجاتی ، استحکام و تقویت همجانبه ناتو تبدیل جامع معکوشها ی اروپا لیستی به مرکزها هتکی
 سیاسی و دول سرمایه داری اروپا یعنی که نفوذ جمهوری فدرالی آلمان در آن تشدید می شود ، تجسم پیدا میکند
 داشته حالات مقابل علیه و خاسته زد ائی فوق العاده و وسیع است و عرصه گسترده ای از تبلیغات شدیدی
 ایدئولوژیک - سیاسی و دیپلماتیسی میقدند افند در مورد اخلی کشورهای سوسیالیستی و دیگر مرکز
 با برآمد های سیاسی علیه شرکت اجتماعی اجزای کمونیست و زد اول کشورهای اروپا یعنی را در پیروم کرد .

سیاستند ارا و وسائل ارتباطی جمعی سرمایه داری و اروپا لیستگونه عمدتها و همچنین بنا سبب ملاقات
 بلگرا و برای جعلی و تحریف سندهائی کنفرانس هلمسنگی و جلوگیری از تحقق همه جانبه و کامل آن است
 کوششها را با ناکام میبرد . این پدیده های تقویت نیروهای راست گرا در ایالات متحد و امریکا و جمهوری فدرالی
 آلمان و همچنین تشدید گرایشهای فانیستی مثلا در ایالتها همراه است . تظاهرات در آرد سته های
 تالیجویان (روانیست ها) که در سپار سال ۱۹۲۷ در جمهوری فدرالی آلمان و اتیرش بزرگوار شد و در آنها
 دعاوی ارض عجیبی نسبت به کشورهای سوسیالیستی مطرح کردند از موارد نقض آشکار و صریح سندهائی
 کنفرانس هلمسنگی است .

اما مردم مقدم بر هر چیز از افزایش تسلیحات کشورهای عضو ناتو یعنی تشدید تدرک مادی و یرای جنبشگر
 نگران هستند . دستگاه اداری جدید ایالات متحد و امریکا کاملاً برخلاف عهده و وعده های قبلی را انتخاب
 قصد دارد هزینه های نظامی خود را برای سال ۱۹۸۲ تا ۱۱۱ میلیارد دلار افزایش دهد . این اقدام
 یعنی ۸۲ درصد افزایش هزینه های نظامی نسبت به سال ۱۹۷۰ - سال بزرگاری کنفرانس هلمسنگی
 خواهد بود . از تو دروغ های جدل در باره " خطر شوروی " را برای اروپا لیست و خلفهای کمونیستی
 سرمایه داری و توجیه تصویب متخذ و در اجلاس ماه به شورای اتانو در مورد افزایش هزینه های تسلیحاتی
 بجد این آوردند .

بصیرت دیگر اکنون پس از گذشت یکسال از کنفرانس برلن ما با این وضع روبرو می شویم که بارزه پیروم
 مسئله استحکام و خاسته زد ائی با شدت بیشتری در گرفته است . سیاست همزیستی مسالمت آمیز پیروم
 و خاسته زد ائی را مخودر به بیس میگذارد و زمین حال بارزه غیقاتی قانونمندانه تشدید میکند و ارتجاعی
 ترین محافل اروپا لیستی مشتاق با رنگت به دوران " جنگ سرد " هستند . در درجه اول آنها از تحقیق
 یافتن سندهائی که در هلمسنگی به امضاء رسیده و وحشت دارند و نیز تحقیق مخسین به کاهش تشنج
 بدین شکل مشخص می توانست و برپا بر تپا تاجا و گرا تاه اروپا لیسم موانع بزرگی ایجاد کند و علاوه بر ایسن
 استحکام و تثبیت و خاسته زد ائی و تشکیل و خاسته زد ائی در زمینه سیاسی با و خاسته زد ائی در زمینه نظامی
 نیروها و ارتجاع ادها مسابقت سلحجاتی را در شورا میسازند .

۱ - در وجه کتد بعقله ب . پیونما رف " اهمیت جهانی کنفرانس برلن " مجله " کمونیست " شماره ۱۱
 سال ۱۹۲۹
 ۲ - مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ سال ۱۹۲۶ ، ص ۶ .

ملت مهم دیگری کشورهای سرباره را باید اردو بخاست زد اقی آتش تدارک حمله بگشایند این است که معتقد شده اند : پیشرفت دربارزه در راه هفتست مسالمت آمیز بارزه خلقها در راه آزاد فملی و اجتماعی تاجر خوشی خواهد پیشید .

مقاومت سرخستانه در عثمان و خاست زد اقی در واقع امر دیده و خاص تازه اینست * تجربه نشان میدهد که پیشرفت اد ایت بر نامه ای احزاب کونیست و کارگر عملا پیشنها دانی که در سال ۱۹۲۷ در کار لوژی واری و کیهام در سال ۱۹۲۹ در کفرانس جهانی مسکو قبولیند یشد بلا کلام با ستی و تقابلیت انحصارات نظامی - صنعتی و محافل هیلتاریستی روبرو شد و از جانب آنها رد کردید . حالاهم که احزاب کونیست و کارگر اروپا در کفرانس برلن بعد فبها ایاند و در بارزه بخاطر صلح و ترقی را خاطر نشان کرده اند و وضع بهمان قرار است .

اما چنین وضعی نباید کسی را ناگوار و سراسیمه کند * برعکس این درس مهم باید الهام بخش ما باشد که علوفه تمام د سیمه هاسو * نیت های نیروی رتجاع و جنگند در آخرین تحلیل در نتیجه بارزه مجد انسه همیشه دست یابن به هد فبها کنیکی با نند صلح * اذیت و همکارای که کونیستها ی اروپا و سراسر جهان در برابر خود قرار داده اند * توفیق حاصل شده است .

دو نتیجه گیری مهم

مفخیده : ما از وضعی که بشرح آن پرد اختیم دو نتیجه مهم بدست میآید : نخست آنکه به نظر ما باید با پیگیری کامل به تعرض صلح احزاب کونیست و کارگر قفاره ما ادامه داد شود و برآید و هر شکست سبب ارتجاعی حمله های خطرناک به امرگاش تشنج باید خلقها را بسیج کرد .

دوم آنکه استحکام وحدت عمل جنبش کونیستی و همغیرها ی دیگر امراتی که در بارزه عمل شد امیر مسالمتی مطلبی مهمی به نظر برسد .

بطوریکه تجربه نشان میدهد که انچه سند کفرانس برلن شامل آنست با مقتضیات مرحله ترازه در ازند تر که برای بارزه در راه صلح در نظر گرفته شده است مطابقت دارد .

ابتکارات صلح خواهانه کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در جهت این بر نامه در راه صلح است و بود آنها را با هم شخص تری کند * این مطلب روبرود پیشنها دانی که در اعلامیه بخارست کشورهای عضو پیمان ورشو (نوامبر سال ۱۹۲۶) مطرح گردیده و کاملا صدق میکند * بطوریکه معلوم است در این اعلامیه پیشنها سازنده ای هم خوان شده و کبیاست از انعقاد پیمانی میان کشورهای شرکت کننده در کفرانس هلسینکی ای روبرود ابتناع انچه شد سنی در استعمال صلح هسته ای * مضمون اصلی وعده پیمان مطرح شده عبارتست از جلوگیری از جنگ هسته ای در اروپا و کاهش خطر وقوع تصادمات مسلحانه در این لاره بطور کلی است * زبردست در همین اروپاست که عظیمترین زرادخانه های صلح هسته ای مخترک شده است .

چنگه هسته ای در اروپا به کسی ترحم و انبساطی نداشت * بدین ترتیب پیمان پیشنها شده با مافع همه کشورهای امر ازینکه در کورود ابتناع انچه شد سنی در استعمال صلح هسته ای * مضمون اصلی وعده پیمان مطرح شده است * چنین پیمانی کشورهای فاقد صلح هسته ای بدون قبول تعهد متقابل از کشورهای دارنده صلح هسته ای ضمانت میگردند که صلح هسته ای بر ضد آنها پکار نخواهند برد یعنی تضمین مهمی برای ایمنی خود میگردند .

پیشنها دیگری در اعلامیه بخارست مطرح گردیده و امتناع از توسعه چهار پوپولاریسم در اروپا و ابتناع از تشکیل پیمانی نظامی جدید در نظر گرفته شده است * اظهاریه بصورت دولت فوری مربوط به مسائل صلح و از انجمله پیشنها در باره عقد قرارداد بین المللی در مورد ابتناع از توسل نیرو در پیارسار تشکیل کفرانس جهانی مربوط به صلح صلح که به سر یکمین اجلاس به جمع هوسا از این نظر عقد ارائه گردید و همچنین پیشنها دانی که کشورهای سوسیالیستی در مذاکرات بین د باره گاهی نیروها میسلسلح

و تسلیحات در اروپا میگزید مطرح کردند و نیز ابتکارات فراوان صلح خواهانه کشورهای جامعه که در اروپا میسویا لیستی در ارای هیئت فراوانی هستند * این ابتکارها از نتیجه گیری فربولیند یشد و در کفرانس برلن جنی سر اینکه * برای باید از کردن و تمسوق خاست زد اقی افتادند امیر مشخص برای صلح فوریست * (۱) * سر حمله میگردند .

در حقیقت قطع مسابقه تسلیحاتی و اجرای مرحله به مرحله اقدامات بوترد رژیمه صلح صلح * برای تکمیل و خاست زد اقی سیاسی و خاست زد اقی نظامی و جهت استحکام و گسترش هرچه بیشتر پیروم و شکست زد اقی و تضاریط لازم اوله اند * بدین ترتیب صلح صلح محدود و کردن مسابقه تسلیحاتی در بارزه بخاطر تحقق با زهم بیشتر اصول هفتست مسالمت آمیزه حلقه عده تبدیل میشوند .

رقی بر زنده و کفرانس برلن اظهار داشت : * جمع اروپایین ها از انجا پاریس با بد ترقی تر کفده مسعود انبارا میسر که اروپا به آن تبدیل شده و کارساده اینست * اما آغاز زمل و اقصی در این سمت حائز اهمیت است * (۲) .

بدیهی است که در بارزه طولانی و فرتج در راه صلح صلح جانی برای عمورات واهی وجود ندارد و مسلما شماره کسانیکه دچار چنین عموراتی هستند ناچیز است * زیرا سخن بر سر مسئله ایست که مستقیما با منافع به اصطلاح * هسته سخت و سخت * سربایه انحصار زمین المللی یعنی کسرن های نظامی * برخوردار میکند * این کسرن ها * هیلتاریست ها و نیروها ی ارتجاعی کشورهای ناتوانی خواهند از رآمد های

اقتضای آنکه در دنیا با استفاده از نظامی از انقلابی و فنی و ایجاد سیستم های هرچه خطرناک تر و بزرگان قیمت تر تسلیحات بدست میآورند و چشم ببوشند * این نیروها علاوه بر این هنوز هم در لخد راه امید های واهی خوس کرده اند که کرباره کسرن های سیستم های جدید تسلیحاتی و زنی موفق خواهند شد از لحاظ نظامی بر کشورهای سوسیالیستی پیشی بگیرند و آنها را در معرض شان تا قرار دهند * حماسه بروی این مسئله هم که کشورهای سوسیالیستی ناگزیر خواهند شد با رهنمه های فانی هرچه سنگین تر را تحمل شوند و که بدین وسیله میتوان از اعلای مستور سطح زندگی با د یون فرهنگ خلقها ی این کشورهای برتری روز افزون سوسیالیسم بر سر مایه داری جلوگیری نمود * در این زمینه تقن کوچکی ایضا نمیکند .

اتحاد شوروی دیگر کشورهای سوسیالیستی با اوضاع مشخص خود در مسائل امنیت و صلح صلح علوفر هم حرفها نمکنند و در آورد کوا فترا امیر تسلیحاتی و بوزو اقی از زبانی را که در رسند نهایی کفرانس برلن قیده شده تأیید میکنند * طبقین از زبانی این کشورها * در امر جلوگیری از جنگ جهانی جدید * استحکام امنیت بین المللی گسترش هرچه بیشتر پیروم و خاست زد اقی نقش برجسته ای ایفا میکنند * در مسائل تبسن - المللی تاخیر هرچه بیشتر (۳) می بخشد .

روش کشورهای سوسیالیستی نسبت به ملات با بگرا د نیز این را نشان میدهد * این کشورها متکی بر این نظریه اند که بنا سببات میان کشورهای اروپا ته با رویا روش (کنفرانسسیون) بلکه با همکاری میباید معین و مشخص گردد * چنانچه ارگانان از زبانی انظر سازنده در باره تحقق سند نهایی که در هلسینکی به ایضا رسید و بنا سببات بازرگانی و متقابلا سود مند بنفع رشد و گسترش هرچه بیشتر پیروم و خاست زد اقی نیز با این نظر مطابقت دارد * بحسبونه کره پیشنها اتحاد شوروی در باره تشکیل کفرانس سراسری اروپا برای حفاظت محیط زیست * بازرگانی * حمل و نقل و مسائل انرژی که به این امر می تواند کمک کند .

سند نهایی که در هلسینکی به ایضا رسید سازش بود که در نتیجه کوششای طولانی مشترک حاصل

۱ - مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ ، سال ۱۹۲۶ ، ص ۹۱
۲ - در راه صلح * اذیت و همکارای اجتماعی در اروپا " مسکو * انتشارات سیاسی سال ۱۹۲۷ ص ۱۰۰
۳ - مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ ، سال ۱۹۲۶ ، ص ۶۰

گردد. کسیکه صادقانه به اداه رشد و گسترش پیروسه و خامت زد اشی علاقتند است نمیتواند نیاید سندی
 نهایی کنفرانس هلمسینگی را با تقسیم خود سرانه آن به بخشهای بد اگانه مورد تردید قرار دهد. کشورهای
 سویالیستی سندی نهایی رایت واحد تمام میدهند و سرفه اهریزدن تمام "سیدهای" آن با مضمون مربوطه
 اند. البته باید ساختن مشتقی سندی نهایی را هم در نظر گرفت. ریشی این هونگر هم غی سخترانی خود
 در کنفرانس هلمسینگی مربوط به مسائل مثبت و همکاریه این مسئله اشاره کرد و گفت: "تا مین امنیت پایه
 اساسی و شرط لازم هرگونه همکاری بود و خواهد بود".

احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه دار اروپا با حضور و تحقق سندی کنفرانس برلن اینکارات مهی
 از خود نشان دادند. مثلا ریشی اینکوپر لینگنرود و لاپتا لیا و غه دول اروپا ریشی را به اقدامات ضد سید
 تری "برای استحکام و پیشرفت امروخت زد اشی و خلق صلاح و همکاری" (۱) فراخواند. کمیته های
 مرکزی همه احزاب کمونیست و کارگری اروپای غربی بر نامه فعالیت بخاطر صلح و امنیت را که در سندی کنفرانس
 برلن پیشنهاد شده و تصویب کردند و از آن برای مبارزه نیروهای خود ارمیل در کشورهای خود نتایج مشخص
 گرفتند.

نیروهای فراوان اجتماعی با فعالیت هرچه بیشتری در راه برداشتن کامها و نیاز در مسیر و خامت زد اشی
 و مقدم بر هر چیز اختلاف تدابیر و تفرقه ریزه منقطع صلاح به صورت کمونیست های پیوندند. گرد هم آشی جهان
 نیروهای میواد ارمیل که در زمانه سال ۱۹۲۷ در مسکو برگزار شدند مجمع جهانی سازندگان صلح پایدار
 که در ماه به سال ۱۹۲۷ در ورشو برگزار کردند و همچنین دیگر اقدامات جنبش جهانی دفاع از صلح و سازمان
 های کمونیست بزیر تکیه اللطی و اتحاد همها و سازمانها و زنان و جوانان و دانشجویان و مبارزان
 جنبش مقاومت و همه گواه آنستکه محافل اجتماعی در موکرات اروپا و همه جهان نسبت به پیشنهاد اشی
 که از جانب کمونیست های اروپا در کنفرانس برلن در ژوئن سال ۱۹۲۷ مطرح گردید واکنش مثبت نشان دادند.

پیوند متقابل رگانیک مبارزه در دفاع از صلح با مبارزه در راه ترقی اجتماعی

تجربه مبارزه ضد امپریالیستی هم نتیجه گیری کنفرانس برلن احزاب کمونیست و کارگری اروپا را
 در باره اینکامان مبارزه در راه صلح و خامت زد اشی اینکومبارزه در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی از سوی
 دیگر کمونیست متقابل نزدیک وجود دارد. تا باید یکد هر دو صلح استوارتر می شود و هماهنگی رکنورده های
 سویالیستی متزایدند. بلا مانع تریز تر می باشد و نظام اجتماعی نوین را بسط و تکامل بخشند. برعکس صلح جهانی
 هم چنانکه تجربه نشان میدهد با تقویت بیشتر موضوع سویالیسم واقعی موجود و استوارتر میگردد. سویالیسم
 لیسیم به صلح نیاز دارد. صلح را بوجود می آورد و از آن دفاع میکند. پیشرفت بیشتر پیگیری سویالیسم
 تحقق پیشین حقوقی انسانها را برای خلقهای کشورهای سویالیستی تضمین میکند. این حقوق عبارتند از:
 حق زندگی در نتیجه تامین استحکام جهانی صلح و حق فارغ بودن از هر نوع بهره کشی و حق کار و حق رشد
 همه جانبه امکانات و استعداد های بشری.

اما در مورد کشورهای سرمایه دار غمناختی رشد یافته و تجربه دوران اخیر گواهی میدهد که پیروسه
 و خامت زد اشی در برابر نیروهای مترقی نخواهد آمد. اینها و نیروهای تغییرا ره تغییرا علیه سلطه سرمایه انحصاری
 بی آمد های مرکز با آن گنوده است. مردم بر تقابل صلح از اند سازنده ها غناقلاید موکراتیک میباشند
 در اسپانیا نیروهای جدید را بر نوسازی موکراتیک جامعه توفیق حاصل میکنند. در همه کشورهای سرمایه داری
 و در درجه اول در ایالتا و فرانسه در سال گذشته مبارزه توده ای ضد انحصارهای مفسد سویالیسم توسعه
 یافت. تشدید بحران بیشتر سرمایه را انحصاری که سراسر جامعه را در زیر گرفته مسئله رفع علل واقعی

نورم و بیگاری میفرمایم پیروسه و هرج و مرج از روی مسئله ایجاد آلترا ناتیفند موکراتیک و سویالیستی مشکلی کما
 شرایط مشخصی این بیان کنکور مطابقت دارد و با ابرام هرچه بیشتر رد دستور روز قرار میدهد.
 از طرف دیگر بیگاری و زما کارگران و دهقانان و دانشجویان و بسیاری دیگر از قشرهای زحمتکشان در
 کشورهای سرمایه داری علیه بی آمد های پیشین هلاکت با بحران در زمین حال علیه این نیروهای است
 که از مسائلی مختلف اجتماعی منتفع میشوند و همین علت آلترا ناتیفند میکند.

کمونیست ها همیشه مسئله و خامت زد اشی در اروپا را مینمایند جهانی در نظر قرار داده و میدهند
 سال که میوری شد باید این مطلب بود که برای زاد و ملی و اجتماعی خلقهای آسیا و آفریقا و امریکا و لاتین شرایط
 بین المللی مساعد وجود می آید.

مردم در سراسر مرز زمین بیتنام و دل را نوس ساختن نظام اجتماعی سویالیستی را آغاز کرده اند.
 تعدد از هر چه بیشتری از کشورهای آفریقا سمت گیری سویالیستی را انتخاب میکنند. در آفریقای مابعد
 های مشرق استحکام می یابد. در آنکولا درایتد ایمنه اخله گیری امپریالیستی وهم اکنون به ضد انقلاب اخلی
 شکست وارد آمد. آخرین تکمها هماییزاد گزانی و استعمار درود نیا و نای و آفریقای جنوبی و اسپین روزهای
 در جنوب را میگذرانند. کنفرانس بین المللی که در ماه سال جاری در مایوت تشکیل شد تحولات غلطی را که
 در جنوب آفریقا روی داده و آغاز نشان داد. میستون توانستیماری امپریالیسم در حالت بحران می کشی
 بسر میبرد. کشورهای خواستار استقلال پس از کسب آزادی ملی برانداختن کنترل مطلق امپریالیسم بر تولید و قیمت های
 مهمتین مواد خام را آغاز کرده اند و در راه برابری حقوق و رهناسبات اقتصاد بین المللی مبارزه میکنند. اگر
 سهم امپریالیسم دیگر قادر نیست با شیوههای سنتی خود یعنی اعمال نوزاد شکرا با این عوامل مقابله کند
 علت آن بطور مسلم وجود قدرت سویالیسم و پیشرفت در پیروسه و خامت زد اشی است.

مبارزه مشترک احزاب کمونیست و همپنروهای ضد امپریالیستی

تجاربیدست آمد و پیمانها و برگزاری کنفرانس برلن گواه بر این است که همه نهایی تعیین شده و از جانب
 کنفرانس در مبارزه در راه صلح و امنیت و همکاری و ترقی اجتماعی تنها در صورتی میتوان نائل گردید که احزاب
 کمونیست و همپنروهای موکراتیک قاره جهانی همگی ضد امپریالیستی خود را ثبات و استحکام بخشند.
 درستی درس تاریخ کهن تایید میشود: همچنانکه مبارزه در راه صلح و خامت زد اشی میفرمایم بین المللی
 جهان دارد. مبارزه در راه ترقی اجتماعی هم لایحه این مبارزه مقدم بر همه پیکارها می است (همواره
 دارای خصلت آلترا سونا لیستی میباشد. این مسئله و اولاً از آنجا ناشی میشود که مبارزه در راه صلح و مبارزه
 در راه ترقی اجتماعی با هم پیوند یناگسستن دارند. بنابراین افزایش خواستها و توقعات از تعالیست
 بین المللی احزاب کمونیست بطور قانع کننده اند. از اینک مبارزه طبقاتی هر چه بیشتر خصلت آلترا سونا لیستی
 بخود میگرد و نایم میشود. نیروهای امپریالیسم در دست در مرمعه بین المللی میگردند. مشترک علیه نیروهای
 آزاد و ملی و اجتماعی اقدام کنند.

درست در همین سالها ای خیر ما شاهد تشدید خرابکاری سرمایه انحصاری بین المللی در زمین
 اید تلوژی علیه جنبش کارگری و جنبش نیروهای میواد ارمیل هم بودیم. امپریالیسم میگردند و تجمردم را از
 ممالی سرمایه داری که با روشنی هر چه بیشتر دیدار میگردند منصرفند و بر تری های سویالیسم را کم آرزو
 بی اهمیت جلوه دهد. اما چ عده همه حالات سویالیسم کوئی موجود است و نیز قدرت وسیاست آن
 موانع بر طرف نشدن سراسر امپریالیسم قرار میدهد و سویالیسم موجود با مینا هر چه گسترده تری میسه
 تکیه گاه عده نیروهای انقلابی در دوران نامتدیل میشود.

این فلکت فوق العاده صهی است که احزاب کمونیست و کارگری اروپا در سندی کنفرانس برلن هم خود را
 برای "رشد و گسترش همکاری و همبستگی آلترا سونا لیستی رقیفان و داوطلبانه بر پایه اندیشه های بزرگ

مارکس و انگلس و لنین * (۱) تأکید و تأیید کردند • این مطلب برای مبارزه احزاب جداگانه در راه پیشرفت
ها و دموکراتیک و تحولات اجتماعی در رقابت ملی نیز جزا از اهمیت فراوانی است • مسائل طبقه انترناسیونال
لیستی امروز به از هر زمان دیگر بطور ناگهمنی بیکدیگر ارتباط دارند •

در مطبوعات جنبش کمونیستی جهانی کاملاً محققانه تأکید میشود که هر حزب کمونیست مقدم بر همه در برابر
غنیفکارگر کشور خود مسئول است • بطوریکه در سندهای کفرانسیس بر این خاطر نشان شده است • هر حزب
کمونیست و کارگری در همین حال همچنین در برابر طبقه کارگر بین المللی و در مقابل مبارزه انترناسیونال لیستی
در راه سوسیالیسم و صلح عهده دار مسئولیت است (۲) •

کمیت مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان پیشنهادی کفرانسیس بر این ارجح تر است و نهاد دومه سازمانهای
حزبی بررسی و آموزش و تحلیل دقیق سندهای این کفرانسیس را توصیه نمود • حزب سوسیالیست متحد آلمان •
استحکام همه جانبه مانی سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان را سهم اساسی خود در امر تحقیق
نتیجه گیری عاقلانه در این سند قید شده به شمار میآورد •

بطوریکه در گزارش کمیته مرکزی به نهمین گردهم خیزیک وسیله • ارزش هونگدو بیرونی کمیته مرکزی
حزب سوسیالیست متحد آلمان قرائت شده و خاطر نشان شده • " حزب سوسیالیست خود در برابر خلق
خویش بود و بر این شرط کارگرمین المللی مبارزه آگاهی دارد • تمام اقداماتی که ما برای ما اختصاص یافته
سوسیالیست در جمهوری دموکراتیک آلمان به عمل میآوردیم در همین حال بخاطر استحکام هر چه بیشتر کشورهای
جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی جهانی انجام میدهد " (۳) •

علاوه بر این حزب ما در فعالیت بین المللی خود در زمینه تحقیق نتیجه گیریهای کفرانسیس بر این اساس
وظایف و وظایف را چه اول خود به شمار میآورد :

— توسعه اقدامات مشترک احزاب کمونیست و کارگری در مبارزه علیه امپریالیسم • خطر جنگ • در راه
صلح • امنیت • همکاری و ترقی اجتماعی • چنانکه بطور مشخص در سند کفرانسیس پیشنها در گردید •

— گسترش تبادلات هیئت های نمایندگی و تجربه • استحکام مناسبات برادرانه همبستگی با تمام
احزاب کمونیست و کارگری و همه جنبشهای نیروهای ضد امپریالیست •

— در سال جاری که تمام مردم ترقیخواه و شصتین سالگرد انقلاب بکبر سوسیالیستی اکثر ابراز می کنند
به انتشار وسیع حقایق درباره کامیابها و برتریهای سوسیالیسم پرداخته و بدین مناسبت این واقعیت را آشکارا
نشان بدادند که تمام کامیابها و برتریهای جمهوری دموکراتیک آلمان طی سی سال رشد و ترقی آن بر این پایه استوار
است که حزب سوسیالیست متحد آلمان با مبادات به مارکسیسم — لنینیسم و انترناسیونالیسم پیوسته
بطور خلاق و یاد نظر گرفتن شرایط تاریخی و ملی مشخص کشورها • تجربیات پراکنده سوسیالیستی پیروز زنده
شست ساله ای را که در اتحاد شوروی تحقیق پذیرفته • مورد استفاده قرار داده است •

گوشش کند که همواره دیگر احزاب برادرسهم خود را در پیاسخ دادن به مسائل تازه بهم ثوریک ساختن
سوسیالیسم و کمونیسم • بحران عمومی سرمایه داری • جنبشهای جهانی ملی • ادامه مبارزه علیه امپریالیسم
در راه سوسیالیسم و صلح در سراسر جهان ادانایند •

— علیه هرگونه مظاهر ضد کمونیسم و آتش کمونیسم و طبقه بندی باید تلوونیک امپریالیسم قمارانه مبارزه
کند •

کفرانسیس بین المللی علمی و ثوریک

« اکثر کبیر و جهان معاصر »

کفرانسیس بین المللی علمی و ثوریک * اکثر کبیر و جهان معاصر * که از ۲۸ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ در
پراگ تشکیل شد به شصتین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکثر اختصاص داده شده بود • آنرا هیئت
تحریریه بجمه " مسائل صلح و سوسیالیسم " تدارک دیده بود •

در کفرانسیس نمایندگان ۶۶ حزب کمونیست و کارگری شرکت جستند که عبارتند از : حزب کمونیست
ایتلیش • حزب پیشاهنگ و سوسیالیست الجزیره • حزب کمونیست آروانتین • حزب کمونیست بلژیک •
حزب کمونیست بلغارستان • حزب کمونیست بولیوی • حزب کمونیست برزیل • حزب کمونیست بریتانیای
کبیر • حزب سوسیالیست کارگر کبیر جارتان • حزب کمونیست ونزوئلا • ناظران حزب کمونیست پرتغال •
نمایندگان حزب مترقی توده گایانه • حزب کارگرو اتالا • حزب سوسیالیست متحد آلمان • حزب
کمونیست آلمان • حزب کمونیست هندوراس • حزب کمونیست یونان • حزب کمونیست دانمارک • حزب
کمونیست دانمیکان • حزب سوسیالیست متحد برلین غربی • حزب کمونیست اسرائیل • حزب کمونیست

هندوستان • حزب کمونیست اندونزی • حزب کمونیست اردن • حزب کمونیست عراق • حزب یهود • ایران •
حزب کمونیست اسپرند • حزب کمونیست ایستالیا • حزب کمونیست کانادا • حزب مترقی خلق زیمبابوئه •
قبورس (آکل) • حزب کمونیست کلمبیا • حزب پیشاهنگ خلق گواتمالا • حزب کمونیست کوبا • حزب
کمونیست لیسوتو • حزب کمونیست لبنان • حزب کمونیست لوکزامبورگ • حزب کمونیست مالت • حزب
ترقی و سوسیالیسم براتسن • حزب کمونیست مکزیک • حزب یهود • انقلاب مغولستان • حزب سوسیالیست

نیکاراگوئه • حزب یهودت سوسیالیست زلاندنو • حزب خلق پاناما • حزب کمونیست پاراگوئه •
حزب کمونیست پرو • حزب متحد کارگری لهستان • حزب کمونیست پرتغال • حزب کمونیست رومانی •
حزب انقلابی استقلال سنگال • حزب کمونیست سوریه • حزب کمونیست اتحاد شوروی • حزب کمونیست
سودان • حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا • حزب کمونیست تونس • حزب کمونیست ترکیه • حزب
کمونیست اروگوئه • حزب کمونیست فنلاند • حزب کمونیست فیلیپین • حزب کمونیست فرانسه • حزب
کمونیست چکوسلواکی • حزب کمونیست شیلی • حزب کارسویس • حزب کمونیست های سوئد •

حزب کمونیست برزیل • حزب کمونیست آفریقای جنوبی • حزب کمونیست ژاپن •

در کار کفرانسیس نمایندگان ۱۰ حزب سوسیالیست انقلابی دموکراتیک و آزاد پیشانی ملی نیز شرکت
جستند که بقاریز است :

حزب جنبش خلق برای آزادی آنکولا (ام • پ • ا • آ) • حزب دموکراتیک گینه • حزب انقلابی استقلال
گینه و جزایر مافه سبز (پ • آ • ی • گ • ک) • مخالف دموکراتیک ممر • سازمان سیاسی متحد •
جبهه ملی جمهوری تود • اید دموکراتیک یمن • حزب پیشاهنگ خلق جمهوری یمن • حزب کارکنگور •
حزب کمونیست استقلال ماداکاسکار • سازمان آزاد پیشان فلسطین • حزب انقلابی سوسیالیست سومالی •

در کفرانسیس چهارده بیرونگرد و بیرون احزاب • ۲۶ عضو و نمایان و بیرونی سیاسی (کمسیون سیاسی •
کمیته سیاسی و کمیته اجراییه) دیوران کمیته مرکزی احزاب و رجال حزبی و دانشمندان را که کمیته

(بقیه در صفحه ۶۲)

۱ - بجمه " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ • سال ۱۹۷۶ • ص ۸ •
۲ - همانجا •

3 - Protokoll des IX Parteitag der SED, Band 1, Dietz Verlag,
Berlin, 1976, S. 150.
(بقیه در صفحه ۴۴)

درباره طرح قانون اساسی تازه

اتحاد جماهیر شوروی

منشور سوسیالیسم پیشرفته

ک. کاراسف

حق‌نقدان (اتحاد جماهیر شوروی)

در تاریخ سیاسی کشور شوروی روزهایی به ثبت رسیده است که راه تاریخی نخستین کشور سوسیالیستی جهان را همانند قانون اساسی جمهوریهای دنیای زمین میکند. بدین ترتیب در سال جاری هم که سال شصتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت رسماً تصویب قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی است، جای خود را در ردیف این قبیل تاریخ ها اشتغال خواهد کرد.

قران دروید ادتاریخی چنین نظمی شایان اهمیت است. بحث و مذاکره گسترده و حقیقتاً تمام خلقی طرح قانون اساسی جدید یعنی بررسی واقعی تمام کارهای انجام شده کنونی شصت سال حاکمیت شوروی و همچنین تغییراتی است که طی ۶۰ سال موجودیت قانون اساسی جاری در کشور بوجود پیوسته است. بطوریکه رفیق بروف ضمن گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به هیئت منجمن کنگره حزب تاکید کرد: «... زمان تصمیم تمام آنچه که تاکنون انجام شده فرارسیده است. هنگام تهیه طرح قانون اساسی جدید اتحاد شوروی ما این نکته را پایه و اساس کار قرار میدیم» (۱).

تعمیم تمام آنچه که تاکنون انجام شده است.

بطوریکه میدانیم سوسیالیسم از چند مرحله بودنی میگذرد که نشان دهنده پیشرفت به درجات هرچه بالاترینند و کامل است. این پیشرفت پر تحریک بطوریکه در وضع و تدوین قوانین هم منعکس میگردد. نخستین قانون اساسی شوروی یا قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی در اکتوبر ۱۹۱۸ سال ۱۹۱۸ است. دستاورد های انقلاب اکثریت را تثبیت کرد و نخستین کشور دیکتاتوری پرولتاریا در جهان را که به حاکمیت مردم زحمتکش تحقق بخشید از طریق قانون مسلح ساخت. قانون اساسی اتحاد جماهیر سوسیالیستی مصوب سال ۱۹۲۴ تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را اعلام داشت و اصل لنینی نظام سوسیالیستی را بسط و تکامل داد و دستاورد های زحمتکشان را در مبارزه انقلابی نشان استحکام بخشید. بالاخره قانون اساسی اتحاد شوروی مصوب سال ۱۹۳۶ با تکیه بر اصول اساسی اتحاد جماهیر سوسیالیستی بود و تمام سیستم ارگانهای حاکمیت و اداری را با این امر هماهنگ ساخت، حقوق و آزادیهای اهالی را با میزان قابل توجهی گسترش داد و به پیشرفت آتی دموکراسی سوسیالیستی شوروی تازه ای بخشید.

بدین ترتیب خود منطق رویداد های که در تاریخ کشور به ثبت رسیده ما را به دوران معاصر میرساند.

۱ سال ۵۱ - بروف - باخض مشی لنینی، جلد ۵، مسکو، انتشارات سیاسی ۱۹۷۲، ص ۵۴۷.

برای پاسخ گفتن به اینکه چه سبب در اتحاد شوروی قانون اساسی تازه ای تصویب میسر شد، کافیست مفاسد کثیف و بیپایان کشور ما در سال ۱۹۳۶ چگونه بود و خلاصه شده است.

در آن هنگام فقط دو دهه ساله اتحاد شوروی را از گذشته سرمایه داری جدا میکرد، مانده های دوران پیش از انقلاب هنوز خود را بر زمین داده، شاخص های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بیسیار زیاد و نسبت به شاخص های امروز این تریبند. اتحاد شوروی در محاصره کشورهای سرمایه داری قرار داشت.

طی دوران عملکرد قانون اساسی سال ۱۹۳۶ در زندگی کشور تغییرات باری بوجود پیوست. اینک مالکیت اجتماعی پلانازم در اتحاد شوروی حکمروایت. اقتصاد کشور مجموعه واحد، پیشرفته و موزونی است که تمام مرصه ها و طبقه های تولید، مصرف و تبادل را در بر میگیرد. رهبری ساختمان کمونیستی کشور بر پایه برنامه های دولتی پیشرفت اقتصاد و اجتماعی و فرهنگی انجام میگردد. عالیترین هدف تولید اجتماعی در سوسیالیسم (برخلاف سرمایه داری که بدست آوردن سود و بهره را در براس مفاصل خفین قرار داده) بطوریکه در مرفر قانون اساسی جدید تاکید گردیده، بر آوردن خواسته های مادی و معنوی ریزان مردم بکاملترین وجهی است.

ملاو بر این در پیشرفت اتحاد جماهیر شوروی بسوی جامعه ای که از لحاظ اجتماعی یک جنس یکدست باشد نتایج کیفی تازه ای بدست آمده است. حالات و موم اهالی کشور از طبقه کارگر تشکیل میدهند. این طبقه ایست که به همایون افراد تحصیل کرده، با معلومات فنی و دانش و تخصص سیاسی مطلع را در بر میگیرد. به فعالیت اجتماعی آنها بطوریکه افراد میشود و اشتراک آنان در اداره امور کشور گسترش مییابد. دهقانان هم که سلاح آگاهی روحیه شان تغییر کرده است، موز شده اند.

دهقانان کلبخوری شوروی از تکنیک معاصر پیشرفته ای استفاده میکنند و کار آنها هر چه بیشتر به یکسای از انواع کارهای صنعتی مبدل میشود. شرایط و شیوه زندگی در روستاها هر چه بیشتر به شرایط و شیوه زندگی شهرها نزدیک میشود. روشنفکران هم به روشنفکران کاملاً خلقی و سوسیالیستی مبدل گردیدند و وزن مخصوص آنها در اجتماع افزایش مییابد. استحکام هر چه بیشتر از طبقه کارگر، روستاییان و کلبخوری روشنفکران بر پایه این تغییرات صورت میگردد و تفاوتها و جدی میان گروه های اجتماعی اساسی اهالی بتدریج از بین میرود.

حالایک مقطع دیگر زندگی یعنی جنبه ملی آزاد رنظر میکنیم. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یک جامعه فدرال است که پیش از مدت ملت و نطقه های کوچکی را که به دهها زبان سخن میگویند در بر میگیرد. حل موفقیت آمیز مسئله ملی در کشور شوروی دستاورد تاریخی است که مسدود شوروی بحق بدان فخر و مباهات میکند. در تحقق این امر هم قانون اساسی سال ۱۹۳۶ استحکام شوروی نقش کوچکی نداشته است. طی مدت زمان عملکرد این تمام جنبه های سوسیالیستی بسطح عالی ارتقا یافته و برابریات هانه فقط بطور حقوقی (فئالی) بلکه بطور واقعی تحقق پذیرفت. اینک نزدیک شدی تا در چرخه نهایی ها و نطقه های کشور ریزان است و نتیجه بدین واقعیت طرح قانون اساسی جدید یادآور میشود که در اتحاد شوروی " خلق شوروی یعنی اجتماع تاریخی تازه ای از مردم پدید آمده است ".

با نظری مبتنی بر پایه و اساس کامل میتوان گفت که در محدوده مرزهای اتحاد جماهیر شوروی کشور تازه ای بفهم سیاسی کامل این کلمه بوجود آمده است. در واقع هم قانون اساسی سال ۱۹۳۶ آثار بهتره که کشور دیکتاتوری پرولتاریا تعریف و توصیف کرد. بعد ها تغییرات جدی و مهم اقتصادی و اجتماعی به گسترش زیربنای اجتماعی آن و استحکام وحدت ایدئولوژیک و سیاسی مردم و به پیشرفت

و تصویق جنبه سوسیالیستی در آگاهی و زندگی اهالی انجامید . حزب کمونیست اتحاد شوروی با تصمیم تجربه پراتیک ساختمان سوسیالیستی برپایه اندیشه‌های لنین چنین نتیجه گرفت که حاکمیت دیکتاتوری پرولتاریا کیفیت تازه ای پیدا کرده و حاکمیت شکل تمام خلقی یافته است . بدین مناسبت ، ماده اول طرح قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی را به منزله کمونسوسیالیستی تمام خلقی که بیانگر اراده و منافع طبقه کارگر در مقابله با اشرافیت تمام ملت‌ها و طبقه‌های کشور است ، تعریف و توصیف میکند .

اگر ضمن اظهار نظر در بار مجموع تغییراتی که رها داده است توجه خود را فقط به مرزهای پیک کشور محدود کنیم نمیتوانیم بطور کامل آن تغییرات را ارزیابی نمائیم . در پهن ماه که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (سال ۱۹۷۷) تمام اهمیت تغییرات پدید آورده در وضع بین المللی اتحاد شوروی و سیاهای اجتماعی - سیاسی جهان تاکید کردید . برای همیشه به محاصره سرمایه داری نخستین کشور سوسیالیستی پایان داده شده است . سوسیالیسم به سیستم جهانی تبدیل گردید و جامعه‌ها نیرومند کشورهای سوسیالیستی بوجود آمدند . بعضی مواضع سرمایه داری جهانی بطور جدی تضعیف گردید . در میان کشورهای استقلال و حاکم بر سرنشینت خویش که با امپریالیسم مخالفتمیزند ، جای مستعمره های سابق گرفته اند . بدین ترتیب ، آرایش نیروها در رزمه بین المللی سرمایه و زینت بین دگرگون شد . خلفها امکان یافتند از خطر جنگ جهانی تازه جلوگیری کنند ، اگرچه برای انجام این کار هنوز هم سعی و کوشش فراوان و پیگیری ضرورت دارد .

طرح قانون اساسی سال ۱۹۷۷ اتحاد جماهیر شوروی میان ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و مبارزه در راه صلح ارتباط مستقیم برقرار میکند . در فصل جداگانه مربوط به " سیاست خارجی " گفته میشود که " کشور شوروی بطور یکپارچه از سیاست لنینی صلح میزند و طرفدار استواری امنیت خلقها و همکاری گسترده بین المللی است . " سپس گفته میشود " سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی در جهت تثابین شرایط مساعد بین المللی برای ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی ، تحکیم مواضع سوسیالیسم ، پشتیبانی از مبارزه خلقها در راه آزادی ملی و ترقی اجتماعی ، جلوگیری از جنگ جهانی و تجاوزکارانه و تحقق یکپارچه همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت است . " مبالغه نخواهد بود اگر گفته شود که تغییرات زرف اجتماعی - اقتصادی و سیاسی سیستم اتحاد جماهیر شوروی هرچه روشن تر و برجسته تر در وضع و نقش انسان خود را نشان میدهد . فعالیت سیاسی مردم شوروی ، حجم کار آنها و میزان حقوق و آزادیهایش که عملا آنها مورد استفاده قرار میدهند بسی نتایج افزاین یافته است . به ضرر ما با جمله تحقق هر چه از اهداف و مقاصد سوسیالیستی ، میتوان مهمترین قانونمندی و پیشرفت اجتماعی جامعه شوروی را تعریف و توصیف کرد .

حال میتوان نخستین نتیجه گیری را انجام داد : تغییرات عمیق در سیستم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی اتحاد جماهیر شوروی طرح قانون اساسی تازه را ایجاب میکند . ضرورت و موقع بودن قانون اساسی تازه را در واقع باید وجود همین تغییرات عمیق میتوان شرح بده کرد . تا زگی و ارزش بسیاری از فرمول بندیهای طرح که نتایج ساختمان سوسیالیسم موجود در صلح ، تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی در امر رهبری پیشرفت جامعه شوروی و تکمیل مناسبات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی آن است و در راه های دانش مارکسیستی - لنینیستی در باره پیشرفت جامعه سوسیالیستی را منجمد میسازد نیز از همین جنبه سرچشمه میگردد .

درك این نکته که بجهت قانون اساسی تازه ای و تأیید در این موقع برای کشور لازم بود با کمک

میباشد که سرشت ، رسالت و نقش قانون اساسی در جامعه سوسیالیستی را بد رستی در بایام و رشکهای راکه آنرا نه فقط با دران کنونی بلکه با گذشته آینده هم پیوند میدهد ببینیم . همانطور که مرحله پیشرفت سوسیالیسم کار مرحله قبلی را ادامه میدهد ، هر قانون اساسی جدید هم ادامه منطقی وسط و تکامل قانون اساسی است که قبلا به تصویب رسیده است .

ل . برتوف تاکید نمود که " هنگام کار روی طرح مادر زمینه آماده کاری استوار برپا گردید . در این طرح خطوط ویژه قانون اساسی نوع سوسیالیستی که وای لنین به وضع خود آنها را تعیین کرده بود حفظ شده و تکمیل گردیده است " (۱) .

به مقتضای زمان ، ساختار ، عناصری از مضمون وندرجات قانون اساسی تغییر میکنند ، برخی از مواد آن تکمیل گردیده و بعضی ترمیم شوند . اما آنچه عده است ، یعنی آنچه که " روح قانون " نامیده میشود و با ماهیت و هدفهای ساختمان سوسیالیستی تطابق دارد ، بدون تغییر باقی میماند .

طرح قانون اساسی جدید متکی بر نوسازی و تکمیل قانونگذاری شوروی طی سالهای اخیر است . بدین قرار که طی دهساله اخیر در اتحاد جماهیر شوروی و جمهوریهای شوروی یک سلسله قوانین اصولی و با خصلت اجتماعی - سیاسی تصویب رسیده است . بسیاری از آنها مربوط به عرصهها است که در گذشته خارج از چهارچوب نظام منسوق حقوقی بود ، مانند فعالیت شرکاهای محلی ، مسائل مربوط به شناختگان و حفظ محیط زیست . قوانین تازه ای هم به مقیاس سراسر کشور و جمهوریهای شوروی بطور جداگانه به تصویب رسیده که به رشته های مهمی برای مردم نظیر مرصه کار ، تحصیلات همگانی و بهداشت مربوط میگردد .

بدین ترتیب تصویب قانون اساسی جدید بالاترین نقطه کار سترگی است که در زمینه تکمیل پایه های حقوقی جامعه شوروی ، تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی انجام یافته است . در این حال قانون اساسی خود زمینه اد برای تکمیل هر چه بیشتر قانونگذاری است ، در نظر سرت که بر پایه قانون اساسی تازه ، برای جمهوریهای شوروی وجود مختار قانون اساسی های تازه ای تهیه وند وین کرد و استاد اصولی دیگری تصویب رسد . قانون اساسی جدید هسته اصلی مجموعه قوانین کشور شوروی خواهد بود که تهیه وند وین آن طبق فرار بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی آغاز گردیده است .

اینجاد واقع سخن برسریک خصلت مهم دیگر قوانین اساسی جامعه سوسیالیستی است که به نیروی محرکه سازنده و اهمیت آنها برای آینده مربوط میگردد .

البته قوانین در جامعه سوسیالیستی مقدم بر هر چیز برای تثبیت دستاورد های کشور است منعکس ساختن کامیابی های واقعی در زندگی اقتصادی و سیاسی کشور و قانون اساسی است . قانون اساسی ، سازمانی - دولتی ، چهارچوب حقوقی و فعالیت ارگانهای حاکمیت و سایر ویرا مینماید و حقوق و آزادیها و وظائف اتباع را مقرر میدارد .

اما تصور نمیرود نیازی به اثبات این مدعی باشد که اگر قانون اساسی در عین حال متوجه آینده و برای چشم اندازهای تاریخی لازم آن نباشد پیش از وقت کشته میشود رسالت سیاسی خود را از دست میدهد . از این رو است که طرح قانون اساسی تازه اتحاد جماهیر شوروی خصلت بر ناه ای دارد . ل . برتوف در پهن ماه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (سال ۱۹۷۷) گفت " لنین و حزب بلشویک ها بر این عقیده بودند که قانون اساسی نه فقط یک سند حقوقی بلکه بهترین سند سیاسی است .

۱ - " پرلادا " ۵ ژوئن سال ۱۹۷۷ .

حزب قانون اساسی را بمنزله تثبیت دستاورد های انقلاب بدین حال بمنزله اعلام وظائف اساسی و هدف های ساختمان سوسیالیستی بشمار می آید * (۱)

طرح قانون اساسی با پیروی از این اصل هدف نهایی و نهائی کشورشوری یعنی ساختمان جامعه کمونیستی بدون طبقات را در مقدمه بدقت تعیین و تثبیت میکند و علاوه بر این بهترین وظائف را بمنزله بشرح زیر معلوم و مشخص می سازد: ایجاد زیربنای مادی و فنی کمونیسم، تکمیل مناسبات اجتماعی سوسیالیستی و تبدیل آنها به مناسبات کمونیستی، پرورش و تربیت انسان جامعه کمونیستی، بالا بردن سطح زندگی مادی و فرهنگی زحمتکشان، تامین امنیت کشور، کمک به استحکام صلح و مسط و تکامل همکاری بین المللی. این مواد بر نامه ای که در قانون اساسی از آنها یاد شده معیاران اقداماتی خواهند بود که از این بعد فعالیت بر پایه و اساس قانون اساسی شناخته میشود و به عملی که از احوال ظاهر آنها و اصول بیان درین جا نمیگنجد بشمار خواهد آمد.

مخمت بر نامه ای قانون اساسی و مراجع پیگیری و ادامه کاری در آن دو وظایف مهم هستند که در واقع سرخشی واقعی و ثبات واقعی آنها را تعیین میکنند.

۲

طبق رسام وادستکی که در زندگی اجتماعی کشور ما ریشه مستحکم پیدا کرده، حزب کمونیستی در ولت شوروی هنگام تثبیت و تدوین و تصویب قراردادی مهم تاریخی همواره به خرد و حکمت مردم مراجعه میکند، مقاصد و برنامه های خود را به دادگاه وسیع افکار عمومی عرضه می آید و مسائل جاری روز برای بحث و مذاکره همگانی مطرح میکنند. بطور مثال، در سالهای ۶۰ در آغاز تجدید سازمان اداره امور و برنامه ریزی در اقتصاد کشور اینطور عمل شد، هنگام تصویب برنامه های پنج ساله همینطور است و حالا با طرح قانون اساسی کشور ما نیز چنین رفتار میشود.

در مکزیک هم عین سیستم شوروی، اقتصاد حزب مردم و صداقت و وفاداری آن نسبت به امور کمونیسم در این سنت منجمد میگردد. هر یک از این همه پرس ها هم درستی و سست بودن این سخن اعتماد را همواره تأیید میکند. بحث و مذاکره همواره در محیط مشغول از فعالیت فزاینده مردم و تبادل نظر آزاد برقرار میشود و نتایج سرخشی و سازنده ای بیار می آید.

تخل میزبان فعالیت مردم، افزایش بی ملاحظه روح و تردید اهالی بهنگام سر رسیدن بر عهد های بزرگ در کشورهای سرمایه داری، در این زمینه پیروزه بارز و آشکار میگردد. این نشانده فکسط پانچما میگرد، بلکه ناراحتی زیادی برای ایدئولوگ های بورژوازی فراهم آورد و آنها را به انجام مانورهای تازه و کوشش های تازه برای بی اعتبار ساختن نظام دموکراتیک جامعه سوسیالیستی بسرسر می انگیزد. ازیند این طرح قانون اساسی ۱۹۷۷ اتحاد شوروی آنها بغیاض گسترده ای بمنزله وسیله تازه ای برای این قبیل اقدامات خود استناد میکند.

بطوریکه میدانیم این طرح بدون کوچکترین تغییر، زوین در تمام طبقات مرکزی و مجلسی بجای رسیده و آثار و نتایج مفصلی که بدان اختصاص داده شده است بدون مبالغه میتوان گفت، امروز موضوع عد تمام مسائل ارتباط جمعی اتحاد شوروی را تشکیل میدهد. بحث و مذاکره این طرح مدتی زیادی، یعنی چهار ماه بظلمت خواهد انجامید که پس از آن میتوان با سلاح کاملی از فاکتها به جمع بندی و نتیجه گیری پرداخت.

اما، ایدئولوگ های بورژوازی مانند معمول در کارشتاب بخرج میدهند آنها نمیتوانند افکار

همی برای مدتی چنین طولانی "انترپردور" دارند. حاله این سطون نوشته میشود از آغاز بحث و مذاکره در هفتص ماهم نگذشته است، اما همین مدت برای برخی از مفسرین برای نتیجه گیری های شتابزده و دروغ پرانی گستاخانه کافی بنظر آمد. بطور نمونه "انترنشنل هرالد تریبون" صفحات خود را در اختیار "روزنامه معروف" شوروی شانس پراگ قرار داد. "شهاد" که این بار با جمع بندی و پیوسته ایها اظهار میکند که تمام بحث و مذاکره طراسازی توخالی و بی پایه است که در جریان آن "حقیقت گفتمخالف هم بر پایه این بیان داده قانون اساسی گفته شده است." این دروغ بزبانه است.

باین معنی که ما بینیم چکس مؤلف را کصصم شده با ثبات رساننده که گویا "اعتراضهایی بوده است" به محاکمه فرامیخواند. ما به محاکمه فرامیخوانیم. بگذار، هر قدر میتواند از آزاد بهای بورژوازی که وصف کرده برای نان روزانه اش دریافت کند.

مطورد بگری هل میکند. از خواننده دعوت میکنیم با جریان واقعی و ضمن بحث و مذاکره قانون اساسی جدید آشنا شود. این کار را میتوان بدو مسافرت در کشور، بدون حضور یافتن در هزاره جلسه در شهرها و روستاها، در کارخانهها و مراکز ساختمانی که میباید با نمر از اهالی اظهار نظر میکنند انجام داد.

فقط کافی است روزنامه های شوروی را، روزنامه های مرکزی را که هر روز یک صفحه کامل بهایشنا را به بحث و مذاکره اختصاص میدهند باز کرده و بخوانیم.

چکسانی در آنها چیزی نمیبینند، مردم درباره چه چیزی میبینند؟ "پراگ" را طی دو هفته ای که بحث و مذاکره آغاز شده ورق میزیم.

ف. شتا پد رص در کل خود رأی از فرمول بند ماده ۱۰۰ درباره وظیفه نمایندگان برای دادن گزارش به انتخاب کنندگان ناراضی است. او میگوید: گزارش بخودی خود مهم نیست، نتیجه کار مهم است" و پیشنهاد میکند که طبق این نظرماده قانون عوض شود. س. استپانیا تکیس رئیس کارخانه بردیالک نظر اصلاحی درباره فصل مربوطه به "بهرترفت اجتماعی و فرهنگ" دارد، بعقیده وی باید آنجا اضافه شود که "دولت به پیوسته شرایط خانه و سکن اهالی توجه خواهد کرد". آ. بختیاروف که متخصص در رشته خانه های استراحت و نقاط ویژه مداوا و استراحت است، پیشنهاد میکند که از ماده ۴۱ که در آن از حق افراد برای استراحت صحبت میشود کلمات "در محل اقامت" حذف گردد زیرا "این کلمات مفهم امکانها را که هم اکنون برای استراحت در اختیار مردم است محدود میکند". د. فین کیرگ "اعتراضها بنسبت ارزش اهالی کالینین میخواهد که ماده ۲۸ را تعدیل و ترشید بدتر کند و چنین میبگوید: "تخلیف جنگ در اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین خیانت بشمار می آید و وسیله قانون قد فن میشود". رجب آوف آکاد میسین جمهوری شوروی تاجیکستان معتقد است که در فصل نهم باید پرا تیک نمایندگی دائم جمهوریهای شوروی جنب شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی را از طریق قانون اساسی تثبیت کرد.

فره و غیره

مردم ضمن پشتیبانی از این طرح تمام آنچه را که در آن برای آنها پراچ و گرانایه است، یاد آور میشوند، ولی در عین حال در کمال آزادی آنچه را که ناقص بشمار می آید بر نشان میدهند و با فرمول بندی خودشان را ارائه میدهند و پیشنهاد میکنند که روی آن مسائل و مطالب کارشناسان فروریزی کنند.

تجربه و تدوین و حتی تصحیح قانون اساسی پروسه بخرنج خلاقی است که با مراعات بسواری از موازین و قواعد قضایی و حقوقی انجام مییابد. بهرین سبب ما در نظر در اینم و وظیفه خود نمیدانیم که پیشنهاد های شخصی را بطور جداگانه از زبان کتیب و اسر نوشت آنها را معین نمانیم. این را حقوق

وزرای کمیسیون قانون اساسی است که هنوز کار خود ادامه میدهند و ولایت در این امر ویژه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی است که می باید در راه اکثر نظر نهایی خود را در باره طرح قانون اساسی چه بطور کلی و چه بتوجه به تمام جزئیات آن برآورد. اما باید نکته را در جریان این بحث و مذاکره با اطمینان کامل میتوان تأیید کرد و آن اینکه: مکانیسم دموکراسی شوروی بطور واقعی بحث و مذاکره آزاد قانون اساسی را که اینک مورد نیاز جامعه ما است امکان پذیر میسازد و این همان قانون اساسی خواهد بود که خواه از لحاظ اشتراک مردم در ایجاد آن و خواه از لحاظ مضمونش یک قانون اساسی واقعاً خلقی است.

قانون اساسی تازه همواره یک رویداد بزرگ در زندگی کشور است. مردم شوروی هم برنامه های عظیم و چشم انداز فراز را بدین مربوط میکنند. ولی ساختن موازین تازه قانون اساسی به میلیونها و میلیونها فرد زحمتکش شوروی امکان میدهد بطور فعال در زندگی اقتصادی و سیاسی کشور رهبری تمام امور دولتی و اجتماعی شرکت کنند.

ما پیشین داریم که قانون اساسی سال ۱۹۲۷ مرحله بسیار مهمی در تاریخ کشور ما خواهد شد و منزله سهم تازه حزب لنین، دولت سوسیالیستی و تمام مردم شوروی در امر ساختن یک کشور پیشرو و میوزات آن در مبارزه اشتراک سوسیالیست زحمتکشان سراسر جهان در راه آزادی، ترقی جامعه بشری و در راه صلح استوار روی زمین خواهد بود.

(بقیه از صفحه ۲۶)

بطوریکه میدانیم ما در کمیسیون - لنینیسم میآورد که در تاریخ جنگ درستی تئوری سیاست است. مسکن است تجربیات عملی سالهای اخیر نشان میدهد که نتیجه گویایی اکثر ائس برلن که در سند نهایی آن قید شده نه تشدید رست است و بلکه برآمدت درازی را بآید و اهمیت و عملیت فوق العاده خود را حفظ خواهد کرد. این سند بمنزله رهنمون جمعی و دراز مدت است که بر پایه تجربه و وظیفه مشترک اجزای کمیونیست و کارگر عقاره ما در مبارزه در راه صلح، امنیت و همکار و ترقی اجتماعی استوار است.

گسترش دامنه مبارزه بر ضد انحصارها

پیرو باکی

د بهر کل اتحادیه بین المللی سندیها
زحمتکشان منابع ذویغلز

بین المللی شدن تولید و باجبارت دیگر تهیه طرح و آماده کردن و فروش نوآرود و هاگوناگون خارج از مرزهای ملی در زمین حال هم گرایش و هم احتیاج دوران ما است. این پدیده ضعیف کننده سرمایه و پروسه دسته جمعی شدن تولید در اقتصاد سرمایه دارهاست.

کمیته های چند ملیتی و پاسخ انحصارها به ضرورت عینی جهاد لمعلومات و تکنولوژی نوآرود و های آماده شده و بهیچا زمین المللی است. اینکه سلطه جدید پدید آیند و این شیوه تبهك تمرکز سرمایه و تولید بخشی آشکار است. این سلطه در چنگ آورده نوزتها طبیعی و سرمایه گذاری مستمر و بهره کشی زحمتکشان با شکل مختلف بود و در دست و زنده با ارزش خارجی و نظایر اینها خود را نشان میدهد. در ضمن همه اینها نتیجه فعالیت گروهها و انحصاری است که در آن واحد در رسای ز کشورها و مناطق مستقر شده اند و فقط یک رهنمود را همکار خود فرار داده اند و آن قانون حد اکثر منفعت است.

ماهیت امپریالیستی کمیته های چند ملیتی و اقدامات فائزگرا نه آنها با طرح و تفهیل کافی در بررسمهای پیشا ارتجیه و تحلیل و تمیز نمودن میفهمد و است. ولی خصائص تازه سیاست آنها و در شرایط بحرانی عینی که سیستم سرمایه داری جهانی را در بر گرفته و قابل توجه مداوم و دقیق است.

استراتژی تازه انحصارها

تعیین قیاس بود انبه استراتژی تازه سرمایه انحصاری و هد نهایی آن و پی آمد های آن بواسطه موجود در سر راه و تحقیق آن و همچنین حدود و شعور آن به ضرورت مهمی برای جنبش سندی کاشی ملو بین المللی میبد ل میشود. چنین اقدامی برای تعیین اشکال مشخص مبارزه و همچنین ابتکارهای جداگانه و تکمیلی که این جنبش باید گسترش داد و تشدید نماید امکان فراهم آورد.

بنظر ما اطلاعات عینی که در درجه اول باید در نظر گرفت عبارتست از: اولاً و تضاد میان سطح پیشرفت میوزان دسته جمعی شدن نیروهای تولید و توانها و خصلت را محل های که سرمایه داری در پاسخ به نیازند بهیچانی که در ارتباط با این تضاد پدید میآید. پیشنها د میکند.

این تضاد بسیار مهم مقدم بر همه نمودی سیاسی دارد. در چنین خالتی نخستین وظیفه دولت های امپریالیستی دیگر نه دفاع از منافع تمام سرمایه داران بلکه خدمت به مصالح سرمایه انحصاری است. از ایجاد زمین حال چنین نتیجه میشود که از این به بعد دیگر سخن تنها بر سر تا بین استعمار و طبقه کارگر نیست و بلکه به غارت قشرهای بینابینی کهنه و نو هم باید امکان داد و شود.

معلوم است که چنین سنگتیزی تازه نبوده و در یوز وجود نیاید و اما خلاصت جهانسی کمبیکند و در شرایط بحران بیکند با مصالح برنامه های " مبارزه با تورم " " اقتصاد دقیق و تمام بسا صرفه جویی " و " اندازهای پایداری برقرار می شود " این برنامه ها برای آنکه بتوان نول های صنعتی را با استتسار نیز طرح حاشی " تجدید موضع بندی نیروها " یا " تغییر جهت در فضا های خارجی سرمایه گذاری " از لحاظ مالی بیشتر توجیه کرد ضرورت پیدا کرده اند .

سنگتیزی جدید بطور عمده " اینطور تشریح میگردد که امپریالیسم ناچار است تغییرات و تحسولات تاریخی را که بنظر کلی در زجمله علی سالها می خیزد رجبان پدید آید " در نظر بگیرد " اینجاست مایلا واسطه بصلطی می رسیم که در فوژی داد آورده ایم " نخستین وظیفه استراتژی تازه سرمایه کلان در دفاع از منابع خود در شرایط اقتصاد پیدایش چنانقا سبب نیروهای سیاسی و اجتماعی است که به سود آن بوجود می آید " بورژوازی انحصاری با تلاش در راه تغییر تنا سبب و عایدت به دنبال اوسائل تازه برای ایجاد خطوط دفاعی تازه درجهانی است که در آن دایره نفوذ امپریالیسم پیاوریمتر تنگ تر میشود " این مسائل بهیچوجه جنبه تعرضی ندارند و بلکه تلاش انحصارها و کمپانیهای چند ملیتی را برای سازگار کردن خود با شرایط بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی امپریالیسم بکاملترین شکل نشان میدهد " علاوه بر این استراتژی تازه گواهی بر این است که شرایط استفاده حد اکثر از سرمایه انحصاری در این هنگام که سرمایه زائد وجود دارد " تیرکرافتی افزایش مییابد " از میزان منفعت کارسته میشود و کوشش مردم در راه انجام تحولات قاطع بیشتر میگردد " و تاچه اندازه در عوارض شده است " .

در واقع حیات اساسی استراتژی انحصارها و کمپانیهای المللی و دولتها سرمایه داری که بیانگر شایع آنهاند در شرایط بحران بهتر دیده میشود " ما به کوشش این جهات را بطور عمده " از روی نمونه اقدامات دولتها ی صنایع خود پیافلز که تاثیر چشمگیری بر زندگی اقتصاد " سیاسی " اجتماعی و مالی کشورهای سرمایه داری میکنند " نشان بد هیم " .

جهت گیری ها و شیوه های اساسی

علیات کمپانی های چند ملیتی طی سالهای اخیر در وجهت اساسی گسترش یافته است " اولی انتقال سرمایه از یک رشته اقتصاد پرشته های دیگر است " این عمل بطور مشخص در امتناع از سرمایه گذاری و حثی خارج ساختن سرمایه های قبلی در محدوده کشورهای صنعتی سرمایه داری در رشته های نظیر ماشینس فلزات سیاه و صنایع پارسندگی بیان یافته کی " استخراج نکه استخرک آهن و نظایر آنها نمودار میشود همچنین در کاهش آشکار سرمایه گذاری و سرمایه تولید در برخی از رشته های دیگر سود تولید آتی کتسه برای فرآورد " های آنها تقاضای بسیار زیاد است خود نمائی میکند " بطور مثال تولید هسته ای مسورت امتیاز است های امنیگاتی ورقبای فرانسوی و آلمان غنی و ژاپنی آنها در آید " و اما در حین حال عرصه مبارزه میان آنان نیز سبب بدل شده است " در ضمن باید یاد آور شد که پیمان در رشته تولید هسته ای در حال حاضر بیشتر بر تاسی های فاشیستی و با طرفدار امپریالیسم (نظیر برزیل " جمهوری آفریقای جنوبی " کره جنوبی " ایران و دیگر کشورهای نظیر) منصف میگردد " .

دوین جهت اساسی فعالیت انحصارهای المللی تغییر محل تولید از لحاظ جغرافیائی است " بهایات دیگر " برخی از انواع تولید به کشورهای منحصر میگردد که دارای مواد خام فراوان و نیروی کسار ارزان است " در اینجاستخ بر سر جنوب شرقی آسیا " امریکا لاتین و آفریقای جنوبی و خاور نزدیک یعنی بر سر کشورهای است که شرایط امنیت سرمایه گذاری را بر ابرخامسوم معادن می شمارند و با امنیت سرمایه گذناری از طرف دولتها و ذی نفعت تضمین میشود " بطور عمده " موسسات و بنیادها از توپیل " تهیه وسائل الکتریکی و تولید لباتها و رشته حاضر و نظایر آنها انتقال داده میشود " .

بطور مثال امریکا لاتین به منطقه ای که محل رقابت دولتها ی صنایع توپیل است و هم به عرصه مورد رشک و حسادت آنها تبدیل شده است " فولرد " " کرایسلر " " جنرال موتور " عملا در تمام کشورهای این قاره شمشه دایر کرده اند " فولکس واگن " " درمکنیک " " برزیل و آفریقای جنوبی " سرمایه گذاری میکند " زنو " " لیات " و " پیو " هم در قاره امریکا لاتین و از جمله در آرژانتین و برزیل و از استرالیای درازند " .

دیاره برزیل باید گفت " از آنجا که سنگتیزی آن بمنزله طرفدار سرمایه است امپریالیست ها معلوم است " طبعاً پیش از همه سرمایه انحصارها با تلاش متحد " امریکا و کشورهای میهرشته سرمایه داری را جلب میکند " کمپانیهای چند ملیتی " ای تی تی " " کارواسکی " " سینگر " " پنا پند " استیس " استیل " " جنرال موتور " " لیبیس " " نهنس " " فولرد " " فویره " بیش از ۵۰ درصد تجارت خارجی آنرا تحت کنترل خود دارند " چنین تجمع سرمایه گذاری در برزیل زاید و تلاش بهیچوجه است آوردن نوری است که در نتیجه استشارت نیروی کار و ترقی اعداد و ارزان بدست می آید " علاوه بر این دولت ارتجاعی به کمپانیهای چند ملیتی حد اکثر امتیاز را میدهد و در ضمن سرمایه بکار انداخته شده " معافیت آنها در اخت مالیات میدهد " امپریالیست ها بطور سرمایه گذاری " و اجازه خروج حاشتن سود و نظایر اینها از زجمله آنها است " در آرژانتین هم با همپان چنین نقشی بهیچاسا ها را بخارج میرویم " در سال ۱۹۷۵ " ۶۵ سده از ۱۰۰ سده بزرگ کثرت کنترل انحصارهای خارجی بود " در پاناما ۴۴ کمپانی چند ملیتی نیرومند فعالیت میکنند " در شیلی پس از کزدن تاغای میس " کمپانیهای چند ملیتی از تولید زنجیره تهیه " قانون جدید دیاره سرمایه های خارجی " بقدرت رسیدند " .

نونه هائی که یاد آور شدیم برای این است که اینک انحصارهای بین المللی با چسه شدتس سرعت صدور سرمایه را افزایش میدهد هند کانی است " اینهم بد معنی است که مبارزه و رقابت در بازار بین المللی نیروی کار بسفد ارزناد می شود بد هییابد " .

یاد آوریم این نکته که بکار انداختن سرمایه در رشته های مختلف و مناطق کوناگون مورد پشتیبانی همه جانبه کشورهای امپریالیستی است ضرورت ندارد " در حین حال باید دانست که پشتیبانی دولت ها از سرمایه گذاری کاملاً حساب شده و بهیچاه انتخا بگویند است " این کمک و پشتیبانی فقط به منافع تجمع سرمایه انحصاری خد مت میکند " امروز دیگر کاملاً آشکار شده است که دولتها میامپریالیستی بسر ای تعدد اد هر چه کمتر کمپانیهای چند ملیتی متیاز را در جهت قائل میشوند " هرگاه از کمپانیها تعدد اد انحصار هائی که در دیانت میکنند کاسته میشود " از روی همگی ر پشتیبانی از کمپانیها کینند ملیتی " ضحیه " هر چه کمتر کمک و کتسره و تزیینت میگردند " امی بدیده و بطور مشخص در رشد بهیچایف کنگ مالی و دولتی با استفاده از امکال کوناگون آن " نظیر کمک به صدور سرمایه (امتیازها یا مالیات " اعتبارها) تضمین برای سرمایه های خارجی " بکار انداخته شده و همچنین تابع ساختن کارهای ملی و پوئو هشی به ما محتساج انحصارها نمودار میشود " .

از اینجاستجه دیگری هم بخود میخود حاصل میگردد در آن اینکه " بهمان نسبت که کمپانیهای بند ملیتی نیرومند تر میشوند شبکه روابط آنها با انحصارهای که پایصلی دیگری دارند نیز گسترده و توسعه دتر میگردد " بطور مثال در رشته های معد " صنایع فلزاتسازمانند تولید هسته ای " تکنیک ماشین های حساس و الکترونیک و صنایع هواپیما سازی و ایستگتی کشورهای سرمایه داری باالات متحد " امریکا و همچنین به جمهوری قدرال آلمان و ژاپن افزایش مییابد " امروز در اروپا فخرین در تولید ۱۰۰ ام " کمپانیهای " چند ملیتی " امریکائی " انترنشنل بیزنس ماشینز " و " هاتی ول " بر ۸۰ درصد تولید مسلط اند " در سانیسج هواپیما سازی تقریباً ۹۰ درصد سرمایه از آن نرم های امریکائی " بوئینگ " " بوئگل " و " لومکبد " است که در ساختن هواپیما در رجبان غربی قاع اولرا دارند " بدین ترتیب کمپانیهای چند ملیتی در ارتباط

نزد يك باكشورهای سرمایه داری سیاست هم پیوندی میان آنها را تحقیق و خشنود تا بدینوسیله سرمایه داری استفاده و تمهیدات ترانپارچه جهانی ، حتی بنیان استقلال ملی ، امکان بدست آورند .

نسبت به کشورها در حال رشد هم برابری اقتصاد میوازگانگی بیانشدید این عدم برابری ازهیچ ادعای نوگدار نمیکنند که ازجمله تدابیر گوناگون برای اعمال فشار سیاسی و اقتصاد بر اینتران نام برد . استراتژی کوتی کهنانه ای چند ملیتی در مقابل اختلاف بازاره کشورهای " جهان سوم " در راه حلق حاکمیت و استقلال اقتصادی ، ازیکطرف مهارتست از سعی در تنگنای این کشورها در خارجیه پیشرفت صنعتی معاصر ، در درکردن آنها بطور اساسی از تولید صنعتی که اهمیت قاطع برای ترقی اقتصاد ویدارد . واز طرف دیگر استقرار بنیان تولید هائی در این قبیل کشورها که در آنها از نیروی کار غیر تخصصی و با تخصص اندک استفاده میشود . بدین ترتیب کهنانه ای بند ملیتی میگویند کشورها ی در حال رشد را در رفتن تهیه کنند و مواد خام و نیروی کار از آن محدود کنند و آنها را در تقسیم کار تازه میهان در چهارچوب منابع ثوری و مونتاژ با اقتصاد غریب پیوند سازند (۱) .

آنچه در بالا گفتیم برای این کافی است که بدون آنکه خواننده و ربابانوته های دیگری که اهمیت ترینستند زحمت در هم به چند نتیجه گیری اساسی بپردازیم :

- ۱ - کهنانه ای چند ملیتی که نیرو و قدرت تحریک تازه ای به هم پیوند سرمایه داری بخشنند واحدهای ویژه ای همبرای سرمایه هستند .
- ۲ - نقش کشورها ی امپریالیستی در تسریع پیشرفت انحصارها در سیاست " اقتصاد بقرون برقره و دقت " که هدفش تامین نیازمندی استراتژی فارتگرا نه کهنانه ای چند ملیتی در شرایط تشدید رقابت است بوزیع کند .
- ۳ - تا سی جشن کشورهای سرمایه داریه امپریالیسم امریکاهرچه آهنگار تر میگردد .

بفرموده اینها هستند تعریف و توصیف مقام و نقش انحصارهای غول آساز پیرو سه فرنج تجدید سازمان نظم و نسق ها و نیروهای امپریالیسم جهانی . " بدنیویکه قبلا اشاره کردیم جهت گیری ها و شیوه های عهد در سیاست سرمایه انحصاری چیزگاملا تازه ای نیست ، اما با تشدید بحران سرمایه داری و پیوسته از سال ۱۹۷۵ نیروی محرکه تشدید میآیند و با سرعت هائیس نظیری تحقیق پذیرند .

پی آمد های هلاکت باهرای زحمتکشان

پی آمد کما جتماعی سیاست انحصارها باشد دروضع زندگی زحمتکشان تا تغییر کند . طی سالهای اخیر ما امکان داشتیم یقین حاصل کنیم که تحلیل شدن کارخانه ها و ورکشپهای بسیار کارموسسات متوسط و کوچک ، بیکاری و روزافزون ، کاسته شدن از قدرت خرید و ستیزه ها و تجاوز به آزاد به حقوق قهسای سنگینی تاحد و زیاد نتیجه فعالیت کهنانه ای چند ملیتی است . کارگران ، کارمندان دولست و قهرمان های میانی و تمام افراد زنجیر شدت و بیلاسله نتایج استراتژی تازه انحصارها را برگوشت پیوست خود احساس میکنند .

در ضمن حال سیاست اقتصاد بقرون برقره و دقتی که کشورهای سرمایه داری مشترک را با شکل مختلف اعمال میکنند گرایش به پایین آمدن سطح زندگی و کاهش مصرفوا تشدید میکند . این سیاست با بالا رفتن تعدادی قیمت ها و افزایش بار مالیات ها همراه است . بیکاری به بلایه بویژه خطرناکی بدل میشود و موجبات

۱ - تنها در منابع اتوبیوگرافی سال ۱۹۷۰ بیش از ۶۰۰ موسسه در ۸۶ کشور وجود داشت که کار آنها مونتاژ ساختن اجزا " برخی ازید لها ی اتوبیوگرافی بود که در کشورهای بزرگ تولید کنند و اصلی ساخته میشوند . (رجوع کنید به : " L'usine Nouvelle " , NO 9 du 3 mars 1977)

نگرانی شدید را فراهم آورد . در بررسی های فکری چند هیئت در ژنو و ژنر و ژنر هیئت بین المللی کار انشاها با خسه گفته میشود که در سال ۱۹۷۶ بیکاری و بیخستگی باره و بسیاری از کشورهای بسطع او اخر سالهای ۲۰ رسید و با آرزوی فزاینده .

این نوع مختصی آمد های جدید سیاست سرمایه انحصاری برای زحمتکشان امکان میدهد این نکته را درک کنیم که بازاره ای که امروز زحمتکشان و سازمانهای سندیکیانی در نبال میکنند بجه سبب چنین مقیاس وسیعی پیدا کرده است . ارزشها تا بازاره مذکور این است که در بسیاری از بازاره کیهت توده ای وجودتد کسبگر و اغلبه و لثها و صاحبکاران را ناچار به عقدیختی نمود . اقدامات گسترده و طبقه کارگرو سازمانهای آن بطور مستقیم بر ضد سیاست و لثها و انحصار است در موارد بسیار ریسیانگرمز را رخ برآید است با تسن بختیقرات بنیاد میسود زحمتکشان ر تمام مردم است .

امکان تازه بین المللی کردن بازاره

جنبش انقلابی سندیکیانی طی دوران اخیر با یتکارا تازه ای در جهت مخالفت با کهنانه ای چند ملیتی که بر اقتصاد جهان سرمایه داری حکومت میکنند دست زده است . اقدامات دسته جمعی توده ای و جستجو وسایل و رایگال سازمانی برای هماهنگ کردن این اقدامات در درجه اول قراردادن است . ابروا رضالفت با انحصارهای غول آسای که تعیین کنند و پیشرفت اقتصاد سرمایه داری را تعیین میسند امپریالیسم جهانی را تشدید میسند . این یعنی بیکاری و نیروی اصلی امپریالیسم معاصر هر ضد مستحکم ترین دژ آن است . علاوه بر این جنبش انقلابی سندیکیانی این راهم در نظر میگیرد که سیاست توسعه طلبی کهنانه ای هم بکله استقرار شعبه های خود در بسیاری از کشورهای همسنگی طبقه تاسیرو انترناسیونالیسم کارگران این شعبات مضمون کنونی میسند . فعالیت کهنانه ای چند ملیتی بطور بیس عرصه جدید بازاره ای برای زحمتکشان کشورهای گوناگون کمورد نظم و ستم یک سرمایه واحد قرار میگزیند ایجاد میکند . این فعالیت به اغلاهی بازاره سندیکیانی چه در مقیاس منطقه ای چه بقیاس بین المللی کسک میکند . ضرورت هماهنگ ساختن بازاره های آزاد افراد زحمتکشان شعبه های و شمار کهنانه ای در کشور هائی که از کارشن شدید دستمزدها و اجراج از کار بوستن موسسات در مضیقه اند نه فقط بمسئله عد فصول بلکه به نیاز هم براتیک روزیدل شده است .

سندیکیانای طبقه ای با در نظر گرفتن وضعی که پیش آید و با توجه به اراده زحمتکشان در دست به ابتکارهای تازه و شخصی بزندند . تبادل تجربه میان سندیکیانای کشورهای مختلف بطور تعیین بهترین شکل ارتباط با بقیاس بیکاری کهنانه ای چند ملیتی واحد افزایش بیافت . اما س چنین رویداد هائی را بطور معمول با تسن خواستهای مشترک برای طرح در برابر کهنانه ای چند ملیتی و همچنین شکل مشترک اقدامات جمعی میسند تشکیل میداد .

البته این عقیده مدتها است رواج یافته که بازاره درازا برآوردن نیازهای بصرم بقدم بر هر چیز با سید در عروسه بطور جداگانه انجام بایدد . زیرا در واقع برخورد مستقیم میان طبقات در آنجا بوقوع میبندند . اما بسیاری از خواستهای زحمتکشان که در موسسات مختلف کهنانه ای چند ملیتی واحد کار میکنند ، در نتیجه یکسان ساختن شیوه ها فاش شدن مقیاس جهانی و بصورت خواست مشترک در میآیند . درست بسبب همین اینکارانی که طی سالها میخیزید آید و در بسیاری از نقاط به انجام عمل مشترک بقیاس چند کشوریا حسن یک قاره انجامید است . بطور مثال در کارخانه های " یهلن " و " دانلوپ پیرلی " که در چند کشور اروپای غربی مستقرند ، اند چنین حالتی پیش آید . حالاتی نظیر این در منابع اروپا و آسیا می توانیم ببینیم و بریتانیای کبیر ، در کارخانه های " سینگر " در اروپا و امریکای لاتین هم مشاهده کردید . اقدامات و فعالیت

های همبستگی در روسیات مختلفه ملی کمانیهای "حق فرگوسون" "اید آل استاندارد" "مولوای" و نظایر اینها نیز بوقت پیوسته -

بحد ها روایتی که بدین ترتیبها ب سندیکا های که در روسیات تنگ کمانی بند ملیش فعالیت میکردند پدید آمد در آخرین تحلیل به تشکیل دیدارهای بندگان و حتی کفرانسی ما منطقه افغانجا مید که در جریان آنها ارگانها همیزه همآهنگ کنند و ای ایجاد شد . این ارگانها را کشته های عمده افغانجا میدند که گاهی کشته مبارزه و پاکت های عمده ای نیز در آنها اطلاق میشد . از جمله در رشته های صنایع ذوب فلز صنایع شیمیائی و ریستندی و بافندگی و صنایع غذائی و سایر رشته های بسیاری از این کشته ها وجود آورد میشد . است .

تمام این ابتکارها بستی بر فعالیت اقدامات دسته جمعی زحمتکشان و نتیجه علاقه آنان به ارتباط ذاتی میان سندیکا ها برای تحقق مبارزه مشترک بود . بنیت اقدامات و اشکال سازمانی به بدون تردید به گسترش دانه مخالفت بر ضد انحصارها کمک میکند و زحمتکشان امکان میدهد درجه واحدی ضربه های مشترکی وارد سازند .

تجربمشان داد که کوشه های همآهنگی که اکثرشان وسیله فعالیت سندیکا های دارای مستگیری های مختلف ایجاد کردید خدمت متحد سازنده ایدارند و به استحکام روابط و درنگ متقابل بهترین مراکز گوناگون سندیکائی کمک میکنند . آنها به ازین برون موانع منوعی که در راه وحدت آنها پدید می آید و بیرون می آید آنچه مهم است این است که آنها با موفقیت برنامه خواسته های قوی را با آنکه گاهی هم محدود است تهیه و تدوین میکنند و بدین ترتیب پایه ای برای اقدامات همآهنگی و مشترک ایجاد میکنند .

قدرا میون جهانی سندیکا ها و تمام سازمانها تنگ که داخل در آنهاند برای مبارزه بر ضد کمانیهای چنبد ملیتی اهمیت درجه اولی قائلند . بین المللی شدن استعمار که در نتیجه استراژی تازه انحصارها و سیاست "اقتصاد مقرون ب صرفه و دقیق" تشدید میگردد نیازمند سازمان دادن به مقاومت و دفاع به مقیاس بین المللی است . بهیومن سبب همآهنگ ساختن مبارزه سندیکائی در مقیاس بین المللی به ضرورت بهیومن روز بند میشود . جنبش بین المللی انقلابی سندیکائی تمام نیروی خود را بدین منظور بکار میبندد از که در این جهت به تعرض جسران و قاطع دست بزند .

از این به بعد شرایط برای مبارزه موفقیت آمیز بر ضد انحصارها و بین المللی بوجود است و نه سراسر این درهای اوپرا لیسم تنها های جامعه سرمایه دار ویرانگه با بحران دست بگریبان است با خود دارند . بنا بر این با وجودت مبارزات سندیکائی در روسیات ملی کمانیها ای چند ملیتی می توان گام مهمی بجسمل در راه بسط و تکامل اقدامات مشترک بین المللی زحمتکشان برداشت و بدین ترتیب سهم عظیمی در پیروزی انجمن طبقه کارگران نمود .

چرا ما با کمونیست ها هستیم

هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" هنگام آغاز انتشار مطالبی زیرین عنوان (۱) به خوانندگان مجله پیشنهاد کرد که به پرسش "چرا ما با کمونیست ها هستیم" پاسخ دهند . در این شماره برخی از نامه های رسید را منتشر میسازیم .

مکتبک - رفقای محترم ! این نامه را اعضای یکی از سازمانهای اولیه حزب کمونیست مکتبک نوشته اند . این سازمان حزبی تاریک سابقین یافته و مرکب از یازده نفر است . نام این سازمان "فیدل کاسترو" می باشد . سازمان حزبی نامبرد نامه را برای ارگان مرکزی حزب برنامه "اوپوزسیون" ارسال داشت تا روشن کند که آنها به چه علت درخواست کرده اند که حزب آنها را به صفوف خود بپذیرد (۲) . از آنجا که مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" مطالبی زیر عنوان "چرا ما با کمونیست ها هستیم" منتشر میکند ، از شما تقاضا ام این نامه را در یکی از شماره های آینده مجله منتشر کنید . قبلاً از شما دل توجیه شما متشکر . با سلام برادرانه . آل فرخندس گارسیا - عضو کشته مرکزی حزب کمونیست مکتبک .

به رفقای حزبی ما به دوستان حزب خود ما در راه سوسیالیسم ! ما با قلبی آنگه از شور و شوق و خونریزی بی نهایت تمسح گرفته ایم . به حزب کمونیست مکتبک پیوسته ایم تا سهم خود را هم در انجام وظایف بزرگی که در برابر ما زحمتکشان در مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم قرار گرفته اند کنیم . ما با الهام گرفتن از نمونه های هزاران رفیق که همروز همغنیوی خود را در امر سازماندهی پروتاریا بر سر میسازند تا بتوانند رسالت تاریخی خویش را انجام دهند . میتوانیم از عهد و این وظیفه برائیم . ما این تمسح را نسنجید و نگریم . طبعاً مدتی بعد شما در مبارزه در راه دموکراسی شرکت کردیم . اگر چه با مراحات اعتراضی کمینک که تا حدود میجازید و داشتن عد قیای و روشنی عمل میکردیم . در نتیجه اغلب ما روحیه خود را بی اختیار با شکست مواجه میشدیم .

تصافی نیست که حالا ما در صفوف حزب کمونیست مکتبک قرار داریم . مبارزه بیکدیگر این حزب بهیول است تا پروا بسنگی ما را به این حزب گذاشتن به آن نزدیک کرد . اکنون ما با قاطعیتی بیش از گذشته به انقلابید و پروکراتیک و سوسیالیستی . یعنی آن حدی که ما کمونیستها را بر بخود قرار میدیم و برای رسیدن به آن در گذشته هم کوشیدیم . ایم و در شرف ووش بهترین نمایندگان طبقه کارگر مبارزه کنیم . ایمان داریم . تمسح ما برای ورود به صفوف حزب کمونیست از آن جهت نیز تصافی نیست که ما کمونیستها را به این حزب برای مردم مکتبک که در راه نامردی نهائی سرمایه داری میکوشند بیگانه راه واقعی تاریخی است . انتخابی باید ان علت نیز تصافی نیست که بد رجه خطرات ناشی از آن کاملاً آگاهی داریم . ما امید انجیم که فشار بیکدیگر یعنی چه . ما اعتقاد ما بد رستی تاریخی تمسح خود ما را نیرومند است .

- ۱ - رجوع کنید به مجله "مسائل بین المللی" شماره های ۲۵۱ و ۲ ، سال ۱۳۵۶ .
- ۲ - این نامه در شماره ۱۷۰ سال ۱۹۷۷ برنامه "اوپوزسیون" منتشر شده است .

ما برای همیشه از اقدامات کورکورانه افکار و اندیشه‌های تئوریک بی‌شور و انتقادگراش بپوش دست برداشتم تا با احساس مسئولیت کامل به صورت انقلابیون که تئوری را با پراکتیک درهم آمیختند و پیروانیم با پیوستن به حزب کمونیست و حزب طبقه کارگر و با اعتقاد کامل جهان بینی پروتاریا با ما باشد جهان بینی خود می‌پذیریم . با آغاز فعالیت بعنوان اعضای حزب کمونیست ما با هم‌راهی قبل از هر چیز از خطاها و رفقای خود که در پی بازگرداندن دیرینه سوسیالیسم شدید شده اند تجلیل بعمل آوریم . از آنجمله اندام تئوریک روسین خارا میلو و خوال آریاکس و آنریکه کاهیری و ایلایا پومورتا که دیگر در میان ما نیستند و اما فعالیت آنها بسیار از طبقه کارگر خرد است بکنند .

ما همچنین میخواهیم از همه رفقای غیر حزبی که در مبارزه شرکت میکنند و به سوسیالیسم علاقمندند دعوت کنیم که به صفوف حزب کمونیست بکنیک بپیوندند . این راه راه درستی است . نپوستن به حزبها به بهانه ضعف سازمانی آن بمعنی عدم تمایل به استحکام بخشیدن بد آنست . ما این مطلب را چنین درک میکنیم و سبب غلت تسبیح گرفتن سهم ناچیز خود را برای ساختن آن حزب بود . ای بزرگ پروتاریای بکنیک اد اکیم .

پروتلاریای سرسرجهان بشد شدید !

سازمان حزبی " فیدل کاسترو " ؟

نتیجه

زحمتکشان فتلاند پس آمد های مشخص سیاسی است پروتاریا در زمینه اقتصاد و در آید ها که بیرون از پیش عدم تعادل در تقسیم نم آمد های اثبات میکند و زندگی خود احساس مینمایند .

در زمین شرایطی ضعیف گاهی از زندگی زحمتکشان و دنبال کردن سیاستی که نسبت به نیروی کار اصلا معهود از طریق طبقات پرشکست میسازد برابری مطرح گردید . آن همه ارزشهایی که کارگران بدست خود ایجاد میکنند در چه راهی مصرف میشود ؟ چرا تلاش دارند علیرغم افزایش رفاهت بیشتر کسبه موجب تنویر زمین سطح زندگی است و سطح دستمزد ها را ثابت نگه دارند ؟ آیا بعنوان انجام انتخایات پارلمان و شهرداری‌ها را که طبق معمول صورت بگیرد مظهر بورکراسی واقعی دانست ؟

من برای یافتن پاسخ به این پرسش‌ها در نوشته‌ها و مطبوعات سیاسی و اقتصاد خود مان کاروش کردم . اگرچه کاروشای من اغلب سرگردانی در جنگل انبوه نوشتجات تنویر پروتاریا را بخاطر می‌آورد . میا اینهمه من بنایب دانش واقعی دست یافتیم : آثار له‌خن و کوامسین از آنجمله است . من کوشش کردم به کسب مطبوعات کارگری تغییریهیت پدید و هارویداد هارا درک کنم .

پس از انداختن معلوماتی که بنظر خودم کافی می‌باشد به این نتیجه رسیدم که این دانش و معلومات بدون کار پر دستران در جنبش کارگری نیست است . مسئله انتخابیها سوسیالیست پروکرات هارو کمونیست‌ها برای مطرح شده بود . تحمیلات و معلومات انگسای و توتیت اولیه معمولاً اجازه نمیدهد که انسان طبق نظر شخصی خود تصمیم بگیرد . اما قیاسه سیاست سوسیالیست پروکرات هارو کمونیست هاد ریحطه فعالیت است حرفه ایمن و انتخابیها برای من تسهیل میکرد . سیاست تحمیلت سیاست که لیدرها سوسیالیست پروکرات اغلب بدون توجه به نظریات و منافع اعضای حزب اعمال میکنند بر او ادا شد که راه دیگری جستجو کنم . انتخاب من با قیاسه فعالیت سازمانهای جوانان در شهر زادگاهم نیز تسهیل شد . تئوروی واقعیات زندگی و سیاست در جنبشها بر آن داشتند که به آموزش تئوری علمی میمنی مارکسیسم - لنینیسم بپردازم ، به حزب کمونیست فتلاند بپیوندیم و فعالان در این حزب کار کنیم .

برای همه کسانی که در جستجوی یافتن موضع راستین اجتماعی هستند ، سیاست پیگیری که کمونیستها

از آن جمهوری میکنند در آن جایی برای تزلزلها یا تکیکی اپوزیسیون وجود ندارد ، پایه استواری است . من که در سازمان ابتدائی حزب فعالیت میکنم و در میانه‌ها ت مبررس امور جاری شرکت میکنم ، امکان دارم که در حل مسائل مهم روز خلیق اصول حزب کمونیست فتلاند موثر باشم . من همین دارم که ما با کوشش جسورانه خود برای سازماندهی فعالیتها و تدابیر خود هستیم . تبلیغ اندیشه‌های سوسیالیسم و دستاورد های موجود آن ، افراد جدید بسازیم و برای آنها آموزش بدهیم . از آنجمله اندام تئوریک روسین خارا میلو و خوال آریاکس و آنریکه کاهیری و ایلایا پومورتا که دیگر در میان ما نیستند و اما فعالیت آنها بسیار از طبقه کارگر خرد است بکنند .

یگنا یاخما لاین رانتا

جمهوری دموکراتیک آلمان

هیئت تحریریه گرامی مجله " مسائل ملخ و سوسیالیسم " !

من هم تسبیح گرفتن به پرسش شما :
" چرا شما با کمونیست‌ها هستید ؟ " پاسخ بدهم .

من هنوز جوانم و فقط هفت و سال دارم . اما تاکنون در زندگی خود با کمونیستها بی‌خوابی برخورد کرده‌ام . آنها همیشه در گفتار و کردار من کسب کرده و کسب میکنند . خواه پدر و مادرم ، آموزگارانم و خواهرهای من در درسه و یاد رخانه‌های دانشجویی . اما تسبیح پیوستن به حزب سوسیالیست متحد آلمان را من فقط باین دلیل که در منزل پدری در سه به این شکل تربیت شده بودم ، انتخاب نکردم . آخر چشم و گوش هم وجود دارد . عزیزانم گواه آن هستیم که کشورها ای جامعه کشورهای سوسیالیستی برهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی به چه گامیهای پیاپی رسیده‌اند . من مثلاً در باره تدابیر جدید اجتماعی و سیاسی که در سیمین کنگره حزب ما منظور شد و است و فکر میکنم . حزب سوسیالیست متحد آلمان راهه سازماندهی اجتماعی جمهوری دموکراتیک آلمان مانند نیروی رهبری کنند ، ساختن سوسیالیسم در کشور را قبول دارند . من در باره تغییرات سیاسی و پروتاریا در عرصه جهانی و در باره اینکه حالا دیگر هیچ مسئله‌ای در جهان بدون شرکت کشورهای سوسیالیستی نمیتواند حل شود ، فکر میکنم .

کمونیست‌ها - البته نه تنها کمونیست‌ها - اما آنها مقدم بر همه در راه ملخ و امنیت در جهان مبارز می‌کنند . موافقت نامه‌های سبوط به بکار نبردن سلاح هسته‌ای ، مذاکرات میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا با وضوح نشان میدهد که کمونیست‌ها طرفدار همین تسبیح سلامت آمیخته اول دارای نظام‌ها با جنبشهای متفاوت هستند .

کمونیست‌های سرسرجهان همه با هم در راه هدف‌های واحدی و بخاطر آزادی و شگفت انگیزترین روزی که انسان میتواند آرزو کند ، یعنی در راه کمونیسم مبارز میکنند . همه اینها و بسیار فراتر از آنها قانع ساختند . سبب سبب طرفدار کمونیست‌ها هستیم . سبب غلت من کمونیست هستم . من همیشه از رفقای خود در مبارزه با دشمنانی میکنم و بخاطر دست یافتن به هدفهای مشترکمان آماد ام تمام نیروی خود را بکار اندازم .

میخائیل اولتسه ارمس لاین - هارتس

به‌ترور و تضییق و فشار باید پایان داده شود

اعلامه کمیسیون مجله " مسائل ملج و سوسیالیسم " مربوط به مسائل جنبش‌های سیاسی و فرهنگی

کمیسیون مجله " مسائل ملج و سوسیالیسم " مربوط به مسائل جنبش‌های سیاسی و فرهنگی در کشورهای آسیا و آفریقا با انزجار و تندی خاطر نشان می‌کند که در تعداد کم از کشورهای یقاره های آسیا و آفریقا تضییق و فشار علیه کمونیست ها و دیگر مبارزان راه دموکراسی و ترقی و عدالت اجتماعی و استقلال ملی همچنان ادامه دارد. این تضییق و فشار ها نه تنها با موازین ابتدائی انسانیت بلکه همچنین با اصول بنیادی حقوق بشر بین المللی در تناقض است.

کمیسیون می‌خواهد بار دیگر توجه افکار عمومی را به فاکت های دوباره این تهنیل تضییق و فشار ها جلب نماید. این فاکت ها از طرف نمایندگان احزاب کمونیست کشورهای مربوطه که با مجله ما همکاری دارند گردآوری و اطلاع داده است.

جمهوری آفریقای جنوبی

احمال جنایت آپارتاید آفریقای جنوبی علیه افغانی ها و بلور عمدتاً در اثنای آوزان به علت قیامی که شانزدهم ژوئن سال ۱۹۷۲ در سوئو و حومه ژوهانسبورگ برپا گردید، بنام ضربه روحی در جهان ایجاد کرد که هنوز پدیدار نشده است. در این ماجرا مدو هتاد نفرت گشته و قریب هزارودویست نفر زخمی شدند (۱). آرتانگام تا کون اقدامات تروریستی زیاد از آن آفریقای جنوبی با همان شدت ادامه دارد. مثلاً کتون متجاوزان ۱۰۰۰ نفره قتل رسیده اند. مرتباً اخبار تازه ای درباره قربانیهای جدید میسرند. مثلاً در اکتبر ۱۹۷۲، پلیس به پنج هزار افغانی که در مراسم به خاک سپردن دانشجوی ۲۲ ساله ما شایانه از راهالی سوئو که در زندان درگذشته بود، شرکت کرد و بدون تیر خوردن نتیجه آن هفت نفر کشته و پنجاه و یک نفر زخمی شدند. تا آخر سال ۱۹۷۶ بنسابت حوادث شهادت ژوئن ۱۹۷۲ نفر محکوم شدند که ۶۶۲ نفر از آنها محکوم و جوانان تا ۱۸ سال بودند. هفتصد و پنج نفر از آنها بطور عمدتاً کودکان را با تشبیهات بدنی مجازات کردند. شصت و شش نفر در ارتباط با همان حوادث سوئو جیقانون سرکسوب "خرابکاری" و " تروریسم " بزندان محکوم شدند. حکومت آن پارلیامنت ۳۳۱ سال زندان است. این وضع در سال ۱۹۷۲ هم ادامه دارد.

رفتار نسبت بزندان سیاسی نوزاد لعاب و خشن و بیرحمانه است. ۲۵ زانویه سال جاری هنگام کار زندان در معدن سنگ ماوران سنگهای تنگهبانان را بجان زندانان انداختند. در نتیجه تعداد زیادی از آنان را سنگها زخمی کرد. این زندانان شرکت کنندگان در جنبش " آگاهی سیه پوستان " بودند که بپند می‌نویسند محکوم شده و به جزیره روبین که شهرت نامیونی کسب کرده تعیین شده بودند.

۱- رجوع کنید به " مجله " مسائل ملج و سوسیالیسم " شماره ۸، ص ۶۴.

(شخصیت های برجسته مبارزه رهاش یعنی ملی آفریقای جنوبی مانند ن. ماند لود بکران در این جنبه ره تبعید و زندانی هستند) کروگر و نورداد گستر میولیس و رهس زندانها اظهار داشت که " به ما سوران زندان دستور داده است برای تسخیر کارازسک ها استفاده کنند " (۱). طبق اخباری که منتشر می‌شود زندانان زندگی و سرتوشت خود هستند. موارد نابودی زندانان سیاسی در چهار دیوار زندانها رویتزاید است. بوجیا اطلاعات رسمی از مارس سال ۱۹۷۶ تا مارس ۱۹۷۷ از زندانان سیاسی نوزده نفر درگذشته اند. (طی ۱۳ سال گذشته تعداد درگذشتگان ۲۲ نفر بوده است) هیچ مدلولی یکسی از افراد فعال برجسته کنگر ملی آفریقا و له‌ند زانگبار زینا سابقه بیکار رهاش بخش، و در حالتکساد انش آوز شانزده ساله از راهالی سوئو در بکران از جمله آنها میباشند. ولی اینها فقط مواردی است که اطلاع دولت اعلام شده است. اما با توجه به اینکه طبق قوانین آفریقا جنوبی زندانان را به مدت بیانا محدود و به سلولها یا انفراد می‌بندند و فقط پلیس میتواند با آنها در تماس برساند. به احتمال قوی شماره زندانیان سیاسی که جان سپردند و بسیاری زیاد تر از این میباشند.

بطور رسمی علت مرگ زندانان سیاسی را " خودکشی " و یا " عوارض طبیعی " اعلام میکنند. اما در مواردی که کسانی موقوفه شده اند، جنازه درگذشتگان را ببینند یا از آنها عکس بردارند و آثار جراحات درکند و مشخصه در آنها مشاهده شده است. روزنامه " تایمز " لندن نوشته است: " ادعاهای مکرر پلیس در مورد اینکه زندانان سیاسی به خودکشی اقدام میکنند، آشکارا نشان میدهد که نسبت به زندانان سیاسی شکنجه های روانی و جسمی اعمال میشود و این نوع شکنجه ها طی مدت مدید زیاد رجسالت روز افزونی انجام میگردد " (۲).

سودان

بند مییش رژیم سودان شش برقانون اساسی بتضمین رساند و ماده ای " درباره امنیت دولتی " ونواد دیگر بمران افزود که بعد در جهت سرکوبد موکراسی و دیگر حقوق های انسانی میباشند. طبق فرمان رئیس جمه و بعد از گذارها پیروزه سازمان امنیت تأسیس شد که حق محدود احکام اعدام درباره مخالفین سیاسی رژیم به آنها داده شده است. در کشور سودان نزدیک به ۱۰۰۰ نفر زندانی سیاسی که دارای نظریات سیاسی مختلف هستند، وجود دارد. از این تعداد چهارم نفر کمونیست اند که پنج نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان، ده نفر از کاربندان کمیته مرکزی زجمله آنانند. علاوه بر این صد هانفر از فعالین سازمانهای مردمی و اجتماعی، جنبش جوانان و دانشجویان و شخصیت های فرهنگی نیز زندانی اند. برخی از کمونیست های بازداشتی مدت سه سال است که بدون حکم دادگاه و حتی ابلاغ اتهامات در زندان بسر می‌برند. اوایل مربوط به بازداشت آنها مرتباً تجدید میشود. زندانیان که بتاحکم دادگاه تیر شده اند، از زندان آزاد نمیشوند. از علت بازداشت آنها دلیل امتناع از آزاد یا افراد اطلاعاتی داده نمیشود.

پس از شکست کوششی که دوم ژوئیه سال ۱۹۷۶ برای کودتایه عمل آمد، در کشور حکومت نظامی برای مدت محدود برقرار گردید. صد هانفر از مخالفین رژیم بدون محاکمه و پیگرد قانونی به قتل رسیده اند. دستگاه امنیتی سودان تحت نظر ارگانهای امنیتی مصر و هنگاری نیز در يك سازمان امنیت و اطلاعات ایران فعالیت میکند.

زجر شکنجه در زندانها بازداشتگاهها از کارهای روزمره معمولی است. برای زندانان سیاسی

1 - " Focus ", NO 9 March 1977.

2 - " " " " " "

خوابیدن در درخت خواب، خواندن روزنامه، گوش کردن رادیو و نامه نوشتن قدغن است و از کجک سیاسی پزشکی، ملاقات با خویشاوندان و مشورت با وکلای مدافع محسوبند.

بازداشت های جمعی و اخراج عناصر دموکرات و پوهین پرست از کار همچنان ادامه دارد. قانون قلابی "حاکمیت خلق" انتخاب کمیونیست ها و دموکراتها را در آرگانهای سندیگای ممنوع میکند. ماسوران سازمان امنیت کارگران را ترور میکنند. احزاب دگرگشتگر قدغن است و دانشجویان حق فعالیت های سیاسی و حتی فرهنگی ندارند.

سرزمین های میهنی که در اشغال اسرائیل است

قلمحات اشغالگرا اسرائیلی فلسطینی ها را که بزندان انقذند و "جنایتکار" و "تروریست" میدانند. شرایط زندان و رفتار با نهرسان و ماموران زندان نسبت به زندانیان سیاسی غیر انسانی تر است. رفتار میانه (۱).

چندین پیش صد ها نفر فلسطینی که در زندانهای اسرائیل بازداشت هستند بخشانه اعتراض علیه این شرایط دست به اعتصاب زدند که چند هفته بطول انجامید. در نتیجه اقدامات تیرمچانه ماموران زندان در جریان این اعتصاب یک زندانی سیاسی بنام عدنان ابو حیدر در زندان آس کولون درگذشت.

لوی کیمپرزکل زندانهای اسرائیل طی مصاحبه ای چنین اعتراف کرد: "وضع زندانیان سیاسی فوق العاده بدتر از زندانهای معمولی است. مثلا در زندان خیرون به هر زندانی کمتر از یک متر مربع جا میدهد. سطلهای رئیس زندان آس کولون چنین اظهار داشت: "زندانی که به بیست ساله با به زندان اسپند محکوم شده مدت زندانی خود را در سلول کوچکی که بیست نفر دیگر در آن هستند، میگذرانند. چنین وضعی را خود یکتوح شکجه میتوان بشمار آورد."

در زندان تل که برای ۲۰۰ نفر تعبیه شده ۶۰۰۰ نفر زندانی بسر میبرند.

در زندان آس کولون که برای ۲۰۰ نفر است ۴۵۰۰ زندانی نگهداری میشوند.

در زندان کلابیون که برای ۲۲۰ زندانی در نظر گرفته شده ۴۶۰۰ نفر زندانی بسر میبرند.

فلسطینی ها در ۲۵ زندان واردی کار اجباری میبرند. تعداد آنها متجاوز از ۵۰۰۰ نفر است که از پنج تا صد بیست ساله است. حکومت دارند. هزاران نفر از آنها بدون حکم دادگاه ماهیسا در زندان بسر میبرند. برهی از آنها متجاوز از سی و پنج ماه است که در زندان نگهداری میشوند. نام ۶۶ نفر زندانی که در اثر شکجه و ضرب و شتم و یا فقدان معالجه درگذشته اند، به ما معلوم است. با نهرسی ها بطور معمول با شکجه همراه است. ماموران زندان نسبت به زندانیان همگونه تحقیر و آزار و اذیت روا میدارند. در سال ۱۹۶۶ قانونی درباره کار اجباری زندانیان سرزمین های که در اشغال اسرائیل هستند بقریب رسید.

ایران

علی سالهای اخیر در ایران متجاوز از ۶۰۰ نفر زند و خورد های خیابانی از نظر ماموران سازمان امنیت کشته شده اند. شیوه ها که رژیم نسبت به مخالفین خود معمول میدارد عبارتند از سلب آزادی و بیسودن محاکم کردن افراد بیگناه در دادگاههای نظامی. شکجه و ضرب و شتم و کشتار.

۱- لانگر وکیل مدافع متفرق مشهور اسرائیل در این مورد مطالبی عمومی در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" نوشته است. رجوع کنید به "اسرائیل حقوق بشر را پایمال میکند" شماره ۶، سال ۱۹۷۶.

در حال حاضر دهها هزار نفر ایرانی در کارگر و دانشجو متوسلند و همنیشه معلم از همطبقات و قهرها دارندگان عقاید و نظریات متفاوت و رسایه چالهای سازمان امنیت زندانی هستند.

افراد و گروههای مختلفی هم که بد فاع از نافع حرفه ای خود میسر دارند. از نظر رژیم مورد بیگسردن قرار میگیرند. کارگران ایرانی که علیه افزایش بد اوم میتها اعتراض میکنند و در راه مراعات قانون کسار و تمسبها منسوط به میمه اجتماعی مبارز میکنند از نظر مامورین سازمان امنیت و پلیس مورد ضرب و شتم قرار میگیرند. آنها را شکجه میدهند و قتل میبرسانند.

وضع زندانیان سیاسی ایران روز بروز شوار تر میشود. متجاوز از نود درصد زندانیان سیاسی یا اسلایدون دادگاه در زندان هستند و باید تنهاست که دوران محکومیت خود را بگذرانند و بنا بر وجود این همچنان در زندان نگهداری میشوند. برای زندانیان سیاسی دوره باقی گذاردن اعتدافا نگهبر باید و بر سایر تلبهون و روانیوا نظریات و معتقدات سیاسی خود عدول کند و با ایران زندان نظارت سازمان امنیت را بپذیرد و با هر که تدریجی در رسایه چالهای رژیم تن در دهند. دادستان کل ارتش ایران در مورد زندانیان سیاسی اظهار داشت: "زندانیان جوان با پانته باید انقدر در زندان بمانند تا بیرون بفلوک و معلول شوند و زندانیان بیرون معلول و فلوک تا زمانیکه جان میسرند."

بعضی از رهبران پرستان و کمیونته ها و اعضای حزب بود و ایران اکنون در دهها سال است که در زندان بسر میبرند. همه آنها بیرون معلول شده و اندولی از معتقدات خود دست برنداشته اند. علی خاوری عضو کمیته مرکزی حزب بود. ایران و مغربهمان هماس خیری و تقی کوش و محمد عسوف و رضا غلغلو کسی از جمله آنها هستند.

رقا سار محمد زاد و آفرمود دید و سه سال پیش مدت زندانشان بسر آمد و ولی هنوز هم زندانی اند و برای مدت نامعلوم باید در زندان بمانند. رژیم نه تنها اعضای حزب بود و ایران بلکه همسوهن پرستان را مورد بیگرد قرار میدهد. سازمان امنیت با خونسری و بطور مستقیم گروه گروه زندانیان سیاسی را نابود میکند. گروه "نفری مشهوره گروه بیزن جزئی به همین ترتیب نابود شدند." روزنامه "نیویورک ساندی نیوز" در مقاله ای بز عنوان "وضع حقوق بشر در جهان آزاد" ناگفته اشاره کرده است که شاه ایران طبق اخباری که شایع است کاملترین و محترمین و متعال شکجه در جهان زان است و بعد به بشمار هم زندانی سیاسی برای کار برد آن در اختیار دارد.

اندونزی

علیرغم اعلامهای رسمی سرسود ایریزیم درباره آزاد یگروههای زندانیان سیاسی و هنوز هم متجاوز از صد هزار نفر زندانی سیاسی در اندونزی وجود دارد. این زندانیان عبارتند از کمیونته ها و دموکراتها فعالین مبارزات بیهن پرستانه علیه امپریالیسم و مظاهر آزاد یود مکراسی و صلح. با وجود این رژیم سوهارتود روغ مدعیست که در اندونزی زندانی سیاسی وجود ندارد و تنها زندانی غلطی وجود دارد. ما در اینجا به ذکر نام بعضی از شخصیتها اجتماعی نامی اندونزی میپردازیم که اکنون متجاوز از ده سال است بدون دادگاه در زندانها وارد نگاههای کار اجباری بسر میبرند. نویسنده و پرابود یا آنتانتور، پروفیسور نهنکه و ریاضیات سورانو و مهندس ستیاد که به سمت معاونت صد رشورای جهانی صلح انتخاب شده بود. اوس وارچونو شخصیت نامی جنبش دموکراتیک زنان که ماد رچند فرزند است. باز دست انتخابی ادامه دارد. هنگام با نهرسی همچنان وسیمه از جزیره شکجه استفاد میسرند. برای فعالین جنبش کمیونیستی و صهیونیستی زندانیان گروه "۱" (۱) محسوس میشوند و حکومت معمولاً مرگه با زندان ابد است.

زندانیان سیاسی رایبه در شوارترین کارهای شاق و میدارند. رابطه آنها با جهان خارج از زندان و خانواده اسر و رجوع کنید به: مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۱۲، سال ۱۹۷۴، ص ۶۶.

هایشان بکلی قطع شده است . به آنها کاغذ میدادند و هند و حقوقش کردن به راد پیوند آرند . به آنها فقط اجازه داد میشود که کتابها میفروشند را بخوانند . چند عیبش دولت آزادید و هزاروپانصد نفر زندانی سیاسی گروه " ب " را اعلام نمود . اما عملاً این زندانیان از زندانهای جاوه به اردوگاههای کار اجباری در آفغانده میان جنگلها انتقال داده شدند که شرایط " زندگی " در آنجا مانند اردوگاههای اجنصره پورواته که شهرت تراژیک کسب کرده است

ولی زندانیان سیاسی گروه " ب " را آزاد کرده اند . اما آنها از حق سکونت در شهرها و تحصیل و شرکت در انتخابات محرومند . در این زمینه ناکت های بسیار دیگری میتوان ارائه نمود . اعضای کمیسیون مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " مربوط به جنبش رهایی بخش ملی در کشور های آسیا و افریقا اقدامات تروریستی زمامداران افریقا و جنبش را در (جمهوری افریقا و جنبش) برود نیسا و ونا (علیه مبارزان راه آزاد بود بوکراسی با قاطعیت محکوم میکنند . پیگرد های تیزاد کرایانه در جمهوری افریقا و جنبش و در سرزمینها همی را که در اشغال اسرائیل است اقدامی ننکین بشمار می آورند . اعضا ی این کمیسیون ادامه اشغال بخش از سرزمین قبرس و سرزمینله ارتش ترکیه را که در نتیجه آن دوست هزار نفر و نانی قبرسی از راه گاه خود رانده و به آوارگان تبدیل شده اند محکوم میکنند . علیه پیگرد و اعیال فشار نسبت به کمیونیت ها و دیگر مبارزان راه دموکراسی و ترقیات اجتماعی در ترکیه ، ایران ، اندونزی ، تایلند ، سوئان ، مصره عربستان سعودی ، بحرین ، بین شمالی اعتراض میکنند و آزاد میزند آنها سیاسی این زجر دیدگان از طرف مراجع و امپریالیسم را که مبارزان راه دموکراسی و ترقیات اجتماعی و آزاد میلس هستند ، میطلبند .

اعضای یابین کمیسیون هیستکی برادرانه خود را نسبت به همه کمیونیت ها ، دموکراتها و همه میهن پرستان که قربانی زورگویی و ستم ارتجاع شده اند ، ابراز زبرد آوند و با قاطعیت پایا ن بخشیدن به تشرور و کشتار و پیگرد را طلب میکنند .

کارگران خارجی در شرایط بحران

میان پدیدهای نمونه و ارجامه سرمایه داری معاصر که تقویت بحران برای بیلبونتها مردم بهسرا ه دارد ، مهاجرت تیزری کارگره بسیار از کشورهای اروپا گرفته مجای همی را اشغال میکند . در حال حاضر ۱۲ میلیون کارگران خارجی در کشورهای غربی بسر میبرند . این رقم در سوهین کنگره اروپائی زحمتکشان مهاجر که در اوایل خرمایه به سال ۱۹۷۷ در تورن برگزار شد ، اعلام گردید . جدولی که ماد زهریا ماراوار نام سال ۱۹۷۵ میآوریم تصویر خوبی درباره دانشه این پدید به دست میدهد . این جدول نشان دهنده کشورهای است که بیروی کار " صادر میکنند " و همچنین کشورهای که کارگران مهاجر را میباشند نشان کارنده آنها میزند . باید یاد آوریم که این جدول خطر واقعی و کامل را نشان نمیکند (تیزاد ران زحمتکشان که به اروپا میفرستند مثلاً انگلستان نشان میباشند و تعداد شان در انگلستان فقط به ۱۳۰ هزار نفر میرسد ، آورد نشده است) .

تعداد زحمتکشان خارجی در سال ۱۹۷۵

کشورها عصبه ای که در آنها از کارگران مهاجر استفاده میشود

کشورهای " صادر کننده "	جمهوری فدرال آلمان (۱)	فرانسه (۲)	بریتانیای کبیر (۳)	سوئد (۴)	سوئیس (۵)
الجزیره	۲۰۰۰	۸۰۳۱۹۸	۵۰۰	۲۰۰	-
اتریش	۷۸۰۰۰	-	-	-	۲۱۰۰۰
اسپانیا	۱۳۲۰۰۰	۵۱۳۷۹۱	۱۵۰۰۰	۲۰۰۰	۷۲۰۰۰
یونان	۲۱۲۰۰۰	۵۰۰۰	۲۵۰۰	۸۰۰۰	-
ایتالیا	۳۱۸۰۰۰	۵۵۷۲۹۸	۵۶۵۰۰	۲۵۰۰	۳۸۱۰۰۰
مراکش	۱۸۰۰۰	۳۴۷۹۸۴	۱۰۰۰	۵۰۰	-
پرتغال	۷۰۰۰۰	۸۸۲۵۴۱	۴۰۰۰	۱۰۰۰	-
تونس	۱۵۰۰۰	۱۷۴۴۸۶	-	۲۰۰	-
ترکیه	۵۸۲۰۰۰	۳۵۰۰۰	۱۵۰۰	۴۰۰۰	۱۲۰۰۰
کشورهای دیگر	۷۶۴۰۰۰	۴۱۹۳۸۰	۶۹۳۵۰۰	۱۸۲۰۰۰	۱۵۹۰۰۰
جمع	۲۱۷۱۰۰۰	۴۲۰۵۳۰۳	۵۷۷۵۰۰۰	۲۲۰۴۰۰۰	۵۵۳۰۰۰

- ۱ - آمار تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۵ با ضافه کارگران دیگر .
- ۲ - آمار تا اول ژانویه ۱۹۷۷ که اعضای خانواده های کارگران مهاجر هم در بر میگیرد .
- ۳ - جمع کل کارگران خارجی در فرانسه در سال ۱۹۷۷ به بیست میلیون و شصت هزار نفر بالغ میگردد .
- ۴ - در قسمت متوسطه " کشورهای دیگر " ۴۸۰۰۰۰ نفر از سکه ایرلند که ۲۲۰۰۰۰ نفرشان ایرلندی الاصل هستند آورده شده است .

- ۴ - قسمت مربوط به کشورهای دیگر تقریباً ۲۰۰۰۰۰ دانارگی را هم شامل می شود .
- ۵ - در این قسمت فقط کارگران دانش و مهندسی هم جای آورده شده است .
- ۶ - آمار برای ماه مربوط به سال ۱۹۷۴ است .
- ۷ - انترسومیاال شماره ۶۲ در ماه سپتامبر ۱۹۷۶ ص ۱۷ * لوبوند * ۱۸ ژوئن ۱۹۷۷ *

بطوریکه از جدول فوق مستفاد می شود همزگترین رقم کارگران خارجی در کشورهای جمهوری فدرال آلمان و فرانسه بکار اشتغال دارند که به ترتیب ۲ میلیون و ۱۸۱ میلیون کارگر مجرد را تنها بر می رند . بحران های وارداتی اقتصاد سرمایه داری خصوصاً در اروپای غربی برای زحمتکشان همواره درازند . این امر پیوسته باعث تشدید در جریان بحران اقتصاد است که کشورهای سرمایه داری در سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۷۵ فراگرفت و بروز کرد . تعداد فراوان بیکاران با داشتن قیمت ها و تورم که این آید های و غیره این بحران اند در این روزها هم در وضع زحمتکشان کشورهای سرمایه داری مقدم بر همه در وضع زحمتکشان مهاجره اثر خود را باقی می گذارد . آنان که کار خود را در خارج نیز از دست داده بودند ، ناچار به بازگشت بکشور خود میسویست و بخیل بیکاران آن کشورها بودند .

مهاجرین بخش قابل توجهی از " ارتش ذخیره کار " در کشورهای سرمایه داری را تشکیل می دهند . این گروه کارگران محرومترین و بی حقوقترین کارگران اند که در این حالت شدت مورد استثمار قرار می گیرند . در واقع در نتیجه استثمار بی رحمانه انحصارها کارگران خارجی آنها موقوف می شوند سود سرمایه داری را بردند .

میدانیم که در کشورهای سرمایه داری اروپا کارکنان ، زنان بخش و کم دستمزد کارخانه کفشی و علیکی در ساختن و کار در مزارع کشاورزی اغلبا کارگران مهاجر است . در آن رشته از صنایع هم که کارهای به تخصصی اند ، بویگوت و خسته کننده است و امکان برای پیشرفت بهیچگونه ندارد ، نیز همین خنجره پیچ می خورد .

در فرانسه کارگران خارجی بیشتر از یک پنجم افراد طبقه کارگر کشور را تشکیل می دهند . هرگاه رشته های جدید آگانه صنایع را در نظر بگیریم ، شلا رشته هایی مانند رشته ساختمانی ، صنایع اتومبیل سازی و همین رقم با زخم بیشتر به ترتیب ۳۷٪ و ۶۶٪ درصد را تشکیل می دهد . فقط یک سوم کارگران خارجی که در فرانسه کار می کنند دارای تخصصی اند . اکثر کارگران مهاجر در کارخانه کم دستمزد مورد استفاده قرار می گیرند . اما در این نوع کارها هم نسبت به سایر شعبه می شود . تفاوت دستمزد کارگران محلی و خارجی در فرانسه به ۲۵٪ درصد میرسد .

۳۰ میلیون کفایت در جمهوری فدرال آلمان و بیش از ۲ میلیون کارگر خارجی وجود دارد (در اینجا آلمان را " Gastarbeiter " یعنی کارگر بی مان) می نامند . اینان با افراد خانواده ها همان ۴ میلیون نفر می شوند . آنها نخستین قربانیان بحران اند . طی سالهای اخیر بین ۴۰۰ هزار و ۱۰۰ هزار نفر از این کارگران بی مان از جمهوری فدرال آلمان اخراج کرده اند . فرمان ویژه ای حق تحصیل در مدارس را از فرزندان کارگران خارجی بیکار میسر می کند . طبق آمار رسمی این تدبیر غیر انسانی ۴۵ هزار کودک را از تحصیل محروم ساخته است . ۶۵٪ از مردان و ۹۷٪ زنان از توده انبوه زحمتکشان خارجی در جمهوری فدرال آلمان هیچگونه امکانی برای گرفتن تخصصی ندارند و بنابراین محکوم به پذیرش کهنه فروش و گسب در دستمزدترین کارهای غیر تخصصی اند . یک پنجم کارگران ترک یا در زیر زمین ها و یا در زانه های بستر می رند . یک سوم کارگران سوئیسی را کارگران خارجی تشکیل می دهند . آنان اغلب طبقه بی مان های می باشد و بدون داشتن تخصصی در مورد تولید ، اشتغال و حقوق لازم کار می کنند . در ضمن در شدت ترین لحظات بحران کارگران مهاجر را می بینیم و غلظت بازرگانند . به بدین ترتیب نمای ظاهری حلقه استثمار

ثابت در داخل کشور موجود آورده می شود و کارگران خارجی به ارتش بیکاران کشور خود می پیوندند . به سروسرگ از نوزدهای سوئد بدین خاصیت گفت : بدون وجود قشر بلاگردان کارگران خارجی جمعیت بیکاران ما از اینهم انبوه تر می شد . لذا می بینیم که در سوئد هم مانند سایر کشورهای غربی که از نیروی کار کارگران خارجی استفاده میکنند و وظیفه کارگران مهاجره کار کردن در شرایط نامطلوب و تبعیض می دم امکان انتخابکاری و پذیرفتن اجباری بنا طبقه پایین کارها محدود و تنگ می شود ، بلکه از آنها به منزله آلتی برای تنظیم عدم توازن اقتصاد جامعه سرمایه داری که از کارگران بهره بر می برد ، نیز استفاده میکنند .

در تمام کشورهای غربی زحمتکشان خارجی بکار می شوند نسبت به این قبیل کارگران بیس از هر کس دیگری از نظر فکار و توانایی که هدفشان بدست آوردن حد اکثر زحمت است اجحاف می کرد . در ضمن از تمام و ساقط و عیب و آوار و زبله از شیوه های و قبحانه ای نظیر اخراج کارگران از یک محل و پذیرفتن آنها در محل دیگری یاد می شود و کمتر مطالبه انجام نمائند مقدار کار که در محل قبلی انجام میدادند نیز استفاده می شود . اغلب اتفاق می افتد که کارگران مهاجرین از چندین سال کار دیگر قدرت پیدا می آید در مقابل شدت و بی رحمی روز افزون تولید را از دست میدهند و همین سبب آنان را به پنهان عدم کفایت بازدهی کار " اخراج میکنند .

اقتصاد سوئیس تا حدود زیادی بر اساس استثمار فوق العاده کارگران خارجی به سطح عالی رشد و ترقی رسیده است . از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۷۴ چهار کال تولید در سوئیس از ۱۶۱۳۰ میلیون تساً ۱۲۹۵۰۰ میلیون فرانک سوئیس یعنی تجاوز از هفتاد درصد افزایش یافته است . به برکت وجود مهاجرین در کشوره درصد افراد بیکار برای اقتصاد کشور به سطح عالی یعنی ۴۸ درصد رسیده است . در سوئیس که در فرانسه و جمهوری فدرال آلمان ۴۲ درصد ، در ایالات متحده آمریکا ۴۳ درصد و در ایالتا ۳۵ درصد است .

رشد و تکامل دانش و تکنیک در کشورهای سرمایه داری به افزایش مداوم بیکاری و بیستی منجر می شود که جامعه بورژوازی قادر نیست راه خلاصی از آنرا بیابد . کارگران و مهاجرین اینتالی های و اسپانیایی ، ترک و یونانی که بحران اقتصاد سرمایه داری در زوئیت اول آنها را به بیکاری محکوم می کند همین مطلبی است . با اقتد و شلاد سوئیس در حالیکه درصد بیکاری نسبت به افراد مفید برای اقتصاد کشور ۱۸٪ است ، میان زحمتکشان یونانی تجاوز از سه بار بیشتر یعنی ۶ درصد میباشد . آمانه تنها آنها بلکه بسیاری از ۱۲ میلیون زحمتکشان مهاجر در اروپا از جمله هند ای ها که در کارخانه های انگلستان کار میکنند ، الجزیره ای ها و مراکش ها که در موسسات پاریس و یورین مشغول کارند در هر لحظه ممکن است از کار اخراج شوند .

از آغاز بحران در سال ۱۹۷۳ در اروپای غربی و میلیون از زحمتکشان مهاجرین از هر دو نفسه که تقریباً رشد اند و این جهان همچنان ادامه دارد . بسیاری از زحمتکشانی که محل کار خود را از دست داده اند ناگزیرند به کشورهای خود بازرگندند . عده دیگری کاری را بدست می آورند که حتی برای اسرار معاشی آنها کفایت نمیکند تن در داده اند .

ادامه بحران در وضع اینتالی نیز تا نرسد . با زنگت تود های کارگرایتالیایی سپهر خود و شکست جد می شود و اقتصاد کشور را زخم شدید تر ساخت . درصد شماره با زنگت ان سپهر نسبت به کمانیک از کشور خارج می شود تا از ۵۶ درصد در سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۵۹ به ۶۶ درصد در سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۶۵ و ۸۰ درصد در سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۷۱ افزایش یافته است . طبق آمار مربوط طی سالهای اخیر ۳۰۰ هزار ایتالیایی که به اروپای غربی مهاجرت کرده بودند ، سپهر خود با زنگتند . از سال ۱۹۷۳ از تعداد مهاجرین ایتالیایی در جمهوری فدرال آلمان تجاوز از ۱۵۸ هزار نفره کاشته شد . در سوئیس هم همین شدت ۱۰۰ هزار نفر کارگران ایتالیایی بیکار شدند . مهاجرین در همه کشورهای رواج یافتن پیدا کرده است . آنها در راه اشتراک نمالند و ترسندگی و افراد خانواده او را با زحمتکشان محلی در یک سطح قرار دهند . آنها در راه اشتراک نمالند و ترسندگی

سندیکاهای محلی و تحقیقات تمام زحمتکشان بد فاع ازد ستاورد های خویش و در راه حقوق طبقه کارگر مبارز می کنند .

سویس شکر اروپائی زحمتکشان مهاجر در تورن که از آن نام بردیم از این نقطه نظرا اهمیت ویژه ای داشت . در این کنگره نمایندگان زحمتکشان که در راه منافع مشترک ارتش پر شمار کارگران خارجی مبارزه می کنند شرکت جستند . در کنگره نه فقط مسائل حیاتی کارگران مهاجر بلکه بی آمد های بحران اقتصادی و مسائل و راههای عروج آنان و مبارزه در راه اشتغال پرشد تمهین و استوارتوقا لعاد و نیروی کارگری خارجی هم مورد بحث و مذاکره قرار گرفت .

در جریان کارکنگره مسئله ضرورت جنبشها لانه تر مهاجران در جنبش سندیکائی و مسئله وحدت عمل زحمتکشان در مبارزه شان بر ضد کارفرمایان از نخستین مسائل مورد بحث بود . سخنرانان در جلسات کنگره تاکید میکردند که هر نوع تمهین کارگران خارجی موجب پدید آیش " رقابت " ممنوع میان کارگران کشور بود نظرو کارگران مهاجر میگردد که از آنهم فقط سرمایه دارانی سود میبرند که از چنین تنفر نسبت به خارجیانی که تبلیغات بورژوازی بدان دامن میزنند استنفاذ میکنند . این جریان تمام طبقه کارگر و جنبش سندیکائی را تضعیف میکند . تنها راه بری حقوق کامل زحمتکشان محلی و خارجی به وحدت طبقه کارگر است .

مراعات اصولی که یاد آور شدیم برای کسب موفقیت امکان فراهم میکند . بطور نمونه نتایج همه پرسس که ۱۲ و ۱۳ ماه مارس سال ۱۹۷۷ در سو پس انجام شد گواه این مدعا است . اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در آن همه پرسس بر ضد پیشنهادهائی که لبر از اندیشه های تنفر نسبت به خارجیانی بودند و هدف آن از آنها تشدید تمهین نسبت به زحمتکشان خارجی در سو پس و فرنج ترکدن هر چه بیشتر و وسع زندگی آنان بود . رای دادند . این جریان مظهر مشخص و آشکار همبستگی زحمتکشان سو پس و محاسنل دموکراتیک کشور با تمام مهاجران بود .

طی سالهای اخیر سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی زحمتکشان مهاجر بالا رفته است . آنان سازمانهای ملی برای خود بوجود میآورند . شروع به وحدت با زحمتکشان محلی کرده اند و در اخصا مهاجرت میچینند . کنگره اروپائی در تورن خود گواه افزایش میزان تشکل آنان و استواری همبستگی بین المللی تمام زحمتکشان است .

آ . یوکی
ل . سوروی

(بقیه از صفحه ۲۷)

مختراتی کردند .

شماره نهم مجله تماما به اسناد و مدارک (ماتریالی) کنفرانس اخصا داد و خواهد شد . اداره انتشارات بین المللی " صلح و سوسیالیسم " کتابی بچاپ خواهد رساند که سخنرانیهای شرکت کنندگان در کنفرانس شکل کاملتری در آن انتشار خواهد یافت .

مجله " مسائل بین المللی " که هر دو ماه بچاپ انتشار می یابد ، به تشریح مسائل شوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اخصا دارد .
مخترجات این مجله از میان مقالات مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " که نشریه شوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و متمسک کننده نظریات و اندیشه های آن است ، انتخاب و ترجمه میشود .
در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۷۷ مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " بچاپ رسیده است .

شماره حساب بانکی جدید مجله
" مسائل بین المللی " :

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010

خوانندگان عزیز !

باین نشانی با ما مکاتبه کنید :

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden